

# امپریالیسم امریکا وحشی ترین جنایتکار تاریخ

## را در میهنمان به گور خواهیم سپرد

○ رونالد ریگان نماینده تجاوزکارترین و دست راستی ترین جناح های هیئت حاکمه امریکا هم اینک چنگال خونین و جنایتکار امپریالیسم امریکا را به هوا بلند کرده و بیشرمانه مردم میهن ما و دولت ایران را "وحشی" می خواند و در پاسخ این سؤال که در ایران می گویند فرق چندانی میان گارترو و ریگان نیست، اعلام می دارد که "بگذارید زمام امور را به دست گیرم تا این "احمق ها" بفهمند میان من و گارترو چه فرقی هست!"

از روی کار آمدن روالد ریگان چنین پیداست که امپریالیسم امریکا تهاجم تازه ای را علیه انقلاب و مردم ایران تدارک می بیند. نمرک فترده ناوگان امریکا در خلیج فارس و اقیانوس هند، تجاوز حهزات جنگی و جیکنده های هوایی امریکا به آنها و فضای ایران، زمزمه اشغال سه جزیره و مهم تر از همه تبلیغات گسترده محافل امپریالیستی جهان برای

در صفحه ۴

## دعوا بر سر چیست؟



سروهای مورد حمایت امپریالیسم در هفته های اخیر موقعیت را برای اجرای مقاصد خود بیش از پیش مناسب دیده و علنا علیه انقلاب اعلان جنگ داده اند، تا اگر بتوانند خود در مسند قدرت سیاسی بنشینند و فاتحه انقلاب را بخوانند و یا دست کم نیروهای خط امام را به عقب نشینی وادارند و آنان را به سیاستی که پیشنهاد می کنند و امپریالیسم در پشت آن است، متقابل سازند. تشدید تهاجم لیبرال ها به ویژه از آنجا در خور اهمیت است که امپریالیسم امریکاریگان نماینده دست راستی ترین محافل حاکمه امریکا را به کاخ سفید فرستاده، سروهای خود را در خلیج فارس و اقیانوس هند متمرکز ساخته و علنا اعلام می دارد که منتظر است تعادل قوا در ایران به سود نیروهای مخالف خط امام به هم بخورد تا برای به قدرت رساندن دوستان خود در ایران دخالت کند.

"جبهه ملی" در بنایه ای که اخیراً منتشر ساخته همصدا با امپریالیسم و صهیونیسم، نیروهای ضد امپریالیست خط امام را مسبب اوضاع و احوال کنونی و تجاوز رژیم صدام به خاک ایران دانسته است، نه امپریالیسم جهانی و مرتجعین منطقه را. "جبهه ملی" پس از چند جمله عوامفریبانه در مخالفت با امپریالیسم و رژیم صدام، در سراسر بنایه خود درست همان حرف های رادیو عراق، رادیو بختیار و دلایل محافل امپریالیستی را تکرار کرده و همواره اقدامات ضد امپریالیستی مردم و حکومت جمهوری

بقیه در صفحه ۲

## شهدای سنگرهای خوزستان، گل های سرخ انقلاب

هر گام در راه سترگی که سرافراز و بی تزلزل به سوی قله های فتح می پوئیم، جان های پاک دیگری به گلزار شهدای انقلاب تقدیم می داریم. ما بر این میراث خونین خود همواره پای خواهیم فشرد که در راه خلق، فداکار و در برابر دشمنان خلق تسلیم ناپذیر باشیم. تلاش پیگیر و خستگی ناپذیر و آگاهی بخش فدائیان خلق، رفقای شهید سنگرهای خوزستان:

- ★ دکتر پرویز گرمیان
- ★ کورش پاک بین
- ★ فریدون مرتضی زاده
- ★ وثیقه گرانمای صبح روشن صلح
- ★ استقلال ملی، دمکراسی و رهائی زحمتکشان است. با پرفروغ ترین امیدهای رفیقانه یادشان را گرامی می داریم و راهشان را پی می گیریم.

در صفحه ۱۸



★ فدایی خلق رفیق شهید کوروش پاک بین

## سال جدید میلادی

### بر هموطنان مسیحی مان خجسته باد

یازدهم دی ماه آغاز سال جدید میلادی را با صمیمانه ترین درودها به هم میهنان مسیحی تبریک می گوئیم. ایمان داریم که سال جدید برای هموطنان مسیحی، همچون دیگر مردم ایران سال کوشش و مبارزه، سال اتحاد بیشتر در راه از بین بردن همه گونه مظاهر تبعیض و نابرابری های اجتماعی و فرهنگی، سال مبارزه استوارتر علیه امپریالیسم خواهد بود. سازمان ما ضمن عمیق ترین شادباش ها به هم میهنان مسیحی، برای آنان آرزوی صلح، رفاه و خوشبختی می کند.

## امریکا به کمک رژیم ضیاء الحق در

بلوچستان تجاوز دیگری را تدارک می بیند  
در صفحه ۱۶

## گسترش تشنج و درگیری

خواست لیبرال ها  
در صفحه ۱۴

## جنبش دهقانی ایران

دهقانان زحمتکش روستای (گلدسته): بند (ج) را اجراء کنید  
(سامی ساند زمس در دست فدراسیون و بزرگ ساتان سامی ساند) در صفحه ۷

## جنبش کارگری ایران

دولت باید از اسکان خانواده های فتنگران جنگ زده در دهکده المپیک حمایت کند  
در صفحه ۶



### دعوا بر سر چیست؟

اسلامی را محکوم ساخته و آشکارا از ضرورت کنار رفتن خط امام و به قدرت رسیدن لیبرالها سخن رانده است و این درست همان چیزی است که امپریالیسم آمریکا می خواهد به هروسیله ای آن را عملی سازد.

میزان، ارگان لیبرالهای ایران حملات خود را علیه خط امام، علیه نیروهای ترقی خواهی که از خط امام حمایت می کنند و علیه متحدان جهانی انقلاب ایران تبلیغات گسترده ای را پا به پای امپریالیسم جهانی به پیش می برد.

روزنامه انقلاب اسلامی نیز که این روزها مشکل می توان تمایز آن را با روزنامه میزان تشخیص داد. از گرایشات مثبت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی سخت برآخته و علیه آن به سمپاشی پرداخته است

این روزنامه چنین می نویسد

"چه زمینه هایی ساخته شد تا از لیبی که تا همین اواخر "امام موسی صدر" از آن مطالبه می شد، کشور دوست و برادر ساخته شود؟ چرا روزنامه کیهان و اطلاعات پس از این ماجرا به جای خط اصیل انقلاب اسلامی (نه شرقی، نه غربی) به غربی، نه غربی شده؟ چرا در تلویزیون فیلم های راجع به "ویتنام و کوبا" را نمایش می دهند؟ چرا...؟"

(شنبه ۲۹ آذر انقلاب اسلامی)

یعنی چرا فیلم هایی که مردم را از ماهیت امپریالیسم و حایات آن آگاه می سازد، چرا فیلم هایی که دوستان و دشمنان مردم را معرفی می کند، سانسور نمی کنید؟ چرا به جای گسترش رابطه با پاکستان و ترکیه "مستقل!" و "ملی!" بالیبی و الجزایر که واقعا ملی و مستقل و صدامپریالیست اند رابطه برقرار می سازید؟ چرا به جای گسترش رابطه با امپریالیست های فرانسوی، انگلیسی آلمانی و ژاپنی می خواهید روابط خود را با دول سوسیالیستی گسترش دهید؟ و خلاصه چرا "آزادی" را به خطر می اندازید؟ راستی آیا همین موضع گیری های اخیر روزنامه انقلاب اسلامی کافی نیست که به ماهیت "آزادخواهانه" آن پی ببریم؟

آری دعوی لیبرالها و بنی صدری ها که فعلا در کنار هم قرار گرفته اند علیه خط امامی ها همچنان حدت و شدت می یابد و هر کدام از دو طرف برای غلبه بر دیگری از طرفی نیرو تدارک می بینند و از سوی دیگر می کوشد از رشد و تقویت طرف مقابل جلوگیری کند.

بر همین اساس است که لیبرالها و بنی صدری ها همه توان خود را به کار گرفته اند تا از نزدیکی و اتحاد عمل نیروهای انقلابی و ترقی خواه با نیروهای خط امام جلوگیری کنند. با تبلیغات ضد کمونیستی و پراکندن انواع شایعات و بهره برداری از تمایلات ضد کمونیستی نیروهای خط امام تلاش دارند لبه تیز حمله این نیروها را متوجه کمونیست ها، دیگر نیروهای ترقی خواه و متحدان جهانی انقلاب ایران سازند تا با پراکندن این نیرو و جلوگیری از اتحاد عمل لازم میان آنها از سوی خط امام را حتی الامکان تضعیف کنند و از سوی دیگر توده های نا آگاه وسیع تری را به سوی خود جلب کنند. تشدید حملات روزنامه های میزان و انقلاب اسلامی علیه کمونیست ها، تشدید حملات این نیروها علیه متحدان جهانی انقلاب ایران و برحذر داشتن نیروهای خط امام از درپیش گرفتن یک سیاست مثبت و منطبق با انقلاب و استقلال ایران، مگي نشانه ترس و وحشت این نیروها از ادامه انقلاب است.

تلاش برای جلوگیری از گسترش روابط متقابل ایران

و اردوگاه سوسیالیسم و دیگر دول ترقی خواه و ضد امپریالیست جهان که بخصوص در شرایط امروز برای استقلال ایران و تداوم انقلاب ضرورت حیاتی یافته است، این روزها در صدر برنامه لیبرالها،

سه جهانی ها و دیگر نیروهای مورد حمایت امپریالیسم قرار گرفته است. آخرین نمونه مذبحخانه این تلاش ها، سازماندهی مزدوران و ضدانقلابیون افغانستان به دست سه جهانی ها و دیگر عوامل امپریالیسم به منظور حمله به سفارت شوروی و اشغال آن بود که وسیعا از جانب محافل امپریالیستی و صهیونیستی جهان مورد بهره برداری قرار گرفت

اجرای این قبیل توطئه ها و تیره ساختن روابط ایران با اردوگاه سوسیالیسم و دیگر دول مترقی جهان قطعا موفقیت بزرگی برای امپریالیسم جهانی و متحدان داخلی آن به حساب می آید. این تحریکات ضد انقلابی که هدف آن دور کردن خط امام از نیروهای انقلابی داخلی و متحدان جهانی انقلاب ایران است، در روزهای آتی نیز همچنان به اشکال مختلف از جانب لیبرالها سه جهانی ها و غیره ادامه خواهد یافت. نباید انتظار داشت که در شرایط حساس روزهای آینده، دشمنان انقلاب فرصتی را از دست بدهند و یا دست از تلاش برای به شکست کشاندن انقلاب بردارند.

اما از سوی دیگر در سیاست های نیروهای خط امام نسبت به نیروهای انقلابی اخیرا گرایشاتی نسبتا مثبت مشاهده می گردد که نشانه تصمیم این نیرو در ادامه مبارزه علیه لیبرالها و نیروهای دیگری است که بر سر راه مبارزه علیه امپریالیسم ایستاده اند. نیروهای خط امام اخیرا می کوشند تا تصحیح سبب سیاست های خود حتی الامکان از تقویت بیشتر صفوف لیبرالها جلوگیری کنند و قدرت بسیج خود را افزایش دهند. آیت الله منتظری قبل از درگیری های اخیر تهران که با حمله عناصر مشکوک به مرکز یکی از انجمن های وابسته به مجاهدین آغاز شد طی مصاحبه ای که در مطبوعات اول دیماه به چاپ رسید در مورد مجاهدین خلق گفت:

بیایند در اجتماعات، فاصله باشد بیایند در نماز جمعه و در نماز جماعت و میتینگ ها شرکت کنند و پیروزی انقلاب ما به واسطه این بود که همه یک شعار می دادیم... بیایند در اجتماعات شرکت کنند و همان شعار وحدت را بدهند و به برادران و خواهران دیگر توصیه می کنم که آنها را با آغوش باز بپذیرند، چون آنها بچه های خود مانند، جوانان خود مانند، از خارج که نیستند، بچه های این کشورند، مجاهدین خلق بچه های این کشورند، به ایشان علاقه داریم...

(کیهان، دوشنبه اول دیماه)

البته باید خاطر نشان سازیم که این جنبه مثبت سخنان آیت الله منتظری بود. در سخنان ایشان جنبه های منفی متعددی از جمله تاکید بر این نکته که مجاهدین باید هرچه بیشتر از کمونیست ها دور شوند نیز وجود داشت

بهزاد نبوی معاون نخست وزیر و سخنگوی دولت نیز هر چند بسیار مبهم اما به گونه ای بر همین سیاست تاکید می کند. برخی از دیگر مقامات عالی رتبه و متنفذ حکومت نیز در روزهای اخیر به نوعی بر رعایت قانون اساسی اتخاذ سیاستی متفاوت از گذشته نسبت به نیروهای ترقی خواه و مردمی و خلاصه عدول از چهارچوب سیاست تنگ نظرانه گذشته و محکوم ساختن چماق داران و غیره اشاره داشته اند. هر چند که در عمل نتایج این موضع گیری ها هنوز مشهود نیست.

وقتی همراه با این تغییر لحن ها نسبت به نیروهای مردمی، افشاگری لیبرالها را از جانب

دانشجویان خط امام نیز در روزهای اخیر در نظر بگیریم درک حرکت های اخیر نیروهای خط امام آسان تر است. نیروهای خط امام به تجربه دریافته اند که باید برای پیروزی در مبارزه علیه لیبرالها سیاست خود را در قبال نیروهای مردمی و مدافع انقلاب تغییر دهند تا بتوانند صفوف خود را در مبارزه علیه لیبرالها تقویت کنند. موضع گیری های روزهای اخیر نشان می دهد که چگونه خط امام برای تضعیف لیبرالها و مزوی ساختن آنان، برخلاف گذشته می کوشد میان نیروهای مردمی و میان مردمی که از انحصار طلبی ها و تنگ نظری ها به تنگ آمده اند با لیبرالها و آنهاهی که ماهیت طبقاتی شان ایجاب می کند که در هر حال دشمن انقلاب و یا دست کم خواستار توقف انقلاب باشند، مرز کشد و موجودیت این نیروها را به گونه ای بپذیرد تا بتواند به موفقیت های بیشتری در مبارزه برای طرد لیبرالها و پیشبرد مبارزه علیه امپریالیسم دست یابد.

قطعا مهمترین عامل تغییر نسبی سیاست های خط امام در قبال نیروهای ضد امپریالیست و ترقی خواه، تصمیم خط امام در ادامه مبارزه با لیبرالها و ایستادگی در برابر تهدیدات امپریالیسم آمریکا است که این روزها پس از شکست های مفتضحانه اش زرمزه دخالت مستقیم در ایران را نیز ساز کرده است. اگر ادامه مبارزه با لیبرالها اگر ادامه پیکار علیه امپریالیسم در دستور کار نیروهای خط امام نبود، اگر ماهیت طبقاتی نیروهای خط امام ایجاب می کرد که این نیروها با لیبرالها و با امپریالیسم به سازش برسند اگر نیروهای خط امام نمی خواستند در برابر تهدیدهای رونسالدریگان پایداری کنند قطعا ضرورتی در مزوی ساختن لیبرالها، تلاش در جلب حمایت بیشتر مردم و نیروهای ترقی خواه و ضد امپریالیست احساس نمی کردند.

این توضیح به ویژه برای نیروهایی که ممکن است نتوانند و یا نخواهند دریابند که منای تغییر سیاست خط امام، عمدتا ماهیت طبقاتی این نیرو است که او را به ادامه مبارزه با امپریالیسم و متحدان داخلی آن برمی انگیزد بسیار ضروری است و به آنان کمک می کند تا به جای توجیه سیاست های نادرست، از عمق مسئله و ماهیت طبقاتی مبارزه آگاه شوند. بنا بر این باید همه نیروها درک کنند که سیاست های اخیر خط امام در اساس به خاطر آن است که خط امام، خود را مورد تهاجم بیش از پیش امپریالیسم و لیبرالها می بیند و می خواهد با این نیروها مبارزه کند و چون چنین می خواهد باید حمایت نیروهای مردمی را هرچه بیشتر جلب کند و از تقابل با این نیروها که عملا به تقویت صف لیبرالها منجر می شود، بپرهیزد.

منای اصلی گرایشات اخیر خط امام همین است اما بی درنگ باید اضافه کنیم که این واقعیت نباید سبب شود که نیروهای ترقی خواه و انقلابی به مبارزه اصولی و منطقی برای کسب آزادی های سیاسی و دیگر حقوق دمکراتیک توده ها و مبارزه پیکار با انحصار طلبی های سیاسی و تنگ نظری هایی که تاکنون به انقلاب صدمات جدی وارد ساخته کم بها دهند

نادیده گرفتن انحصار طلبی های سیاسی و تنگ نظری ها به تقویت این گرایشات منجر می گردد که البته از تاثیرات مخرب آن بر وحدت مردم و بر انقلاب، همه آگاهند و مبارزه با این گرایشات قطعا به سود انقلاب است.

بنا بر این همه کشمکش ها و تصادمات اخیر میان خط امام از یک سو و لیبرالها و دیگر مخالفان از سوی دیگر از مواضع طبقاتی متضاد این نیروها سرچشمه می گیرد. دعوا، دعوایی طبقاتی است دعوایی است میان نیروهایی که خواهان ادامه مبارزه

گسسته باد همه وابستگی های اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی با امپریالیسم جهانی بسر کردگی امپریالیسم آمریکا



بقیه از صفحه ۱

بقیه از صفحه ۲

## دعوا بر سر چیست؟

علیه امپریالیسم هستند با نیروهایی که از ادامه این مبارزه به وحشت افتاده‌اند و خواستار عقب‌نشینی و یا توقف انقلاب‌اند و درست از همین رو است که تمامی نیروهای ترقی‌خواه داخلی که سیاست درست و اصولی دارند و نیز همه نیروهای ترقی‌خواه جهان، همه دولت‌های مستقل و ضدامپریالیست جهان و اردوگاه سوسیالیسم جهانی متفقا از نیروهای خط امام حمایت می‌کنند و در مقابل، همه امپریالیست‌ها و مرتجعین جهان در آرزوی شکست نیروهای خط امام هستند و از جبهه ملی و دیگر نیروهای مخالف خط امام حمایت می‌کنند و این حمایت را پنهان هم نمی‌کنند کافی است یک شب به راه‌آب‌های واشنگتن، بی‌بی‌سی، اسرائیل، رادیو بختیار و رادیو عراق گوش دهیم تا ببینیم که حرف‌آنها در اساس همان است که لیبرال‌های ایران عنوان می‌کنند.

اما شگفتا که این واقعیت‌های آشکار که برای همه نیروهای ترقی‌خواه و ضدامپریالیست جهان روشن است و برای بخش عظیمی از نیروهای ضدامپریالیست خارج از طیف خط امام و بخش‌های بزرگی از مردم آگاه ایران نیز معلوم است، هنوز برای برخی از نیروهای مترقی و مردمی میهن‌مان و برای بخش بزرگی از مردم‌مان آشکار نشده است. هنوز بخشی از مردم و نیروهای مترقی خودمان به درستی درنیافته‌اند که مخالفت لیبرال‌ها با خط امام در اساس مخالفت بر سر ولایت فقیه و نقض آزادی‌های سیاسی نیست، اینها فقط ظاهر امرند.

دعوا در ماهیت امر نبردی طبقاتی است میان کسانی که می‌خواهند مبارزه علیه امپریالیسم ادامه یابد و می‌گویند "ما با امپریالیسم آمریکا در جنگیم" با کسانی که نمی‌خواهند مبارزه با امپریالیسم ادامه یابد و می‌گویند ما با امپریالیسم چه جنگی داریم؟ دعوا بین کسانی است که دولت‌های ملی و ضدامپریالیست لیبی و الجزایر را مستقل می‌دانند و خواستار گسترش روابط با آنها هستند با کسانی که دولت‌های سرسپرده پاکستان و ترکیه را مستقل می‌دانند و خواستار گسترش رابطه با این دولت‌ها هستند. دعوا میان کسانی است که می‌خواهند رابطه با دشمنان انقلاب ایران یعنی امپریالیست‌های آمریکایی، اروپایی و ژاپنی گسترش یابد با کسانی که چنین نمی‌خواهند.

اما همان گونه که گفتیم هنوز کم نیستند کسانی که به ریشه و ماهیت این کشمکش‌ها پی نبرده‌اند و در این میان سهم خط‌آمی‌ها در پوشاندن این واقعیات را نباید دست کم گرفت.

خط‌آمی‌ها به خاطر تنگ‌نظری‌ها و انحصارطلبی‌های سیاسی به خاطر نادیده گرفتن برخی حقوق دمکراتیک توده‌ها و پایمال کردن آزادی‌های سیاسی نیروهای مردمی، پایمال کردن حقوق صنفی - سیاسی کارگر، کارمند، دانش‌آموخته، دانشجو، معلم و استاد عدم توجه به حقوق اجتماعی و برحق خلق کرد، عدم توجه به حقوق اجتماعی و فرهنگی پیروان سایر مذاهب و غیره و تلاش برای بسیج مردم حول شعار ولایت فقیه و ابراز گرایشات قشری دیگر، نتوانسته‌اند ماهیت مبارزه خود را با لیبرال‌ها به مردم توضیح دهند و در واقع امر به لیبرال‌ها و دیگر نیروهای مخالف خود فرصت داده‌اند که چنین وانمود کنند که دعوا میان نیروهایی است که آزادی‌های سیاسی مردم و حقوق

## امپریالیسم امریکا...

حاکم امریکا هم‌اینک جنگال خونین جنایتکار امپریالیسم امریکا را به هوا بلند کرده و بیشترمانه مردم میهن ما و دولت ایران را "وحشی" می‌خواند و در پاسخ این سؤال که در ایران می‌گویند فرق چندانی میان گارترو ریگان نیست، اعلام می‌دارد که بگذارید زمام امور را به دست گیرم تا این "احمق‌ها" بجهنم میان من و کارتر چه فرقی هست!

و این نشانه حقانیت خلق کبیر ما است کسه دزدان و جنایتکاران بین‌المللی، همان محافظی که جنایات وحشیانه آنها در ویتنام، فلسطین، شیلی، ایران و درست‌تر بگوئیم در همه قاره‌های جهان داغ ننگ و رسوایی ابدی به پیشانی تبهکارشان زده است، مردم ستم‌دیده ما را "وحشی" بخوانند. اما همه این فریادهای امپریالیسم زخم - خورده که از روی عصبیت و ضعف به هوا بلند شده است در برابر اراده خلقی که می‌خواهد به غارت‌ها و جنایات امپریالیسم و نوکرائش و به وحشی‌گری‌های امپریالیسم برای همیشه پایان دهد. و مستقل، آزاد و خوشبخت زندگی کند نه تنها هیچ خللی و هیچ تزلزلی ایجاد نمی‌کند بلکه عزم او را در نابودی همه دسیسه‌ها و تجسس‌اوقات امپریالیسم استوارتر و راسخ‌تر می‌سازد.

آری! امپریالیسم امریکا خشمگین و درمانده از شکست‌های مفتضحانه خود قصد تجاوزات گسترده‌تری علیه انقلاب دارد و خلق ما می‌تواند و مصمم است این تجاوزات را درهم شکنند در صورتی که همه مردم با هم متحد باشند. ما به دولت متحد جمهوری اسلامی ایران هشدار می‌دهیم که زمان آن فرا رسیده است که در راه اتحاد همه نیروهای مردمی، در راه اتحاد و تسلیح همه مردم گام بردارد. فقط اگر همه مردم با هم متحد باشند، امریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند.

رساندن دوستان امریکا آغاز می‌شود و در صورتی که لازم باشد دستاویز تجاوز مستقیم نیز به‌گونه‌ای فراهم می‌آید. آنچه از تبلیغات گسترده رسانه‌های گروهی امپریالیسم و حرکات دوستان امپریالیسم به‌ویژه لیبرال‌ها برمی‌آید آن است که هم‌اینک امپریالیسم این هدف‌ها را در مورد ایران وسیعاً و با تمام نیرو دنبال می‌کند و با تمرکز نیروهای خود در خلیج فارس و ارسال سیل اسلحه به پاکستان، ترکیه، عراق و شیخ‌نشین‌های خلیج فارس برای یک تهاجم گسترده علیه انقلاب آماده می‌شود. مطرح کردن ادعای مالکیت سه جزیره ابوموسی، تنب بزرگ و کوچک از جانب شیوخ دست‌نشانده امریکا و رد شرایط عادلانه ایران در مسوورد گروگان‌ها، نشانه آن است که امپریالیسم امریکا هم‌اکنون در پی آن است که دستاویز کافی را برای تهاجم جدید خود علیه انقلاب دست و پا کند.

رونالد ریگان، نماینده تجاوزکارترین و دست - راستی‌ترین جناح‌های همت

آماده ساختن افکار عمومی کشورهای امپریالیستی و تبلیغات گسترده لیبرال‌ها و دیگر نیروهای مورد حمایت امپریالیسم در داخل ایران همگی بیانگر آن است که امپریالیسم پس از شکست‌های پیاپی از انقلاب ایران ایک در کار تدارک تازه‌ترین و گسترده‌ترین تجاوز علیه مردم ماست.

دست راستی‌ترین جناح‌های محافظ حاکمه از قبیل کیسینجر که مشاور ریگان است و هبگ که وزیر خارجه امریکا شده است، معتقدند در شرایط کنونی برای سافذ کردن حکومت‌های ملی باید درگیری و تشنج در داخل را دامن‌زد. مردم را نسبت به انقلاب بدبین ساخت و مواضع دوستان وطنی امریکا را تقویت کرد. و از سوی دیگر تصویری تیره از مردم و دولت‌های ممالک انقلابی ارائه داد و مردم کشورهای امپریالیستی و کشورهای برسرلغ را علیه این ممالک برانگیخت و بس از تعقیب این دو هدف، اقدامات ماحل برای سرنگونی دولت‌های ملی و به قدرت

دمکراتیک مردم را می‌خواهند با کسانی که بسیاری از این حقوق را نقض کرده‌اند. که این طبعاً عده‌ای از مردم را که امید و انتظارشان از خط‌آمی‌ها کاهش یافته و از محدودیت حقوق صنفی و سیاسی خویش به‌شدت برآشفت‌اند و نیازهای خود را نیز برآورده نمی‌بینند. به دنبال لیبرال‌ها می‌کشاند.

وظیفه مردم همه نیروهای ترقی‌خواه و انقلابی آن است که ریشه‌ها و ماهیت کشمکش میان خط‌آمی‌ها و لیبرال‌ها را به مردم بنمایانند و توضیح دهند که مضمون طبقاتی دعوی لیبرال‌ها و خط‌آمی‌ها چیست انجام چنین وظیفه‌ای به هیچ وجه نباید به معنی نادیده گرفتن با کم بها دادن به اثرات زیان‌بار انحصار طلبی‌های سیاسی، تنگ‌نظری‌ها و سیاست‌های خلاف حقوق دمکراتیک بوده‌ها باشد که همچنان از جانب خط‌آمی‌ها دنبال می‌شود و همچنان ضریب سنگین آن بر پیکر انقلاب و بر وحدت مردم فرود می‌آید.

نا دیده گرفتن و یا کم بها دادن به این گرایش‌ها نه تنها به منزله تقویت انقلاب و حتی تقویت خط‌آمی نیست بلکه به مفهوم تقویت سیاست‌های انحصارطلبانه در درون خط‌آمی و تضعیف نیروهای مخالف انحصارطلبی و دمکرات در خط‌آمی است. که طبعاً نتیجه‌سپاهی آن تقویت بیشتر لیبرال‌ها تضعیف نیروهای دمکرات و جمعیت انقلاب است.

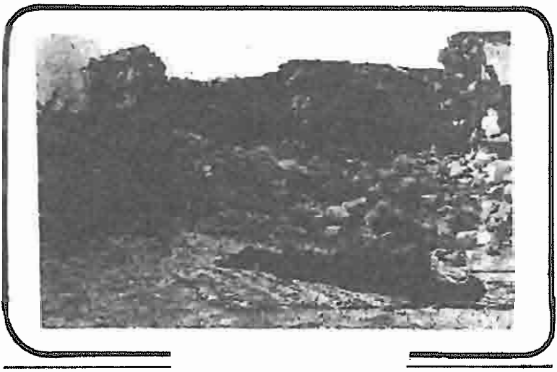
وقتی سروه‌های انقلابی و ترقی‌خواه به این وظیفه مردم خویش به‌تمامی عمل کنند لیبرال‌ها فرصت نخواهند یافت انقلاب را تضعیف کند.

## گسترده باد همگامی و همکاری

همه نیروهایی که در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می‌کنند

از یادداشت‌های فدائیان خلق:

در پشت جبهه‌های جنگ آوارگان را دریابیم



چهره پلید و زشت جنگ، فلاکت و آوارگی زحمتکشان

یادداشت‌های این هفته را به پشت جبهه‌های جنگ اختصاص دادیم. به اردوگاه‌های آوارگان جنگ، به زحمتکشانی که پشت جبهه را به جبهه‌های برای مبارزه با مصائب و دشواری‌های بیشتر تبدیل کرده‌اند. در این شماره یادداشت‌های رفقای ما تصویرگر زندگی و مبارزه آوارگانی است که خشمگین از تجاوز امپریالیسم و رژیم صدام به آینده جنگ و انقلاب چشم دوخته‌اند.

انعکاس واقعیت زندگی آوارگان جنگ از آن روی مهم است که با توجه به آنکه بیشترین صدمات را از جنگ تحمل کرده‌اند و اکنون نیز در شرایطی بسیار اسفناک زندگی می‌کنند، می‌بایست هرچه زودتر و هرچه بیشتر مورد توجه قرار گیرند.

می‌بایست به یاریشان شتافت و می‌بایست کمر به حل مسائل و مشکلاتشان بست. باشد که این یادداشت‌ها با تصویر نمودن صحنه‌های واقعی از زندگی آوارگان زحمتکش میهنمان راهگشایی برای درمان مصائب و مشکلاتشان باشد.

که ناشی از جنگ عادلانه کنوسی است، پیروز است. از صدای فریادهای بچه‌ها به خود می‌آیم. ماشی... می‌ایستد. اینجا ستاد است. معطل نمی‌کنیم و آدوقه‌ها را بار می‌کنیم. با آنکه آفتاب کاملاً بالا آمده، اما هوا هنوز سرد است. چیزی نمی‌گذرد که به اردوگاه می‌رسیم. خیابان‌هایی که در اطراف آن چند دستگاه ساختمان ناتمام بدون در و پنجره بدون آب و برق دیده می‌شود. دور تا دور پیاده‌رو انباشته از مدفوع است و انبوه مگس‌ها که گاه تجمع آنها نقطه‌ای را کاملاً تیره می‌نماید. چهره‌های رنگ پریده و صورت‌های استخوانی در یک نگاه می‌توان فهمید که ساکنین این اردوگاه عمدتاً از زحمتکشان خلق عربند. تا پائین می‌آئیم، همه دورمان جمع می‌شوند. بیزرنی که خیال می‌کند من مثلاً بازرش هستم، به طرغم می‌دود و بلافاصله شروع به گلابی... می‌کند:

"هوا سرد است آقا، چراغ نداریم، پتو می‌خواهیم، آقا دیشب از سرما اسهال گرفتم، الهی صدام... و گریه مهلتش نمی‌دهد. دستم را روی سرش می‌گذارم احساس می‌کنم که چیزی عمیق مرا با زندگی و آینده این مردم پیوند داده است. دلم می‌خواهد به او بگویم که دردش را می‌دانم. اما نمی‌دانم با چه زبانی باید گفت. انبوهی از چشمان ریز و درشت، پیر و جوان، کوچک و بزرگ، دختر و پسر به من دوخته شده است. در قلبم کینه‌ای عمیق به جوش آمده است و پیشانی‌ام از خشم عرق کرده است و آنها حرفهایشان را قطع نمی‌کنند:

"برادر! بچه‌ام دیشب مریض شد، برادر، دندانم درد می‌کند... آقا نمی‌شود این شیر بچه‌ام را عوض کنید؟ این شیر به بچه

که از جبهه‌ها بازگشته یا به جبهه می‌روند، با آن کوله - پشتی‌ها و کلاه‌های سنگین و آهنی و تفنگ‌هایی که آشکارا بر شانه سنگینی می‌کند، نگاه را جذب می‌کند. اما در اینجا انسان مشکل می‌تواند نگاهی را متوجه یک چیز نماید و به همین دلیل است که نمی‌توانم نگاهم را از روی شانه پاسدار زخمی که در انبوه رفت و آمد سربازان و پاسداران، در حالیکه به برادر همراهش تکیه داده و بر شانه دیگر تفنگش را استوار کرده است، بر نگیرم و به رزمندگان "بسج" که با سرود ایران وطنم، خاکت کنم" ما را پشت سر می‌گذرانند، ندورم. به خودم می‌گویم: "آیا اینجا واقعا پشت جبهه است؟ نه اینجا نیز خود جبهه‌های است که در آن باید تلاش فراوانی صرف نمود. درست است که در اینجا نمی‌توان لحظه‌های پرشکوه حماسه‌آفرینی رزمندگان دلیر خلق را که با ایمانی پولادین صفوف متجاوزین را درهم می‌شکنند، دید اما اینجا فقر هست، گرسنگی هست، آوارگی و بی‌خانمانی هست، اینجا مملو از زحمتکشانی است که فردای روشن میهن باید با دستان پرتوان آنان ساخته شود. اینجا جبهه‌های است که زندگی بر مرگ و محرومیت و فقر و گرسنگی و... هر چیزی

سربند - از جاده اصلی ماهشهر ۱۵ کیلومتر به سوی آبادان پیش‌بروی، در طرف چپ جاده دودکش‌های عظیم تاسیسات صنعتی بندر امام خمینی را می‌بینی که در فضایی انباشته از مه فرو رفته است و سمت راست، جاده "سربندر" واقع است که از جبهه‌های سرخ آبادان یک ساعتی فاصله دارد. اینجا ظاهراً پشت جبهه است اما آنچه که در اینجا می‌گذرد، بی‌شابهت به آنچه که در جبهه‌های جنگ اتفاق می‌افتد، نیست.

در هر کجای این منطقه، از کمپ‌ها گرفته تا مدارس، انباشته از زحمتکشانی است که بر اثر جنگ تحمیلی خانه و کاشانه خویش را از دست داده‌اند. بر اثر مهاجرت این زحمتکشان که تعدادشان تا ۱۴ هزار نفر بالغ است، جمعیت شهرهای مقدم پشت‌جبهه تا ۲ الی ۳ برابر افزایش یافته است. ۱۴ آذرماه است. چیزی از صبح نگذشته است. برای شرکت در کار کمک‌رسانی به جنگ‌زدگان با برادران بسیج و جهاد و سایر ارگان‌های انقلابی به سوی ستاد کمک‌رسانی به راه می‌افتیم. در راه آمولانس‌ها را می‌بینیم که صفرکشان و باشتاب از کنارمان می‌گذرند. دسته‌های پراکنده اما متعدد سربازانی

آکنده است. در میان هر کدام از این خانه‌ها، ۵ یا شش خانواده زندگی مشترکی را دنبال می‌کنند. این مردم بیشتر جنگ‌زدگان مناطق جزیره مینو، شلمچه خرمشهر، آبادان، قصبه و... می‌باشند. در اطراف اردوگاه، جابه‌جا زبانی دیده می‌شوند که مشغول پختن نان در تنوره‌های دست ساخت خویش می‌باشند آنها چون قادر به خریدن نان مورد احتیاج خود از

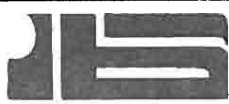
★ این خود جبهه‌های دیگر است. اینجا فقر هست گرسنگی هست، آوارگی و بی‌خانمانی هست. اینجا مملو از زحمتکشانی است که فردای روشن میهن باید با دستان پرتوان آنان ساخته شود. در اینجا عاقبت زندگی بر مرگ و محرومیت و فقر و گرسنگی پیروز است.

می‌گم به پرتوشیمی که خوابیده و کار نمی‌کند، تمام تلمبه‌های نفت از کار ایستاده آتشی از لوله‌های نفت بیرون نمی‌یابد، دلم خون می‌شه. برادر آخه این صدام بی‌شرف فریب آمریکا را خورده... در آن طرف اردوگاه صفی طویل از دختران و زنان کمپ برای گرفتن آب مورد نیاز خود پشت تانکر آب "جهاد" دیده می‌شود. این اردوگاه با جمعیتی نزدیک به ۳ هزار نفر، تنها یک شیر آب دارد. فاضلاب‌های نیمه تمام، انباشته از اشغال و مدفوع است. بوی تهوع‌آوری فضا را

بقیه در صفحه ۵

مسلح کردن توده‌ها ضامن پیروزی خلق‌های ماست





## از یادداشتهای فدائیان خلق:

# در پشت جبهه‌های...

بقیه از صفحه ۴

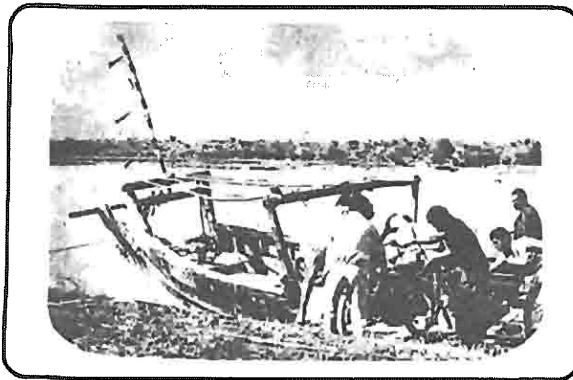
شکست دشمنان آزادی و استقلال خلقها دور نیست...  
۲- کمپ B (واقع در ۱۳ کیلومتری جاده سربندر شاهپور)

از خیابانهای شلوغ و پررفت و آمد سربندر به سوی کمپ B می‌رویم. خورشید بی‌رمق صبح در میان مه سبک و پراکنده‌ای که همهجا را پوشانده است، به چشم می‌خورد. باید زودتر خود را به کمپ رساند و به یاری سایر برادران در کارهای امداد به مردم جنگ‌زده شرکت نمود. این کمپ در عین اینکه شاهد گویای پایداری و مقاومت مردمی است که مصمم به حفظ آزادی و استقلال خویش بوده و در این راه از پدیرش، طاقت‌فرساترین مصائب و فشارهای ممکنه نیز هراسی به‌خود راه نمی‌دهند، در عین حال نشانه بی‌کم و کاست جنایتی است که اکنون امپریالیست‌های جهانخوار، به‌سرکردگی امپریالیسم آمریکا بر مردم میهن ما وارد نموده بدون شک فردای روشن و شکوفای مردم انقلابی میهن ما، فردای تیره و فلاکت‌بار جهانخواران بین‌المللی است.

وقتی که به کمپ می‌رسی، نخستین چیزی که نظرت را جلب می‌نماید، خط طویل دست‌فروشان است که سراسر جاده اصلی ورود به کمپ را پوشانده‌اند. آنها زنان، مردان و کودکان جنگ‌زده‌ای هستند که برای گذران زندگی پر از رنج و محنت خویش ناگزیر به این‌کار شده‌اند. چهره‌های صبور و آشنای پیرزنان و پسر مردان عربی که در آنها رنج و سستی دیرپا نشانه‌های دیگری یافت نمی‌شود، اکنون ناچار است به‌جای کار در نخلستان‌های خرما، در پشت کارتن‌های سیگار بنشینند. از میان زندگی سراسر رنج و ستم و مبارزه آنها نوزاد نوپای انقلاب متولد گشته و در میان حماسه‌های مقاومت و پایداری

دختری که بان می‌بزد می‌گوید: از عباره خرمشهر آمده‌ایم. پشت کارخانه صابون‌سازی ۵ هزار تومان از بانک وام گرفتیم و یک خانه بلوکی ساختیم. بعد از عمری آوارگی مدتی راحت بودیم که با این جنگ هم‌ماش از بین رفت. برادرها و پسردائی‌ها هم پاسداران، شوهرم کارگر ساختمانیه. شبها مات میشه به چیزی و خوابش نمی‌بره. دلداریش می‌دهم. میگه یه عمر زحمت کشیدم. تو گرمای ۵۰ درجه

باران زمستانی اوضاع را بسی وخیم‌تر از آنچه هست می‌نماید. در کارهایی که در ده صورت می‌گیرد، مردان عمدتاً دخیل نیستند. آنها گهگاه در کار زراعت به گذران وقت می‌پردازند. حتی جمع‌آوری هیزم هم به‌عهده زسهاست. مهاجرین جنگ‌زده، اغلب از ساکنین فقیرروستاها اطراف آبادان و خرمشهر می‌باشند. صبح است که وارد ده می‌شویم. هوا سرد است و با آنکه مدت‌هاست از طلوع خورشید گذشته اما هوا هنوز



\* مردم جنگ زده باقی هستی خویش را نجات می‌دهند.

سوز اولیه خود را دارد. در میان جویبارهای کثیف و راکد، بچه‌ها مشغول بازی هستند. مردان عمدتاً به‌سوی هندوچان رفته‌اند. آنها اکثر اوقات ناچارند این مسافت را پیاده طی کنند. تا نتوانند از کمیته و تعاونی جس دریافت کنند. با یکی از اهالی روستا وارد بحث می‌شویم. می‌گوید:

### روستاهاى حوالی هندوچان

#### ۱- صاحب‌آباد:

صاحب آباد در ۲۰ کیلومتری هندوچان واقع است. حدود ۱۵ الی ۱۶ خانواده از مردم جنگ‌زده در این منطقه ساکن هستند که تعداد آنها به رقم تقریبی ۳۰۰ نفر می‌رسد. چند روز پیش چند اتوبوس حامل مردم به جبرفت فرستاده شده‌اند. جهاد سازندگی محل به آنها لباس و پتو داده است.

خانه‌های مسکونی محل، بی‌دوام است و احتمال ریزش بعضی از آنها می‌رود در محل هیچگونه امکان بهداشتی وجود ندارد ولی تاکنون چند اکیب پزشکی به منطقه آمده‌اند. وضع بهداشتی و شیوع امراض گوناگون، نبودن پزشک در محل و دوری منطقه از هندوچان، در عین نبودن جاده اصلی، با ریزش اولین

کسی نباید مواد غذایی را احتکار کند. ما حاضریم گرسنگی بکشیم، بی‌سیگاری را تحمل کنیم، چای نخوریم نبودن قند و شکر را تحمل کنیم تا پیروز شویم. ما باید با مقاومت در برابر مشکلات به برادرها و فرزندانمون که در جبهه می‌جنگند کمک کنیم.

#### ۲- چم کلکه:

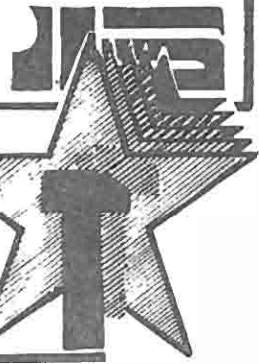
چم کلکه یکی دیگر از روستاهای اطراف هندوچان است که فاصله آن تا شهر ۲۰ کیلومتر می‌باشد. این روستا نیز تعدادی از مردم جنگ‌زده را در خود جای داده است. بخشی از مردمی که به این روستا آمده‌اند در حسینه و دبستان محل زندگی می‌کنند و بخشی دیگر یا در خانه‌های خالی و یا در خانه‌های اهالی محل اسکان داده شده‌اند. آنها اکثراً از زحمتکشان خلق عرب هستند یکی از اهالی محل که حدود

۷۰ سال دارد و در مزرعه کار می‌کند می‌گوید: مردم ما متحدند. ما می‌گذاریم به مردم جنگ‌زده فشار وارد شود. باید دست به‌دست هم بدیم تا صدام را شکست دهیم. از طرف هلال احمر به هر سه‌نفر یک کیلو برنج داده می‌شود. آب مصرفی از رودخانه که مثل خیلی نقاط دیگر آلوده می‌باشد. در بعضی نقاط مردم از جوی‌های منشعب از رودخانه، به‌وسیله تلمبه استفاده می‌کنند. قابل توجه این که در این روستا منبع آب و تاسیسات لوله‌کشی کامل در منازل هست ولی به‌دلیل خرابی حوض تاسیسات بلااستفاده مانده است.

بیماری چشم‌درد در میان بچه‌های خردسال وجود دارد و کم نیستند کودکانی که دچار اسهال و استفراغ هستند. اما تاکنون مرگ مبری مشاهده نشده است. آلودگی آب محل، خود عامل شیوع بیماری‌های گوناگونی است. در محل یک مرکز بهداشت وجود دارد که دارای مقداری (نه به حد کافی) دارو است و به‌وسیله جوانان محل اداره می‌شود. یکی از روستائیان که دارای سن زیادی است و به‌گفته خودش جنگ دوم جهانی را هم دیده‌است می‌گوید:

#### ۳- چم گنار:

این روستا در کنار رودخانه زهره و در ۱۷ کیلومتری شمال هندوچان واقع است. تعدادی از مردم جنگ‌زده در مسجد و مدرسه محل و عده‌ای نیز در خانه‌های اهالی اسکان گزیده‌اند. آنها روی هم‌رفته ۱۵ خانوار می‌شوند. مردم جنگ‌زده این روستا نظیر سایر مناطق از خوردن گوشت عموماً محرومند و بیشتر از حیوانات که در حال حاضر کمپاب و گران نیز می‌باشد تغذیه می‌کنند. تنها ارگانی که در این روستا در جهت کمک رسانی به مردم اقدام نموده است، هلال‌احمر می‌باشد. مردم جنگ‌زده این روستا که جزو فقیرترین توده‌های زحمتکش میهنان می‌باشند، در شرایط کنونی از هیچگونه امکانات رفاهی و بهداشتی برخوردار نیستند.



## جنبش کارگری ایران

# دولت باید از اسکان خانواده‌های نفتگران جنگ زده در دهکده المپیک حمایت کند

آسان‌تر می‌کند. همچنین، به دلیل تجمع خانواده‌ها در یک محل، این امکان به وجود می‌آید که مسائل و مشکلات این هموطنان جنگ زده به یاری خود آنها برطرف شود و ناراضی‌های ناشی از بی‌تکلیفی‌ها حتی المقدور تخفیف یابد.

تجهیزات لازم بدون استفاده مانده است. اسکان خانواده‌های جنگ‌زده در این اماکن، علاوه بر این که مشکلات هموطنان جنگ زده را در این شرایط تخفیف می‌دهد، بلکه کار ارائه خدمات و تامین امکانات اولیه رفاهی آنان را نیز

حتی یکی از مأمورین ستاد امنیت تهران در تماسی که با ما گرفت این حرکت را غیر قانونی نامید و گفت: "امکان دارد شما را از اینجا بیرون کنیم!" البته ما امیدواریم بتوانیم با مذاکره و گفتگو مسئولان را متوجه درستی حرکت خود بنمائیم. برای ما تعجب‌آور است که چرا باید مسئولان چنین برخوردی داشته باشند. آنها به جای اینکه خود پیشقدم چنین ابتکاراتی شوند تا هم مشکلات جنگ‌زدگان کاهش یابد و هم باری از دوش دولت برداشته شود، با ندامت‌کاری به ناراضی‌ها دامن می‌زنند. ما این نحوه برخورد را محکوم می‌کنیم و از مسئولان می‌خواهیم به جای سکوت یا بی‌توجهی، هر چه زودتر امکانات و خدمات لازم را در اختیار جنگ‌زدگان مستقر در دهکده المپیک قرار دهند. دولت باید به این نکته توجه کند که ما برای اشغال یک ساختمان و یا درگیری با مسئولان به تهران نیامده‌ایم. در میان ما خانواده‌هایی هستند که چندین شهید داده‌اند یا فرزندان‌شان در جبهه مشغول نبرد با نیروهای متجاوز هستند، در میان ما کارگرانی هستند که با ۳۰ سال سابقه، همه هستی‌شان را در صنعت نفت و در راه مردم داده‌اند و در این شرایط حساس حداقتل انتظارشان از دولت برخورد مسئولانه و اصولی با خانواده‌های جنگ‌زدگان است.

ما نیز یادآور می‌شویم که ضروری است این تجربه مورد توجه مسئولان، جهت رفاه جنگ‌زدگان قرار گیرد. هم اکنون بسیاری از ساختمان‌های دولتی و غیر دولتی، کاخ‌ها و خانه‌های مجلل، عوام‌رژیم سابق، هتل‌ها و ... با وسایل و

استفاده مانده، ما نمی‌توانیم بیسیم خانواده‌هایمان سرگردان باشند و از سرما بلرزند. این شخص حوابی نداشت که بگوید. در مقابل یکی از مسئولان بسیج حق را به ما داد. از آنجا که نتیجه شخصی از گفتگوی ما با مسئول دهکده المپیک به دست نیامد، تصمیم گرفتیم با وجود سرما شب را در محل بمانیم. روز بعد گروه دیگری از خانواده‌ها به ما پیوستند و سازمان همه رای دادند که با مسئولیت خودمان وارد خوابگاه‌ها شویم. پس از استقرار، کمیته‌های ثبت نام برای اسکان و تدارکات را تشکیل دادیم و با کمک یکی از مسئولان بسیج مقداری پتو و مواد غذایی تهیه کردیم و شوافرها را به راه انداختیم. یکی از مسئولان کمیته ثبت نام نیز به محل شرکت نفت رفت و از فنگرانی که به آنجا مراجعه می‌کردند، ثبت نام کرد. در داخل ساختمان‌ها نیز کمیته تدارکات با کمک خانواده‌ها به کار تقسیم اطاق‌ها و نظافت آنها و نیز نصب تابلوهایی بر در و دیوارها مبنی بر رعایت نظافت و هماهنگی کارها پرداخت. روز بعد تعداد دیگری از خانواده‌ها به محل آمدند و در بقیه اطاق‌ها مستقر شدند. در حال حاضر بیش از ۲۰۰ خانوار که در حدود ۸۰۰ تا ۱۰۰۰ نفر می‌شوند در این بخش از دهکده المپیک زندگی می‌کنند.

فنگرانی که این اطلاعات را در اختیار ما قرار دادند، در ادامه سخنان خود گفتند: "با اینکه مسئولان بسیج منطقه تاکنون با ما همکاری کرده و پاره‌ای از مشکلات را برطرف کرده‌اند ولی متأسفانه هنوز مراجع دولتی و به‌ویژه ستاد امنیت تهران رسماً حاضر نشده‌اند این اقدام جنگ‌زدگان را تأیید کنند.

در هفته گذشته بیش از ۲۰۰ خانواده از کارگران و کارمندان پالایشگاه آبادان که در تهران بی‌جا و مکان بودند، پس از مدتی سرگردانی به دهکده المپیک رفتند و در خوابگاه‌های دانشجویان و ورزشکاران که بلااستفاده مانده بود سکنی گزیدند. این حرکت درست که به ابتکار نفتگران جنگ‌زده انجام گرفت، در ابتدا با مخالفت‌هایی از طرف مسئولان ستاد امنیت تهران و دهکده المپیک روبرو شد. اما توضیحات نمایندگان نفتگران درباره ضرورت این اقدام، بعضی از مسئولان را متقاعد کرد.

در گفتگویی که با چند فنگر آبادانی داشتیم چگونگی اسکان خانواده‌های خود را در دهکده المپیک چنین بازگو کردند: "در اوایل هفته گذشته به ما اطلاع رسید که در دهکده المپیک ساختمان‌های محبزی وجود دارد که می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. نمایندگان ما این مطلب را به مسئولان شرکت نفت و نخست‌وزیری در میان گذاشتند که از جانب آنها جواب صریحی داده نشد. ما تصمیم گرفتیم به محل برویم و پس از بررسی‌های لازم در این ساختمان‌ها مستقر شویم. از میان ۵۰۰ نفری که اکثراً با خانواده‌هایمان در تهران هستیم، ۱۰۰ نفر داوطلب شدیم که به دهکده المپیک برویم. وقتی که ما به دهکده آمدیم با یکی از مسئولان صحبت کردیم و پیشنهاد خود را ارائه دادیم ولی او نپذیرفت و در جواب گفت "مجاز شما چیست؟" گفتیم "مجاز ما، خود ما و خانواده‌هایمان. جنگی است که به ما تحمیل شده و باعث از بین رفتن همه هستی ما شده است. در شرایطی هم که در اینجا اطاق‌های خالی بدون



## ضد انقلاب در واحدهای تولیدی خرابکاری می‌کند

مسدود شدن راه خروج مواد اولیه و رسیدنش به دستگاه‌ها شد. که این بار نیز کارکنان مسئول آن قسمت متوجه نقص ناشی از خرابکاری شده و با تلاش بسیار آن را برطرف کردند.

مدیریت کارخانه سیمان تهران از جمله نمونه‌های معدود مدیریتی است که از آغاز انقلاب تاکنون به‌نحوی مسئولانه این واحد را اداره نموده و در امر مبارزه با عوامل سرمایه‌دار، گماکان در کنار کارگران قرار داشته است. توطئه خرابکاری در کارخانه سیمان از زمره توطئه‌هایی است که ضد انقلاب زخم خورده جهت فلج کردن اقتصاد، سرنگونی حاکمیت و بساز-گرداندن منافع از دست‌رفته‌اش به‌اجرا درمی‌آورد. غافل از آنکه هشیاری انقلابی کارکنان مبارز و آگاه توطئه‌های مذبوحانه ضدانقلاب را نقش بر آب خواهد کرد.

۱- در هفته گذشته دو تن از پرسنل فنی دیو (یکی از بخش‌های صنایع دفاع ملی) که برای تعمیر تانک‌های چیفتن به قزوین اعزام شده بودند، در جریان کار متوجه یک توطئه خرابکاری می‌شوند. این دو نفر که با تلاشی پیگیرانه تانک‌ها و ادوات از کار افتاده آنها را تعمیر و ترمیم می‌کردند وقتی که صبح‌ها سرکار خود حاضر می‌شدند (چند روز پی‌پی) مشاهده می‌کردند که تانک‌های تعمیر شده روز قبل دوباره خراب شده و قسمت‌های حساس آن را شکسته و سیم‌های برقی را پاره کرده‌اند. لازم به تذکر است که هزینه تعمیر این ادوات خرابکاری شده در حدود ۱۲۰ الی ۲۰۰ هزار تومان است.

عناصر ضدانقلاب و مزدور سرمایه‌دار، صفحه فلزی پهنی را همراه مواد اولیه در سلولی بلند انداختند که این صفحه فلزی موجب

## پرتوان باد جنبش طبقه کارگر

# پشت‌ساز مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق‌های ایران

## جنبش دهقانی ایران

## دهقانان زحمتکش روستای (گلدسته): بند (ج) را اجراء کنید

(( تاکی باید زمین در دست قدرتمندان و بزرگ مالکان باقی بماند؟ ))



● دو سال از انقلاب می‌گذرد. هنوز تقسیم اراضی زمینداران بزرگ در ابتدای‌ترین مراحل خود است. از آن بدتر اخیراً دولت بند "ج" را هم لغو کرده است. در حالی که

بیش از هر چیز اجرای همین بند به نفع روستائیان زحمتکش تمام می‌شود. دهقانان به این وضع اعتراض دارند. دهقانان خواهان تقسیم اراضی زمینداران بزرگ هستند. آنها می‌پرسند "تاکی باید زمین در دست قدرتمندان و بزرگ مالکان باقی بماند؟" زمین باید به کسانی تعلق گیرد که روی آن کار می‌کنند. دل‌های روستائیان پرورد است. گفتنی بسیار دارند و در راس همه‌شان اجرای بند "ج" طرح اصلاحات ارضی از خواست‌های مبرم‌شان است. پای صحبت یک روستایی زحمتکش، از روستای گلدسته می‌نشینیم. او به زبان ساده

کرییم. گفتیم که "زمین‌های ارباب را باید به ماها که روی آن زحمت می‌کشیم، بدهید غیر از این ظلم است". اما جوابی نگرفتیم. هنوز هم جوابی نگرفته‌ایم. یک عمر زمین در دست کسانی بوده است که قدرت و پول دارند. که حتی یک روز هم روی زمین کار نکرده‌اند. اما این زمین‌ها مال کسانی است که روی آن کار می‌کنند. من این را می‌دانم. حالا چطور شده است که می‌گویند بند "ج" را اجرا نمی‌کنیم. من مطمئنم که این کارافشار ارباب‌ها و زمینداران است. زمین باید مال کسانی باشد که روی آن کار می‌کنند. من این را می‌دانم. یک روز حتماً اینطور می‌شود... کاش حرف‌های مرا یک جایی بنویسند.

هیچ چیز نمی‌توانستی بخری ظلم و زور شاه پدرمان را در آورد. کمرمان را خرد کرد. زاندارم از یک طرف وزارت کشاورزی از طرف دیگر بانک می‌چاپید. ارباب غارت می‌کرد. آخر سر هم اگر صدات درمی‌آمد با سرسبزه حکومت را بیاره می‌کردند. بالاخره شلوغ شد انقلاب شروع شد. هر کجا که بودم، می‌رفتم تظاهرات. مرگ بر شاه می‌گفتم. همه آدم‌های زحمتکش می‌گفتند: "بعد از این وضعان خوب می‌شود. زن و بچه‌ها مان امیدوار بودند. اهالی ده می‌گفتند: "چیزی نمی‌گذرد که زمین‌های ارباب‌ها را می‌گیرند. بین دهقان‌ها تقسیم می‌کنند. آن وقت می‌توانیم برای زن و بچه‌هایمان سرپناهی بسازیم. آن هم خیلی امیدوار بودم. آخر می‌دانی؟ اینها که گفتم حق من است حق همه کسانی است که مثل من زحمت می‌کشند. هفده سال زیر بار کار کمر راست نکردم. عرق ریختم. بچه دادم. شکم پاره شد. در این مدت چه درگیری‌ها که با ارباب نداشتم. انقلاب که شروع شد خیلی امیدوار شدیم. اما ماهها گذشت و خبری نشد به دادستانی رفتیم. شکایت

یک دینار هم کمک نکرد. آخرین حقوقی که قبل از انقلاب می‌گرفتم، روزی ۳۰ تومان بود. ماهی سی من گندم هم می‌گرفتم. بازهم وضع فرق زیادی نکرده بود. آخر پول دیگر ارزشی نداشت

## هیئت ۷ نفره از مصادره انقلابی زمین

## توسط روستائیان (فاراب) پشتیبانی کرد

"کارگشا" زحمتکش را ضدانقلابی نامید. او روستائیان را بارها مورد تهدید و فحاشی قرار داد. زحمتکشان مبرز "فاراب" تاکنون در برابر کارشکنی‌های زمینداران بزرگ و حاکم شرع با موفقیت ایستادگی کرده‌اند. آنها از هیئت هفت نفره می‌خواهند که به پشتیبانی آنها در مبارزه برای مصادره زمین بزرگ مالکان ادامه دهد. روستائیان نه تنها خواهان ادامه پشتیبانی هیئت هفت نفره هستند، بلکه از آن می‌خواهند که در اجرای کامل طرح اصلاحات ارضی در روستاهای سراسر منطقه پیشقدم باشد.

● هیئت هفت نفره باید در اجرای کامل طرح اصلاحات ارضی در سراسر منطقه پیشقدم باشد.

مصادره کردند. آنها هم اکنون مشترکاً زمین‌ها را کشت می‌کنند. عمل انقلابی دهقانان "فاراب" مورد حمایت هیئت ۷ نفره نیز قرار گرفت. پشتیبانی این هیئت برای روستائیان اهمیت داشت. به‌ویژه از آنجا که حاکم شرع منطقه از زمینداران بزرگ حمایت می‌کند. حاکم شرع در این جریان به دفاع از

فاراب از روستاهای بخش شرا (اراک) است. قبل از قیام یک سوم کل زمین‌های ده در دست زمینداران بزرگ نظیر دکتر "کارگشا" و عبدالله "کارگشا" بود. این دو زمیندار بزرگ مرغوبترین زمین‌ها را در اختیار داشتند. زمینداران بزرگ روستا با استفاده از فقر دهقانان بسیاری از آنها را با مزد ناچیز اجیر می‌کردند. پس از قیام، زحمتکشان ده به نحوه تقسیم زمین اعتراض کردند. اصلاحات ارضی شاه مورد قبول آنان نبود. سرانجام در اوایل آبان ماه جاری، حدود یک ماه قبل، دهقانان با اتحاد خود زمین‌های "کارگشا" را



# زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند

دستاورد های

انقلاب و

سوسیالیسم



# تراز نامه انقلاب کوبا

(قسمت آخر)

گاسترو

از تجارب و دستاوردهای انقلاب کوبا سخن می گوید

۱۱ دی ماه (اول ژانویه) خلق کوبا بیست و یکمین سالروز انقلاب ژانویه ۱۹۵۹ خود را جشن می گیرد. ما این سالروز تاریخی را به خلق قهرمان کوبا تهنیت گفته و به این مناسبت با درج سومین و آخرین قسمت چکیده سخنان رفیق فیدل گاسترو، دبیر اول حزب کمونیست و نخست وزیر کوبا، نکات برجسته دیگری از دستاوردهای انقلاب کوبا را در اختیار خوانندگان "کوبا" قرار می دهیم.



... و اکنون خلاصه مهمترین حوادثی که سپری شده است: امپریالیسم آمریکا گمان می کرد که جنگ آزادی بخش فقط یک مسئله داخلی است و ارتش باتیستا با کمک مشاوران آمریکائی قادر به درهم کوبیدن نیروی رزمندگان خواهد بود. آمریکا هنگامی که تصمیم گرفت باتیستا را برای جلوگیری از پیروزی انقلاب برکنار کند، هنوز گمان داشت که فرصت بسیار است، لکن حمله درهم کوبنده ارتش انقلابی خلق در ۱۹۵۹ او را غافلگیر ساخت.

در اول ژانویه ۱۹۵۹ دیگر ارتش مزدوری در کوبا وجود نداشت. یورش های دیپلماتیک، اقدامات سیاسی و تجاوز اقتصادی، تجهیز باندهای مسلح ضد انقلابی، همه و همه با شکست روبرو شد. سرانجام تصمیم آشکار حمله به کوبا در بحران اکتبر منجر به سپردن تعهد آمریکا در مورد عدم حمله نظامی مستقیم به کشور ما گردید.

هر گام موثری که امپریالیسم برمی داشت و یا می خواست بردارد، دیگر بسیار دیر شده بود. امپریالیسم آمریکا در تمام موارد به خلق کوبا و به ظرفیت انقلابی و روحیه مبارزاتی این خلق کم بها می داد.

خلق ما بدینگونه با عزم راسخ و قهرمانانه و با حمایت اردوگاه انقلاب جهانی، توانست خود را از چنگال خطر مهلکی نجات بخشد که ممکن بود به قیمت زندگی میلیون ها نفر کوبایی و خسارات هنگفت مادی تمام شود.

باید خاطر نشان ساخت که در طی سالها سازمان "سیا" دهها توطئه به طرق گوناگون برای از میان بردن رهبران انقلاب کوبا به اجرا گذاشت که قسمتی از آنها را اکنون خود کمیته سنای ایالات متحده افشا نموده است.

ارگان های امنیتی دولت انقلابی با همکاری موثر کمیته های دفاع از انقلاب و به یاری تمام خلق توانستند این توطئه های "سیا" را نقش بر آب سازند و این بدون شک خود پیروزی درخشانی برای انقلاب ما بوده است.

خلق ما نیرومند و پرتوان به دفع هرگونه تجاوز امپریالیسم پرداخت. در ۲۶ اکتبر ۱۹۵۹ میلیدی انقلابی ملی تشکیل شد. در ۸ ماه مه سال ۱۹۶۰ روابط دیپلماتیک با اتحاد شوروی برقرار گردید.

در ۶ اوت پالایشگاه های نفت، شرکت های برق و تلفن و کارخانه های قند که همگی در تملک امپریالیسم آمریکا بود، ملی شد.

زنان کوبا در تمام عرصه ها دوش به دوش مردان در تلاش عظیم و دوران ساز ساختمان سوسیالیسم

اساسی انقلاب توسط همه این نیروها حمایت می شد. گهگاه اختلافاتی بوجود می آمد، لیکن روحیه وحدت طلبی، احساس مسئولیت تاریخی و اهداف مشترک آنها همواره بر نگرش های سکتاریستی غلبه می یافت در خود جنبش ۲۶ ژوئیه که نقش طاعنی در مبارزه مسلحانه ایفا کرده بود، نیز گاهی اختلاف عقیده وجود داشت لکن قسمت اعظم رزمندگان ارتش انقلابی

در ۲ سپتامبر اولین بیانیه ها و اعلان شد. در ۲۸ سپتامبر کمیته دفاع از انقلاب برای مقابله با بمباندازی های ضد انقلابیون ایجاد شد. در ۱۳ اکتبر همان سال تمام بانک ها و همچنین تمام ۳۸۳ شرکت بزرگ اقتصادی ملی شدند. در ۱۴ اکتبر قانون اصلاحات ارضی به تصویب رسید.

بدین ترتیب نکات اساسی برنامه مونکادا به اجرا درآمد و انقلاب کوبا در گرماگرم یک مبارزه ضد امپریالیستی و تاریخ ساز به مرحله سوسیالیستی پا نهاد.

در آوریل ۱۹۶۱، وقتی که هواپیماهای دشمن به بمباران پایگاه های ما پرداختند، صدها هزار جوان کوبایی و دهها هزار آموزگار ما در روستاهای کشور مشغول مبارزه بای سواد بودند. کوشش خارق العاده ای که در زمینه ریشه کن کردن بی سوادگی در کشور ما صورت گرفت، تاکنون در هیچ جای دنیا نظیر نداشته است. تنها در ظرف یک سال، درصد بی سوادان کوبا نسبت به سایر کشورهای آمریکای لاتین به پائین ترین درجه رسید.

خلق کوبا قادر بود که بطور همزمان در جبهه های مختلف به نبرد پردازد. اینجا سلاح برکف، آنجا کتاب در دست و در جای دیگر به کار تولیدی سرگرم بود. در ماه آوریل محصول نیشکر مانند همیشه درو شد و هیچ یک از فعالیت های اساسی ما متوقف نشد. در آن هنگام دولت، نیروهای مسلح و سازمان های توده ای هیچ یک سطح تکامل و سازماندهی کنونی را نداشتند. سازمان های انقلابی هنوز در داخل یک حزب متحد نشده بودند. لکن رهبری جنبش ۲۶ ژوئیه، حزب سوسیالیست خلق و ستاد انقلابی همکاری نزدیکی با یکدیگر داشتند. آنها دائما در تماس بوده و تصمیمات

★ کوشش خارق العاده ای که در زمینه ریشه کن ساختن بی سوادگی در کشور ما صورت گرفت، تاکنون در هیچ جای دنیا نظیر نداشته است. تنها در ظرف یک سال درصد بی سوادان کوبا نسبت به سایر کشورهای آمریکای لاتین به پائین ترین درجه رسید.

و زیرزمینی که بهترین و خالص ترین فرزندان خلق را در صفوف خود جای داده بود. قاطعانه در کنار انقلاب ایستادند. آنها در تمام مراحل انقلاب، از حمله به مونکادا گرفته تا تاسیس حزب شوهمند مارکسیست - لنینیست کوبا به مبارزه انقلابی خویش ادامه دادند. اگر در جنگ های استقلال اواخر قرن نوزدهم، پراکندگی و نفاق توده ها باعث شکست شد در عوض این بار وحدت خلق ما پیروزی را به ارمغان آورد.

بسیاری از هم میهنان ما در دوران مبارزه انقلابی هنوز خیلی جوان و فاقد یک آگاهی طبقاتی روشن بودند. اندیشه سیاسی آنها هنوز به سطحی فراتر از طبقه خودشان نرسیده بود.



بقیة از صفحه ۸

## ترازنامه...

آموزشهای سیاسی بورژوازی که در سراسر جامعه ما نفوذ کرده بود، فاصله بسیار عظیمی با آموزشهای سوسیالیسم و مارکسیسم - لنینیسم داشت.

توده‌های خلق به‌ویژه کارگران و تهیدست‌ترین اقشار جامعه ما به‌سرعت این فاصله را پر کردند. انقلاب، مبارزه قاطعانه برضد امپریالیسم و طبقات استثمارگر، بهترین آموزگار برای همه ما بود.

در ۱۶ آوریل ۱۹۶۱ زحمتکشان ما با مشت‌های گره کرده و اسلحه به دست در مراسم تدفین قربانیان بمب‌اندازی‌های مزدوران ضدانقلابی شرکت جستند و با عزمی راسخ و قهرمانانه، خصلت سوسیالیستی انقلاب ما را اعلان نمودند. تا اینجا از انحصارات بیگانه، زمینداران بزرگو بورژوازی داخلی سلب مالکیت شده بود و در عوض طبقه کارگر ما نیز تنها چیزی را که داشت، یعنی زنجیرهایش را از دست داده بود. این طبقه کارگر انقلابی همراه با دهقانان و سایر اقشار تهیدست خلق می‌بایستی پیشاهنگ بلامنازع این روند انقلابی می‌شدند.

اکنون دیگر شرایط برای متحد ساختن تمام نیروهای انقلابی در داخل یک حزب فراهم شده بود. حزب، در واقع از وحدت تنگاتنگ تمام انقلابیون و زحمتکشان ریشه گرفت. از آن به بعد ما می‌بایستی به‌عنوان یک سازمان واحد و تحت یک رهبری واحد عمل می‌کردیم. ایده‌های درخشان لنین در مورد ضرورت تشکیل یک حزب واحد برای رهبری انقلاب بیش از همیشه مطرح بود. ایدئولوژی چنین حزبی نمی‌توانست ایدئولوژی لیبرالی یا بورژوازی باشد. بلکه می‌بایستی ایدئولوژی انقلابی‌ترین طبقه تاریخ یعنی طبقه کارگر باشد. و این فقط مارکسیسم - لنینیسم بود.

این ایدئولوژی از نظر تاریخی با آرمان‌های خلق قهرمان ما که خون‌های فراوانی در راه استقلال کوبا نثار کرده بودند، پیوند داشت. و همچنین این ایدئولوژی مبارزه ملی را با جنبش انقلابی جهانی پیوند می‌داد و این یک شرط ضروری برای آزادی ملی و اجتماعی خلق ما بود. تشکیل حزب کمونیست که امروزه رهبری انقلاب را در دست دارد و تداوم آن را تضمین می‌نماید یکی از بزرگترین دستاوردهای خلق ما در این دوره تاریخی بود. در اول اکتبر ۱۹۶۵ کمیته مرکزی و دفتر سیاسی حزب رسماً تشکیل شد.

تا اینجا ما در مورد شایستگی‌های خلق خود سخن گفتیم لکن غیر ممکن است که چنین اظهاراتی بدون تأکید بر نقش برجسته جنبش انقلابی جهانی، ارائه شود. بدون کمک‌های قاطع و سخاوتمندانه خلق شوروی، کشور ما نمی‌توانست در رویارویی با امپریالیسم پابرجا بماند.

هنگامی که بازار ما شدیداً تحت فشار ایالات متحده قرار گرفته بود، این اتحاد شوروی بود که محصولات شکر ما را خریداری کرد. این اتحاد شوروی بود که مواد اولیه و سوخت ما را در شرایطی که ما نمی‌توانستیم از هیچ جای دیگر جهان فراهم کنیم، تأمین نمود. آنها بطور رایگان نیروهای مسلح ما را به عالی‌ترین سلاح‌ها مجهز کردند. بطوری که ما توانستیم در برابر همه حملات امپریالیسم آمریکا، و مزدورانش ایستادگی نمائیم. آنها در سال‌های بحرانی

تحریم اقتصادی، بطور خارق‌العاده‌ای اقتصاد ما را تقویت نمودند. هزاران متخص نظامی و تکنیسین شوروی در تربیت نیروهای مسلح کشور ما و در تقویت تمام بخش‌های اقتصاد ما فعالانه کمک نمودند. این اقدامات توسط سایر کشورهای سوسیالیستی نیز تا حد امکان نشان پیگیری شد. احساس سپاسگزاری نسبت به حزب شکوهمند اتحاد شوروی و خلق قهرمان آن کشور همواره در قلب‌های ما باقی خواهد ماند.

در همبستگی با کوبا، کشوری که هزاران میل از شوروی فاصله دارد. ایده‌های انترناسیونالیستی مارکس و انگلس و لنین تحقق یافت و نیروی شکست‌ناپذیر انقلاب اکتبر بار دیگر خود را در سرنوشت این قاره متجلی کرد.

در آینده تغییرات بسیاری در عرصه گیتی پدیدار خواهد شد. و نیز روزی فرا خواهد رسید که نظام سرمایه‌داری در ایالات متحده هم از بین برود، لکن احساس رفات ما در مورد خلقی که در آن سال‌های بحرانی و حساس، به‌هنگامی که ما با مرگ و قحطی مواجه بودیم، به‌یاری ما شتافت، هرگز از میان نخواهد رفت. این احساس دوستی همراه است با شناخت ما از خلقی که آزمون انقلاب سوسیالیستی را پیروزمندان پشت سر نهاده و با فدا کردن زندگی میلیون‌ها نفر از فرزندان، بشریت را از چنگ بلای مخوف فاشیسم رهانیده است.

تجربه نیم قرن نشان داده است که نه فقط در کوبا، بلکه همچنین در ویتنام، در خاورمیانه در مستعمرات پرتغال که به‌خاطر استقلال می‌جنگیدند، در شیلی، قبرس، یمن، آنگولا و در هر جای دیگری از جهان که یک جنبش آزادی‌بخش ملی با امپریالیسم و استعمار به‌پیکار برمی‌خیزد، اتحاد شوروی حمایت بی‌دریغ خویش را نثار کرده است و این حقیقت مسلم حتی یک نمونه استثنا نداشته است. اتحاد شوروی همچنین سهم قاطعی در حفظ صلح جهانی داشته است.

انکار این فاکت‌های عینی توسط مخالفان شوروی بیهوده و عبث خواهد بود. آنها همچون سگان در پرتو نور ماه عوعو می‌کنند (مه فشانند نور و سگ عوعو کند).

انقلاب کوبا سرسختانه به مسیر حرکت خویش ادامه داد. وسائل تولید بتدریج در مالکیت کل جامعه قرار گرفت.

در سوم اکتبر ۱۹۶۲ یک قانون جدید اصلاحات ارضی به تصویب رسید که میزان حداکثر مجاز زمین را ۶۷ هکتار تعیین نمود. کلیه زمین‌هایی که از این حد تجاوز می‌نمود، ملی شد. در عین حال به دهقانان و کشاورزان قول داده شد که بعداً دیگر قانون اصلاحات ارضی جدیدی مطرح نخواهد شد. هر پیشرفت جدید به سمت شیوه‌های عالی‌تر زراعت، به‌گونه‌ای بود که با رضایت تولیدکنندگان همراه باشد. حدود ۷۰٪ کل اراضی کشور به‌عنوان ثروت مشترک تمام خلق در دست ملت قرار گرفت که فقط به نفع کل جامعه مورد توسعه و بهره‌برداری واقع گردد. از این لحاظ کشور ما یک کام مهم استثنایی به‌پیش برداشته است. این اقدام بدان جهت ضروری بود که کوبا اساساً به مازاد کشاورزی برای تکامل صادراتش نیاز داشت.

کشور ما در خلال چند سال گذشته با سرعت قابل ملاحظه‌ای پیشرفت کرده است. لکن بدون شک اگر ما توانایی‌های بیشتری نشان داده بودیم و شیوه‌های مدیریت و رهبری اقتصاد ما موثرتر می‌بود، نتایج بهتری کسب می‌کردیم.

در حالی که ایالات متحده آمریکا با تمام امکاناتش در جهت خفه کردن انقلاب عمل می‌نمود، خلق دلاور ما نه تنها مقاومت کرد و پیروز شد بلکه در چنان شرایط دشواری به چنین پیشرفت‌های درخشانی نیز دست یافت.

کار

# اهواز، دژ مستحکم در برابر تجاوزگران



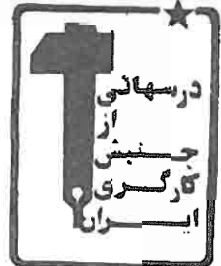
پناهگاه‌های بزرگ بتونی که به ابتکار کارگران پیشرو در شهر اهواز ساخته شده‌است

با بمباران‌های پیاپی ارتش مزدور عراق به خاک میهنمان و خسارات و ویرانی‌های ناشی از آن، گروهی از کارگران و مهندسی مبارز اهواز دست به احداث دهها پناهگاه بزرگ بتونی زدند. این پناهگاه‌ها که هر یک می‌توانند ۳۰۰ نفر را در خود جای دهند، به‌صورت یکی از امن‌ترین مکان‌ها برای مردم اهواز درآمده است.

به‌دنبال این اقدام انقلابی گروهی دیگر از کارگران و مهندسی شرکت‌ها "شرکت ملی ساختمان"، "صنایع فولاد" و "دفتر فنی دانشگاه" و "کبسون" با استفاده از امکانات شرکت‌ها و موسسات مذکور پناهگاه‌های دیگری در محلات مختلف اهواز احداث کردند و در مدت کوتاهی چندین پناهگاه آماده بهره‌برداری شد.

از زمانی که این پناهگاه‌های بتونی ساخته شده است، تلفات جانی به‌هنگام بمباران‌ها بطور محسوسی کاهش یافته و ساکنین محلات اهواز از امنیت بیشتری برخوردار شده‌اند. بدون شک اگر تدارک لازم جهت حفظ جان مردم از طریق ساختن پناهگاه‌های جنگ صورت گرفته بود، نه تنها تعداد تلفات کاهش می‌یافت بلکه بسیاری از مردم حاضر به‌ترک شهر و دیار خود نمی‌شدند. به‌عنوان نمونه به هنگام حمله هوایی مزدوران عراقی به منطقه "چهارصد دستگاه" حدود ۲۵۰ نفر از اهالی این منطقه با شنیدن آژیر خطر حمله هوایی به یکی از این پناهگاه‌ها رفتند و به این ترتیب از خطر بمباران‌های وحشیانه دشمن، مصون ماندند.

هم‌اکنون "ستاد پناهگاه سازی اهواز" با کمک‌های بی‌دریغ مردم، جهاد سازندگی و سایر نهادهای انقلابی دست اندرکار احداث پناهگاه در محلات مختلف اهواز هستند و کارگران و مهندسانی که با کمک مردم شایه‌روز به‌کار احداث این پناهگاه‌ها مشغولند مصمم‌اند اهواز را به دژ مستحکم و استوار علی‌رغم جنگ‌افروزان متجاوز عراقی که مجریان نقشه شوم امپریالیسم آمریکا هستند، تبدیل کنند.



### چرا می‌گوئیم در شرایط کنونی،

### شعار افزایش تولید شعار پرولتاریاست

پس از آنکه شعار افزایش تولید به مثابه یک شعار مبارزاتی و یک وظیفه انقلابی مبرم، در "کار" طرح و تبلیغ شد و در دست کارگران مبارز و پیشرو به صورت یک حربه مبارزاتی علیه امپریالیسم درآمد. برخی از رفقای هوادار در رابطه با اصولیت این شعار و انگیزه تبلیغ آن (از نظر منافع طبقاتی پرولتاریا)، سئوالاتی مطرح کرده‌اند که حاکی از ضرورت بازگشودن مباحثی این شعار است. رفقا می‌پرسد:

چرا می‌گوئیم در شرایط کنونی، افزایش تولید شعار پرولتاریاست؟

۱- آیا در شرایط کنونی که هنوز مناسبات وابستگی از بین رفته و اقتصاد ما کماکان اقتصادی وابسته است، افزایش تولید منجر به احیای مناسبات پیشین نمی‌گردد؟

۲- آیا در واحدهائی که هنوز ملی نشده‌اند در دست بخش خصوصی است، سبب باید شعار افزایش تولید را تبلیغ کرد؟

۳- اگر پرولتاریا شعارش افزایش تولید باشد، آیا تاکتیک اعتصاب برای بهتر شدن شرایط کار کارگران، دیگر در این شرایط منتهی می‌گردد؟

۱- برای آنکه بتوانیم صحت و سقم اتخاذ تاکتیک افزایش تولید را در رابطه با مصالح انقلاب و منافع طبقاتی پرولتاریای ایران، ارزیابی کنیم، نخست باید اصول و شرایط ناظر بر شعارهای مبارزاتی پرولتاریا را بار دیگر مورد تأکید قرار دهیم. چه، مارکسیسم - لنینیسم می‌آموزد که اتخاذ تاکتیک‌ها و شعارهای مبارزاتی محصول تبیین علمی شرایط است و نه بالعکس. بهینیم " برای هر مارکسیست چه اصولی باید در سربلوجه بررسی اشکال قرار گیرند؟

اولاً: تفاوت مارکسیسم با سایر انجمن‌ها و سوسیالیسم این است که مارکسیسم هیچگاه جنبش را به یک شکل مشخص مبارزه محدود نمی‌کند. مارکسیسم به اشکال مختلف مبارزه معتقد است. نه بدین معنا که آنها را "کشف" می‌کند، بلکه تنها اشکال مبارزه طبقات انقلابی را که در حین حرکت جنبش بطور خودبخودی به وجود آمده‌اند، به صورت عام جمع‌بندی می‌کند، آنها را متشکل می‌سازد و به آنها آگاهی می‌بخشد...

ثانیاً: مارکسیسم بدون قید و شرط معتقد به یک برخورد تاریخی با اشکال مبارزه است. بدون هر نظر گرفتن موقعیت مشخص تاریخی، هرگونه پستی در این باره به معنای عدم درک الفبای ماتریالیسم دیالکتیک است... هر کوششی در رد یا تأیید شکلی از مبارزه، بدون توجه عمیق به موقعیت مشخص و مرحله مشخص جنبش، به معنای رها کردن چارچوب مارکسیسم است. اینها دو رهنمود اساسی تئوریک‌اند که باید در سربلوجه کار ما قرار گیرند.

(لنین، جنگ پارتیزانی)

تجارب جنبش کارگری سه ساله اخیر ایران (در پرتو تجربه انقلاب) بیانگر وجود دو

موقعیت متمایز تاریخی و دو شکل متضاد از مبارزه کارگری، حول مسئله تولید و بهره‌وری کار است. انقلاب بهمین نقطه عطفی در تحول شرایط جامعه و اشکال مبارزاتی پرولتاریا بود. مشخصه اساسی وضعیت جامعه ایران پیش از انقلاب بهمین، در سلطه حکومت مزدور شاه که منکی بر انحصارات وابسته به امپریالیسم بود. خلاصه می‌شد.

و در مقابل، مهمترین مشخصه سیاسی پس از انقلاب بهمین، استقرار حاکمیتی ملی و ضد-امپریالیست است. در ماه‌های آخر قبل از قیام که دامنه مبارزات انقلابی توده‌ها گسترش یافت. جنبش کارگری ایران نیز در راستای انقلاب ضد امپریالیستی - دمکراتیک مردم ایران رژیم وابسته شاه را آماج ضربات مرگبارش گرفت. طبقه کارگر ایران دوشادوش دیگر زحمتکشان برای فلج کردن قدرت اقتصادی رژیم شاه و به‌زانو در آوردن آن به حربه قاطع اعتصابات عمومی و تحریم همگانی متوسل شد. تولید و بهره‌وری کار تحت الشعاع مصالح انقلاب و منافع طبقاتی پرولتاریا متوقف گردید. تعطیل کار و توقف تولید به‌ویژه در صنایع استراتژیک مانند نفت، پایه‌های قدرت سیاسی رژیم سرسپرده شاه را بیش از پیش متزلزل کرد و آن را به استیصال و ورشکستگی کشانید. در این دوره ضرورت گسترش انقلاب ایجاب می‌کرد که پیشروان طبقه کارگر تاکتیک اعتصاب (اعتصاب عمومی) را به‌مثابه شکل عام مبارزه پرولتاریا علیه امپریالیسم و طبقه سرمایه‌دار و رژیم ضدحلقی شاه به‌کار گیرند چه تداوم تولید و افزایش بهره‌وری کار در آن شرایط جز تحکیم پایه‌های قدرت سیاسی رژیم شاه و حفظ سلطه امپریالیسم نتیجه‌ای به‌بار نمی‌آورد. به عبارت دیگر، تداوم تولید با تداوم سلطه انحصارات وابسته به امپریالیسم مترادف می‌شد و بالعکس توقف تولید بنیه اقتصادی و پشتوانه سیاسی رژیم را اساساً مختل می‌کرد. در این دوره، اعتصاب و تحریم تنها مسئله این یا آن واحد اقتصادی نبود بلکه به یک شکل عام مبارزاتی و به یک تاکتیک قاطع پرولتری بدل شد. با سرنگونی رژیم شاه، فصل نویسی در حیات سیاسی ایران گشوده شد.

بسیاری از سرمایه‌داران وابسته متواری شدند و شوراهائی که از درون کمیته‌های اعتصاب سر بر آورده بودند، وظیفه مقدم خود را مبارزه برای "ملی کردن کارخانجات سرمایه‌داران طاغوتی" (وابستگان به دربار و...) و راه‌اندازی واحدهای تولیدی‌ای که در جریان قیام و با فرار سرمایه‌داران از کار افتاده بود و سپس اداره امور آن و افزایش بهره‌وری کار، قرار دادند. آری مدت‌ها پیش از آنکه حاکمیت جدید بر امر ملی کردن صنایع بزرگ صحنه گذارد، انقلاب و اراده توده‌های میلیونی مردم آن را اجتناب‌ناپذیر کرده بود. علاوه بر آنکه مهمترین بخش‌های اقتصادی کشور (نفت، ذوب آهن، برق، راه آهن و...) با دگرگونی قدرت سیاسی تحت کنترل حاکمیت جدید درآمد، از همان روزهای نخست بخش مهمی از سرمایه‌های وابسته به دربار

و امپریالیسم (ابتدا اموال ۵۲ خانوار سرمایه‌دار و بعدها به ۹۴ خانوار رسید) مصادره شد. که این مصادره عمدتاً شامل سرمایه‌های بزرگ صنعتی و بانکی می‌شد. انقلاب سلطه و اقتدار متنفذترین سرمایه‌داران وابسته و مزدور را بر اقتصاد کشور درهم شکست و به دنبال آن طرح ملی کردن صنایع بزرگ و شبکه بانکی (که سیمای قانونی تحولات فوق‌الذکر بود) به تصویب رسید. با پیروزی انقلاب بهمین، کارگران و زحمتکشان ایران در چارچوب تشکلهای شورائی و سدیگائی، پاسخگوی ضرورت‌های انقلابی نوینی شدند. تعطیل کار و توقف تولید، اعتصابات عمومی و تحریم همگانی همراه با یورش به پادگان‌ها و قیام توده‌ای به سرنگونی حاکمیت و درهم شکستن اقتدار رژیم ضدحلقی منجر شده بود و اکنون پرولتاریا می‌بایست آنچه را که در مکتب نبرد (اعتصابات عمومی و قیام) آموخته بود، در جهت تحکیم دستاوردها و تعمیق انقلاب به‌کار اندازد. پیروزی قیام که سلطه حاکمیت ملی را جایگزین سلطه حاکمیت ضدحلقی نمود، مضمون عینی مبارزه پرولتاریا را حول مسئله تولید، از توقف تولید به تداوم و افزایش آن بدل کرد. شعار تعطیل کارخانه تبدیل به شعار راه‌اندازی کارخانه شد و اعتصاب جایش را به تداوم تولید و افزایش بازدهی کار داد. باید بر این نکته تأکید کرد که سرمنشأ ضرورت تداوم تولید و راه‌اندازی کارخانه‌ها "نه تمایلات این یا آن جناح از حاکمیت، بلکه ضرورت عینی تحکیم و تداوم انقلاب است. این ضرورت نه تنها اعتصاب و توقف تولید را به کناری می‌نهد، بلکه مبنای اساسی شعار "افزایش بازدهی کار" نیز قرار می‌گیرد.

نمی‌توان میان ضرورت تداوم تولید و ضرورت افزایش بازدهی کار خط فاصلی کشید. این دو علی‌الاصول یک شعارند و دارای خط فاصل کیفی با شعار توقف تولید و اعتصاب (در اشکال مختلف، کم کاری، آهسته کاری، تعطیل کامل و...) می‌باشند. از این رو شعار افزایش بازدهی کار که با ضرورت تداوم تولید عجین است، از همان روزهای پیروزی قیام اصولاً می‌بایست شعار پرولتاریا باشد. از هنگامی که یک حاکمیت ملی و ضدامپریالیست، قدرت سیاسی را به دست می‌گیرد، برای تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلابی و ضدامپریالیستی علی‌الاصول می‌توان و باید شعار افزایش تولید را مطرح کرد ولی تضمین واقعی کارائی انقلابی این شعار همانا مصادره و ملی کردن سرمایه‌های بزرگ است. هر چه دامنه تحقق شعار ملی کردن گسترده‌تر شود، شعار افزایش تولید نیز خصلت مبارزاتی تعیین کننده‌تری به خود می‌گیرد و به حربه پُرتری بدل می‌شود. ولی طرح شعار کامل ملی کردن سرمایه‌های بزرگ نمود. بلکه با استقرار قدرت سیاسی مستقل که عموماً با حداقلی از سلطه این قدرت بر بخش‌های اقتصادی همراه است، می‌توان و باید این شعار را جایگزین شعار توقف تولید کرد. همچنانکه اشاره کردیم، همراه با پیروزی قیام، بخش مهمی از سرمایه‌های بزرگ به کنترل دولت درآمده بود و این به‌نوبه خود محرکه‌ای برای طرح شعار تداوم تولید و افزایش بازدهی کار بود. و این همه در چارچوب حاکمیتی ملی و مستقل صورت می‌گرفت. هر چند که دولت سازشکار بازرگان مزورانه در صدد بود از چنین موقعیتی برای بازسازی گام به گام روابط اسارت‌آمیز وابستگی و

بهبه در صحنه ۱۱

## پیروزی مبارزات ضدامپریالیستی - دمکراتیک خلق‌های ایران



بقیه از صفحه ۱۰

## چرا می‌گوئیم در شرایط ...

ترمیم مناسبات تخریب شده، بهره جوید ولی می‌دانیم که "نتیجه چاقو" را بازرگان در دست نداشت و این دولت سازشکار که رفیق دزد (امپریالیسم) و شریک فافله (خلق) بود، به هیچ وجه نمی‌توانست تبلور همه‌جانبه قدرت سیاسی مستقر باشد و یا افلا دست بالا را در قدرت سیاسی داشته باشد. از این رو ضرورت و یا عدم ضرورت طرح شعار افزایش تولید را باید شاخص دولت بازرگان سنجید و این شعار را بدان مشروط کرد. حال ممکن است این سؤال مطرح شود که چرا طرح و تبلیغ این شعار (که از آغاز انقلاب سهم اصولیت داشت) تنها در ماه‌های اخیر برای پرولتاریای ایران، به ضرورتی مبرم بدل شده و این چنین فعالانه تبلیغ می‌شود؟ در جواب باید به دو نکته اشاره کنیم:

اولا - همچنانکه ذکر کردیم هر چه روند انقلاب بیشتر تعمیق یابد اشکال مبارزاتی توده‌ها و به ویژه پرولتاریا قطعیتی بیشتر می‌یابد و کارائی انقلابی به نحو بازتری تضمین می‌شود. ثانيا: لنسیزم می‌آموزد که تعیین "درجه حدت مبارزه طبقاتی و اشکال آن پیش از آنکه به پرولتاریا بستگی داشته باشد، به نیروی مقاومت محافل ارتجاعی در برابر اراده اکثریت خلق (و اعمال زور از طرف این محافل در مراحل مختلف مبارزه) بستگی دارد. به قول انگلس درجه قهر و سطح خونت را دشمن تعیین می‌کند.

آری! روند تعمیق قانونمند انقلاب تابع اراده و رشکسته لیبرال‌ها نبود و توطئه‌های مکرر امپریالیسم نیز در منحرف کردن آن موثر سفتاد و انقلاب، دولت بازرگان را به بن بست کشانید. تسخیر جاسوسخانه آمریکا و سقوط دولت بازرگان امپریالیسم را به اشکال حادثه مبارزه سوق داد. آنچنانکه تحریم و محاصره اقتصادی، لپوکه کردن سرمایه‌ها و ارزها و ... بر حیات اقتصادی سیاسی جامعه ما تحمیل شد و به نوبه خود نارسائی‌های اقتصادی را تشدید کرد و سرانجام، تحمیل جنگ تجاوزگرانه رژیم عراق به ایران و تخریب مستقیم تاسیسات و مراکز تولیدی و صنعتی که منجر به تعطیل و توقف تولید در بخش مهمی از فعالیت‌های اقتصادی شد، اقتصاد بحران زده ما را بیش از پیش آسیب‌پذیر ساخت. در چنین شرایط حادی بود که پرولتاریا برای بی‌اثر کردن ضربات همه‌جانبه مهاجمین و غلبه بر توطئه‌های امپریالیستی ناگزیر شد به اشکال حادثه و مبرم‌تری از مبارزه انقلابی منسل بشود تبلیغ فعالانه و روزمره شعار افزایش تولید با این دامنه وسعت تنها در چنین رابطه‌ای قابل تبیین است. اصولا این شعار، شعار جدیدی نیست. ولی طرح و تبلیغ فعالانه آن با این حدت و دامنه البته تازه است. و همچنانکه گفتیم به مقتضیات تعمیق روند انقلاب و این که دشمن (امپریالیسم) چه شکل و چه درجه‌ای از حدت مبارزه را به ما تحمیل کند، متناسب با همان ابعاد، از جانب نیروهای انقلابی طرح و تبلیغ می‌شود. به عبارت دیگر ابعاد این تبلیغ، تابع دو شرط فوق‌الذکر است.

۲- رفقای ما می‌پرسند آیا در واحدهائی که هنوز ملی نشده‌اند، نیز باید این شعار را تبلیغ کرد؟ مگر در این واحدها سودهای حاصله از افزایش تولید به جیب سرمایه‌داران نمی‌رود؟ بله! نه تنها بسیاری از کارخانجات متوسط و بزرگ هنوز در اختیار بخش خصوصی است، و نه تنها سرمایه‌داران لیبرال از قبل مالکیت‌های متوسط و بزرگ صنعتی و تجاری کماکان سود می‌برند، بلکه بخشی از سود حاصله از تولیدات داخلی هنوز که هنوز است، حتی به جیب انحصارات امپریالیستی سرازیر می‌شود. و

مکانیزم استثمار و تصاحب سود امپریالیستی به گونه‌ای است که نه تنها در بخش خصوصی، بلکه در بخش دولتی نیز حتی مدت‌ها پس از ملی شدن سرمایه‌ها، رد پایش محو نمی‌شود و مجراهای برای کسب غیر مستقیم سود باقی می‌ماند و چاره اساسی و قطعی کار تنها و تنها در پایریزی و استقرار اقتصادی مستقل و نوی است اینکه در این یا آن کارخانه، این یا آن رشته و حتی بخش مهمی از اقتصاد ما، سرمایه‌داران لیبرال و ... در اثر افزایش تولید چه میزان از سود حاصله را تصاحب می‌کنند، مسئله‌های مهم و قیصه‌های جدی و اساسی است ولی اساسی‌تر از آن این است که مشخص کنیم این بخش‌ها در مجموع حیات اقتصادی - سیاسی جامعه ما منشاء چه اثری هستند؟ لنین تاکید می‌کند که مسئله هر انقلاب این است که مشخص کنیم قدرت در دست کیست؟ همچنانکه بارها گفتیم، نه در دوره بازرگان و نه به طریق اولی پس از آن هیچگاه طبقه سرمایه‌دار ایران دست بالا را در قدرت نداشته است. روند انقلاب ایران پس از بهمن ماه بیانگر رادیکالیزه شدن قدرت سیاسی و تضعیف تدریجی ضدانقلاب در حاکمیت است و در این رابطه است که توطئه‌های امپریالیستی متدرجا تشدید می‌شود. بدیهی است که طبقه سرمایه‌دار ایران از این مسئله خشنود نیست و هر دم در تلاش مذبوحانه تغییر وضعیت و بازسازی و ترمیم مناسبات تخریب شده است. این مسئله که سرمایه‌داران در این یا آن کارخانه، و این یا آن رشته تولیدی و تجاری چه مقدار سود می‌برند یعنی کم و کیف منافع اقتصادی‌شان در این شرایط مسئله اساسی ما نیست. مسئله اساسی آن است که نه بخشی از سرمایه‌داران بلکه طبقه سرمایه‌دار ایران از نظر منافع استراتژیک خود ناگزیر از توسل به چه اقدامی است. در شرایط کنونی اگر این یا آن سرمایه‌دار در این یا آن کارخانه دست به اخلاص و تعطیل کار نزند و حتی مشوق افزایش تولید باشد، به منظور آنکه سود بیشتری نصیب شود، نشانه آن است که منافع استراتژیک طبقه‌اش را هنوز درک نکرده و با این کار عملا به طبقه‌اش خیانت می‌کند! صحبت از منافع و یا خواست اقتصادی کوتاه مدت سرمایه‌داران نیست. بلکه بحث بر سر سیاست طبقاتی طبقه سرمایه‌دار است. لنین می‌گوید:

سیاست، اقتصاد تمرکز یافته است.

وقتی که از سیاست یک طبقه صحبت می‌شود، معنی‌اش آن است که خواست‌های اقتصادی افراد متعددی در یک خواست واحد تمرکز می‌یابد و دیگر به این یا آن خواست اقتصادی بلکه منافع اقتصادی کل طبقه مورد بحث قرار می‌گیرد. مثلا: اگر کارگران این یا آن کارخانه و یا یک رشته از کارخانجات خواهان سود ویژه باشند، این خواست هنوز یک خواست اقتصادی محسوب می‌شود ولی چنانچه خواست سود ویژه به موج وسیعی بدل شود و در جریان گسترش خود همه کارخانجات یعنی کل طبقه کارگر را فرا گیرد این دیگر یک خواست اقتصادی نبوده بلکه در جریان گسترش کمی‌اش تغییر کیفی یافته است یعنی حول یک شعار واحد، تمرکز طبقاتی بوجود آمده و این شعار اقتصادی به یک شعار سیاسی بدل شده است. حال ببینیم رابطه میان خواست‌های اقتصادی سرمایه‌داران و سیاست طبقاتی‌شان چگونه عمل می‌کند. نخست باید به این مسئله پاسخ داد که آیا سیاست طبقاتی و منافع استراتژیک طبقه سرمایه‌دار ایران چیست؟ کسب این مقدار یا آن مقدار سود یا کسب قدرت سیاسی؟ اگر قبول کنیم که کسب قدرت سیاسی اساسی‌ترین و عاجل‌ترین مسئله این طبقه است، باید ببینیم این طبقه برای کسب عاجلانه قدرت، سیاسی و تحقق استراتژی‌اش به چه تاکتیک‌هایی ناگزیر است توسل جوید؟ روشن است که او برای تصرف مواضع استراتژیکش حاضر است منافع

کوتاه مدتش را یعنی سودهای آنی‌اش را، فدا کند. طبقه سرمایه‌دار ایران در این تلاش مذبوحانه متحدان بسیاری دارد که از طریق محاصره اقتصادی، تحریم، لپوکه کردن ارزها، بمباران تاسیسات و ... او را در تحقق اهدافش یاری می‌رسانند. وحدت منافع صفوف ضدانقلاب به وحدت سیاست‌ها منجر می‌شود و سیاست واحد طبقات و نیروهای ضدانقلابی در اینجا در تاکتیک اخلاص در تولید برای فلج کردن اقتصاد و سرنگونی حاکمیت سیاسی نیروهای ضد امپریالیست تجلی می‌یابد. و اما سسته به آنکه به مسئله اساسی انقلاب چگونه پاسخ داده شود می‌توان با شعار افزایش تولید برخورد‌های متفاوتی داشت. آنان که حاکمیت موجود را، از آن طبقه سرمایه‌دار ایران می‌دانند، بدیهی است که شعار "افزایش تولید را مترادف با تحکیم سلطه این طبقه بدانند که بیکار، اقلیت و شرکاء از آن جمله‌اند. و آنانکه هنوز درک روشنی از مسئله قدرت و حاکمیت کنونی ندارند و یا هنوز درک تعمیق یافته‌ای از آنچه که گهگاه بر زبان می‌آورد، نیافته‌اند، در پاسخ به مسئله اساسی انقلاب و تعیین مختصات قدرت حاکمه تصویری معشوش ارائه داده و به نحوی غیرواقعی و غیر علمی رابطه میان حاکمیت و شوراها را (از لحاظ مسئله قدرت) مخدوش می‌کنند. مثلا "راه کارگر" ضمن آنکه شوراها را به متابه ارگان حاکمیت (آن هم حاکمیت پرولتری) تصویر می‌کند و از کنترل کارگری در کارخانجات سخن می‌گوید، در برخورد با مسئله تولید، افزایش تولید را صرفا موکول به اعمال کنترل پرولتاریا در کارخانجات کرده و عملا حاکمیت سیاسی موجود را شایسته برخورداری از حمایت پرولتاریا نمی‌بیند و این نشان می‌دهد که هنوز درک روشنی از مسئله اساسی انقلاب و بخصوص رابطه میان شورا و حاکمیت ندارد. ما این انتقاد را برخود داریم که در گذشته آنچنانکه باید شعار افزایش تولید را در رابطه با کیفیت و مختصات حاکمیت بطور دقیق و روشن بررسی نکردیم. ما در کار "۵۹" ضرورت افزایش تولید را صرفا از این زاویه طرح کرده بودیم که باید "دستاوردهای انقلابی شوراها واقعی را برای بی‌اثر کردن تبلیغات نفاق افکنانه حاکمیت فعالانه تبلیغ کرد" و منظور ما از دستاوردهای شوراها همان افزایش تولیدی‌شان بود ولی ما در آنجا تبلیغ فعالانه شعار افزایش تولید را مشروط به وجود شوراها واقعی کرده بودیم. از این رو نتوانسته بودیم آنچنانکه باید از تداوم تولید افزایش بازدهی کار به عنوان یک شعار اصلی و تعمیم‌پذیر، تصویر روشنی ارائه دهیم. هر چند مرادمان از شوراها واقعی برخلاف "راه کارگر" هیچ‌گاه ارگان حاکمیت نبوده و از آن تنها به متابه یک تشکل توده‌ای و سنگری ضد امپریالیستی سخن می‌گفتیم ولی کم و بیش و به درجاتی سهم شوراها را در کنترل کارخانه (و نه جامعه) در رابطه با حاکمیت، مبهم تصویر کرده بودیم.

۳- آیا تاکتیک اعتصاب در شرایط کنونی منتهی می‌گردد؟

تاکتیک اعتصاب از جمله اشکال مبارزاتی پرولتاریا علیه طبقه سرمایه‌دار و مهمتر از آن علیه دولت و قوانین سرمایه‌داری است. ولی همچنانکه لنین تاکید می‌کند:

"مارکسیسم هیچگاه جنبش را به یک شکل مشخص مبارزه محدود نمی‌کند ... و معتقد به یک برخورد تاریخی با اشکال مبارزه است". سیاست پرولتاریای ایران در برابر رژیم مزدور شاه در ماه‌های پیش از انقلاب تاکتیک اعتصاب (توقف تولید) بود و پس از انقلاب بهمن و در برابر جمهوری اسلامی، تاکتیک افزایش تولید (تداوم تولید و افزایش بازدهی کار). شعار

آقای رئیس جمهور! چرا برنامه اقتصادی خود را به مردم ارائه نمی دهید

یکی از مهم ترین صحنه های سردا امیرالیسم صحنه اقتصادی است. می دانیم که اقتصاد ایران اقتصادی وابسته است. صادرات نفت خام و واردات مواد اولیه، کالاهای واسطه و ماشین آلات از محورهای اصلی اقتصاد وابسته ایران است. صنایع ما وابسته است. گسختگی پیوندهای میان بخش های مهم اقتصادی از ویژگی های اقتصاد وابسته است و در اقتصاد ایران این ویژگی در چند دهه گذشته، به تکامل یافته ترس اشکال خود رسیده است. کم و بیش هر یک از حلقه های زنجیر اقتصاد کشور ما به جای آن که به یکدیگر ارتباطی ارگانیک داشته باشد، به انحصارات امپریالیستی جهان اتصال یافته است. نتیجه این که، مردم میهن ما آنچنان اقتصاد وابسته ای را از رژیم شاه تحویل گرفته اند که حتی چاپ اسکناس برای مقابله با بحران پولی و تأمین کسری بودجه دولت در دست انحصارات امپریالیستی است و تا آنجا که بتوانند در آن اخلال می کنند (که دیدیم کردند).

این واقعیتی دردناک است که بی توجهی به آن مبارزات ضد امپریالیستی مردم میهن ما را با مواعی جدی روبرو می سازد و خطر شکست آن را افزایش می دهد. امپریالیسم جهانی به ابعاد وابستگی اقتصاد جامعه ما آگاه است و بر همین اساس است که استراتژی خود را برای به بحران کشیدن وضع داخلی، برای تضعیف جبهه انقلاب و به شکست کشاندن انقلاب تنظیم می کند.

آقای بنی صدر که در زمان مبارزه انتخاباتی ریاست جمهوری و پیش از آن صحت بسیار از وابستگی اقتصادی و "مشخصه های آن می کرد پس از رسیدن به مقام ریاست جمهوری پیوسته بر این نکته تکیه کرده است که بر اساس برنامه های انتخاب شده که اعضای دولت باید در راه رسیدن به آن با او همراهی کنند، اقتصاد مملکت سامان می گیرد ولی تاکنون جز مباحث کلی سخن از برنامه مشخص اقتصادی خود نرانداده است. اینکه اقتصاد وابسته باشد، اینک رشد باید باشد، اینکه تولید باید افزایش یابد، اینها همه حقایقی است که ذکر آنها و بحث بر سر آنها مسئله ای را حل نمی کند. مسئله اساسا در این است که چگونه باید در جهت مقابله با وابستگی پیشرفت. چگونه باید نیروهای تولیدی و ظرفیت تولیدی را در برنامه های به سوی قطع وابستگی افزایش داد. لب کلام در اینجا است و در اینجا است که آقای بنی صدر جز بحث های کلی و گاه متناقض چیزی ارائه ندادده است.

در شماره ۲۵ آذر ۵۹ روزنامه "انقلاب اسلامی" آقای بنی صدر در ستون کارنامه رئیس جمهور به مسائل اقتصادی ایران پرداخته و برای نخستین بار در ماه های اخیر به زمین های که از حادث ترین جنبه های مبارزه ضد امپریالیستی مردم میهن ما است، اشاره کرده است. در این بحث رئیس جمهور بیست "مشخصه" را بر شمرده است که به زعم وی جنبه های اساسی مسائل اقتصادی ایران را بیان می دارد. به این مشخصات در زیر خواهیم پرداخت اما پیش از آن، این نکته بسیار قابل توجه است که آقای بنی صدر در این بحث توجهی به امپریالیسم دارد و نه به وابستگی. ایشان نه به مبارزه اقتصادی در برابر فشارهای امپریالیسم توجه دارند و نه مسائل اقتصادی میهن ما را که تجلی ای از وابستگی

اقتصادی جامعه ما است. رئیس جمهور در آغاز بحث می گوید:

"... بار دیگر هشدار می دهم که باید تلاش بسیار شود و این تلاش شدنی نیست مگر با قبول ضرورت اداره صحیح واحدهای اقتصادی و مدیریت صحیح آنها و قبول دانش و تخصص برای اداره آنها."

آقای رئیس جمهور حتما می داند که "اداره صحیح"، مدیریت صحیح و "قبول دانش و تخصص برای اداره واحدهای اقتصادی" هزار معنای متفاوت می تواند داشته باشد که بیان آنها به این صورت کلی کاملا بی معناست. آقای رئیس جمهور برای خود موجودی خیالی ساخته و حکم با آن را آغاز کرده است و می گوید نبرد با امپریالیسم را به سوی نبرد با این موجود خیالی سوق دهد. کیست که بگوید واحدهای اقتصادی باید با "صحیح" اداره شود و جهل باید معیار باشد. مسئله جامعه ما این است که چگونه به مبارزه ضد امپریالیستی ادامه دهیم. چگونه وابستگی اقتصادی مقابله کنیم. چگونه اقتصاد میهن را از سلطه انحصارات امپریالیستی آمریکائی، اروپائی و ژاپنی رها سازیم. این است مسئله مردم میهن ما.

آقای رئیس جمهور! شما خود می دانید که نخست باید سازماندهی اقتصاد در جهت مقابله با سلطه امپریالیسم معلوم گردد. آنگاه سخن از مدیریت "صحیح" و "اداره صحیح" و ... به میان آید.

آقای رئیس جمهور! حتما می دانید که مدیریت و اداره واحدهای اقتصادی در رژیم گذشته بسیار قوی بود. اما آن مدیریت قوی در جهت تشدید و تعمیق وابستگی بود و "بهترین" آن سیز بود. مستشاران نظامی آمریکایی و اروپائی و متخصصان

**★ آقای رئیس جمهور! حتما می دانید که مدیریت و اداره واحدهای اقتصادی در رژیم گذشته بسیار قوی بود. اما آن مدیریت قوی در جهت تشدید و تعمیق وابستگی بود و "بهترین" آن نیز بود. شما سخن از کدام "بهترین ها" می گوئید؟ نخست باید مشخصه های نظام را معلوم کرد باید هدف و سمت و سوی حرکت جامعه را تعیین کرد، آنگاه سخن از بهترین و صحیح ترین مدیریت گفت.**

شرکت های امپریالیستی "بهترین" مستشاران و متخصصان برای به وابستگی کشاندن ارتش و اقتصاد میهن ما بوده اند. شما سخن از کدام "بهترین" می گوئید. نخست باید "مشخصه های نظام را معلوم کرد، باید هدف و سمت و سوی حرکت جامعه را تعیین کرد، آنگاه سخن از بهترین یا صحیح ترین مدیریت و ... گفت. هر آنکس که در مسئله وابستگی جوامع زیر سلطه تعمق کرده است، می داند که وابستگی تکنولوژیکی و کمبود تخصص از جلوه های بارز وابستگی است. هر آنکس که به تاریخ مبارزات ضد امپریالیستی ملل جهان نظری انداخته باشد می داند که چگونه امپریالیسم می کوشد با تکیه بر این جنبه های وابستگی انقلابات اجتماعی کشورهای زیر سلطه را به

شکست کشاند و مردم این کشورها را ضلع علم و ضد فرهنگ جا بزند! آنچه امپریالیسم جهانی در شیلی کرد بر همگان معلوم شده است. آنچه که امپریالیسم جهانی کوشید در کوبا به انجام رساند و در آن شکست خورد و اکنون می کوشد در سیکاراگوئه و ایران به انجام رساند، بر همگان معلوم است.

اکنون ببینیم رئیس جمهور چه مشخصه هایی را برای اقتصاد ایران بر شمرده و درباره آنها چه می گوید:

نخستین مشخصه ذکر شده در کارنامه رئیس جمهور مسئله کاهش رشد اقتصادی است. به گفته رئیس جمهور "اقتصاد ما به جای این که رشد کند پس رفته است. به جای آن که تولیدش اضافه شود از تولید آن کم شده است" آری صحیح است که تولید کاهش یافته و رشد اقتصادی نبوده است. اما آیا این به معنای "پس رفتن" است؟ آقای رئیس جمهور! الفاظ معنی دارند. پس رفتن یعنی بدتر شدن، بدتر شدن از آنچه بوده است. چه بوده است؟ چه اقتصادی داشته ایم که اکنون از آنچه بوده است بدتر شده است. آقای بنی صدر! مردم میهن ما مبارزه می کنند، جان می فشاندند چون در پس این سختی ها رورهای درخشانی را می بینند که با پیروزی سباهی انقلاب در صلح، استقلال، آزادی و رفاه اجتماعی به سر برند. آیا در کشاکش نبرد با امپریالیسم، در شرایطی که امپریالیسم کاری می کند که فشار گرانی و بیکاری افزایش یابد تا به مردم بگوید که قبل از انقلاب وضعیتان بهتر بود، آیا به راستی وقت جمع و تفریق کردن روزنامه انقلاب است؟ ما پیش از این بارها گفته ایم که باید در این شرایط برنامه های ضروری و همه جانبه دنبال شود تا با بحران اقتصادی و با فشارهای اقتصادی ناشی از تحریم و دیگر اخلال های نیروهای امپریالیستی و سرمایه داران وابسته داخلی مقابله شود. تا با گرانی و بیکاری مقابله شود. اما این را سیز گفته ایم و بازم می گوئیم که مردم زحمتکش و محروم میهن ما رنج و دردهای ناشی از مقابله با امپریالیسم را به جان خریدند و می خرند تا استقلال میهن به دست آید تا وابستگی به امپریالیسم بطور کامل محو گردد، تا انقلاب به پیروزی رسد، تا خورشید صلح، آزادی و رفاه اجتماعی بر جامعه ما نورفشانند.

آقای رئیس جمهور! اقتصاد میهن ما پس نرفته است، اقتصاد میهن ما به همت مردم ما در تقابل با امپریالیسم قرار گرفته است و بدیهی است که برای مدتی تولید کاهش یابد. آقای بنی صدر علت کاهش تولید را "عدم سرمایه گذاری جدید" می گوید. ما علت آن را صریح تر می شکافیم. می دانیم که سرمایه داران وابسته و انحصارات امپریالیستی که در مقابل مبارزات ضد امپریالیستی مردم میهن ما قرار دارند می کوشند تا آن را با شکست مواجه سازند. سرمایه داران وابسته صنایع بزرگ کشور ما را در دست داشته و هنوز نیز برخی از آنان در دست دارند، اقتصاد میهن ما با پیوندهای گسترده و عمیقی به انحصارات امپریالیستی وابسته بوده است و هنوز نیز هست. در این شرایط انتظار می رود سرمایه داران وابسته و انحصارات امپریالیستی چه کنند؟ هر چه بیشتر سرمایه گذاری کنند و

مردم میهن ما تا قطع کامل

سلطه امپریالیسم آمریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد

## آقای رئیس جمهور!

## چرا برنامه اقتصادی خود را به مردم...

تولید را افزایش دهند؟ از قیمت‌ها بکاهد؟ کار ایجاد کنند و به مبارزه ضدامپریالیستی مردم میهن ما کمک کنند؟ سرمایه‌داران وابسته و انحصارات امپریالیستی هرچه توانسته‌اند، کرده‌اند و در آینده نیز خواهند کرد تا به بحران اقتصادی ایران دامن زنند، به بیکاری بیفزایند، به گرانی بیفزایند، به ناپایی کالاها بیفزایند و به هرچه به انقلاب ایران می‌تواند صدمه وارد آورد بیفزایند. پس این امری بدیهی است که آنان چنین کنند. اما آقای بنی‌صدر می‌گوید علت کاهش تولید "عدم سرمایه‌گذاری جدید" است.

ما می‌پرسیم علت "عدم سرمایه‌گذاری جدید" چیست و آن را چگونه برطرف باید کرد؟ سرمایه‌گذاری جدید نشده چون سرمایه‌داران وابسته می‌خواهند در کارها اخلاص کنند، چون سرمایه‌داران موجودیت خود را در خطر یافته‌اند. پس آیا باید کاری کنیم که آنان احساس خطر نکنند تا سرمایه‌گذاری جدید بشود؟ آیا این استدلال درست است آقای رئیس جمهور یا آن استدلالی که می‌گوید باید سرمایه‌داران وابسته و امپریالیست‌ها از صنایع ایران کوتاه شود و همه صنایع بزرگ و متوسط ملی شوند؟ کدام استدلال درست است آقای رئیس جمهور؟

ما بارها گفته‌ایم و بارها می‌گوییم که پیشبرد مبارزه ضدامپریالیستی مستلزم داشتن برنامه اقتصادی جامع و همه‌جانبه‌ای است تا بتوان اقتصاد را در جهت مقابله با امپریالیسم و رشد بخشیدن به نیروهای تولید ملی بازسازی کرد. یعنی آن‌که هم با امپریالیسم مقابله کنیم، هم امکانات تولید اجتماعی را علیرغم فشارهای امپریالیسم و وابستگی داخلی اش گسترش دهیم، به تولید بیافزاییم، اشتغال را افزون کنیم و نیازهای رفاهی کارگران و زحمتکشان شهری و روستایی میهنمان را پاسخگو باشیم.

آقای رئیس جمهور در حالیکه به عوارض ناشی از وابستگی در اقتصاد میهن‌ما و در شرایطی که در مقابله با امپریالیسم قرار گرفته‌ایم، اشاره می‌کند نسبت به علل اساسی بروز چنین عوارض بحران‌زایی بی‌توجه است و آن را نتیجه "ضعف مدیریت..."، "تعدد وافر تناقضات و اعمال سیستم‌های شخصی..." و "عدم اجرای قوانین و نداشتن ضمانت اجرا برای قوانین..." می‌داند (مشخصه‌های ۱۶، ۱۷، ۱۸) اما آیا مسئله کاهش تولید، افزایش بیکاری و تورم و گرانی (مشخصه‌های ۲۰، ۲۱) نتیجه چنین مسائلی است؟ آقای رئیس جمهور! دلیل این نابسامانی‌ها آن است که یک برنامه همه‌جانبه اقتصادی در جهت پیشبرد مبارزه ضدامپریالیستی مردم میهن ما تاکنون از جانب حکومت جمهوری اسلامی ارائه نشده است و نمی‌توان بدون چنین برنامه‌ای از دست‌سها و خرابکاری‌های امپریالیسم و متحدان داخلی آن به‌گونه‌ای قاطع مبارزه کرد.

و اما درباره دیگر مسائل:

آقای رئیس جمهور درباره مسئله ارضی سخنی نمی‌گوید و تنها به "مسائل متعدد در بخش کشاورزی به دلیل ابهامات و تناقضات و عدم حکومت قانون" اشاره می‌کند (مشخصه ۸). همه می‌گویند در کشاورزی مسئله وجود دارد. دهقانان می‌گویند مسئله هست، زمینداران بزرگ هم می‌گویند مسئله هست. می‌دانیم دولت وابسته شاه و نظام اقتصادی وابسته ایران کشاورزی ایران را به ویرانی کشید. می‌دانیم

بقیه از صفحه ۱۲

کمبود برخی از مصالح، خاصه سیمان اشاره می‌کند (مشخصه ۱۱). آقای رئیس جمهور! مسئله مسکن یکی از حادترین مسائل اقتصادی - اجتماعی جامعه ماست. در این ۲۳ ماهی که از سرنگونی رژیم شاه می‌گذرد دولت اقدامی اساسی در جهت رفع این مسئله حاد نکرده است. اقدامات جزئی و ضد و نقیصی که تاکنون انجام شده است، هیچ‌کدام را نمی‌توان اقدامی اساسی به‌شمار آورد. از آن جمله است کاهش ربح بهره وام مسکن که حسرت دولت موقت بازرگان به ۸٪ و سپس آقای بنی‌صدر به ۴٪ کاهش داد. این سیاست به‌جای آن که مسئله مسکن را حل کند، یا حتی آن را تسکین دهد، باعث تشدید تورم، جاری شدن سرمایه‌های بزرگ و فروش‌ها به خارج و به‌سوی فعالیت‌های پرسود تجاری شد. این مسئله اکنون بر همه روش‌ها شده است و ما در همان زمان در مقالات "کار" گفتیم که توسل حستن به سیاست‌های سرمایه‌داری نمی‌تواند حلال مشکلات مسکن کارگران و زحمتکشان میهن ما باشد. باید راه‌حلی دیگر به کار گرفته شود.

مسائل بسیار است و ما تنها عمده‌ترین آنها را برشمردیم. و از آقای رئیس جمهور می‌خواهیم صریح و روشن برنامه‌ای را که می‌گویند دیگران نمی‌گذارند به اجرا درآورند برای مردم میهن اعلام دارند تا مردم بدانند چه تفاوتی میان راه و برنامه ایشان و راه و برنامه دولت موقت بازرگان هست؟

آقای رئیس جمهور باید روشن و آشکار بگوید چه راهی برای مقابله با بحران گرانی و بیکاری اندیشیده است. ما هنوز سخنرانی آقای رئیس جمهور در بازار را به‌خاطر داریم که تاجر بازار را به شادی‌آفرینی در مشتریان به‌جای کسب سود نصیحت می‌کرد. آیا رئیس‌جمهور هنوز هم بر این سیاست است؟ مردم می‌خواهند بدانند آقای رئیس جمهور برای مقابله با بیکاری که پس از حمله تجاوزگرایان دولت عراق به ایران به مرز سه‌میلیون نزدیک شده است چه سیاستی پیشنهاد می‌کند؟

ما از رئیس‌جمهور می‌پرسیم چه برنامه اقتصادی در جهت پیشبرد مبارزه ضدامپریالیستی مردم ایران پیشنهاد می‌کنید؟ چرا چنین مطالب اساسی را تا به حال نگفته گذاشته‌اید و چرا به‌جای بحث‌های فرعی و گمراه‌کننده بر سر مسایل اساسی بحث نمی‌کنید؟

دهقانان ایران زحمت زیادی می‌کشند اما بازهم در فقر، زندگی می‌گذرانند. اما برای حل این مشکل چه باید کرد؟ زمینداران بزرگ می‌گویند دهقانان باید بر سرچای خود بنشینند، دولت باید به زمینداران بزرگ وام ارزان بدهد، کود بدهد، سم و بدر بدهد و امنیت سرمایه آنان را تامین کند. آنان نیز از عدم حکومت قانون، قانون سرمایه‌داری شکایت دارند. اما دهقانان می‌گویند اراضی زمینداران بزرگ باید به کسانی که روی آن کار می‌کنند یعنی به دهقانان واگذار شود، آنها می‌گویند به دهقانان و خرده‌مالکان وام ارزان داده شود، کود و سم و بدر داده شود و قانونی به اجرا درآید که حافظ منافع آنان در مقابل تجاوزات زمینداران بزرگ، ستم سلف‌خران و انحصارات سرمایه‌داری بر آنان باشد. آقای رئیس جمهور باید صریح و روشن به دهقانان میهن ما بگوید "ابهامات" کدام است "تناقضات" کدام است و در چه جهتی باید رفع ابهام و تناقض شود. کدام قانون باید حکومت

**\* آقای رئیس جمهور باید بطور صریح و روشن به دهقانان میهن ما بگوید "ابهامات" کدام است و تناقضات کدام. و در چه جهتی باید رفع ابهام و تناقض شود. کدام قانون باید حکومت کند. قانونی که مدافع حقوق دهقانان زحمتکش است؟ یا قانون مدافع زمینداران بزرگ؟ چرا آقای بنی‌صدر درباره عدم اجرای بند "ج" قانون اصلاحات ارضی سخن نمی‌گوید؟**

کند؟ قانونی که مدافع حقوق دهقانان زحمتکش باشد یا قانون مدافع زمینداران بزرگ؟ چرا آقای بنی‌صدر درباره عدم اجرای بند "ج" قانون اصلاحات ارضی سخن نمی‌گوید؟ حواله کردن دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین به زمین‌های بایر دردی را دوا نمی‌کند و نیازی را پاسخ نمی‌دهد درباره صنعت در کارنامه رئیس‌جمهور، عمدتاً

به کمبود مواد اولیه توجه شده است (مشخصه ۹) می‌دانیم بسیاری از صنایع وابسته ایران هنوز در دست سرمایه‌داران وابسته است و صنایعی که ملی شده و به مالکیت دولت درآمده به علت نبودن برنامه اقتصادی جامعی، هنوز تا اندازه‌ای همان که بوده‌اند، هستند. چرا آقای بنی‌صدر درباره برنامه صنعتی کشور صحبتی نمی‌کند؟ چگونه باید صنایع کشور سامان یابد تا در جهت مقابله با امپریالیسم، در جهت قطع وابستگی صنعتی پیش روییم؟ چگونه باید در جهت قطع پیوندهای صنایع میهن مبارزه کنیم؟ چه رابطه‌ای باید میان صنایع مختلف و میان بخش صنعت و دیگر بخش‌های اقتصادی به‌وجود آید تا هر چه بیشتر گسیختگی اقتصادی برطرف شود و از آسیب‌پذیری اقتصاد ایران در مقابل فشارهای امپریالیسم کاسته گردد. اینها مسائلی هستند که آقای بنی‌صدر باید نظرات خود را در قبال آن بیان کند. این که بگوئیم مدیران "خوب" خوبند، دردی از دردهای صنعت وابسته ما را حل نمی‌کند. مدیر خوب قطعا از نظر سرمایه‌داران و مدافعان سرمایه‌داری یک چیز است و از نظر کارگران و دیگر مخالفان سرمایه‌داری چیز دیگری است. مدیری که از نظر سرمایه‌دار خوب است برای کارگر بد است و مدیری که از نظر کارگر خوب است برای سرمایه‌دار از بد هم بدتر است. درباره مسئله مسکن آقای رئیس‌جمهور بر "رکود بخش ساختمان، به‌دلیل ابهامات حقوقی و

کار



کمیته‌ها و جبهه متحد ملی ضد زاپنی در چین

کمیته‌ها و جبهه متحد ملی ضد زاپنی در چین

و

کمیته‌ها و جبهه متحد ملی ضد زاپنی در چین

منتشر شد



کمیته‌ها و جنبش انقلابی چین تحت شعار شوراها

کمیته‌ها و جنبش انقلابی چین تحت شعار شوراها

و

کمیته‌ها و جنبش انقلابی چین تحت شعار شوراها

نژودی منتشر می‌شود

### گسترش تشنج و درگیری خواست لیبرالها

● چگونه است که تاکنون دولت نسبت به دستجات و افراد مشکوکی که به مجامع نیروهای ترقیخواه یورش می‌برند و دستشان به خون انقلاب آلوده است، هیچ سیاست قاطعی در پیش نگرفته است؟ دولت باید این دستجات را شناسایی، دستگیر و محاکمه نماید.

سپادت یک تن از هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران منجر شد و دهها زخمی برجای گذاشت از نظر ما محکوم است. علاوه بر این اقدامات ماجراجویانه و خالی از مسئولیت گروه‌های آشوبست و ماجراجویی که دامنه بدبینی درگیری‌ها را دامن می‌زنند نیز باید محکوم گردد.

علیرغم سیاست روش و اعلام شده سازمان ما درباره ایجاد و گسترش درگیری و تشنج در شرایط کنونی، روزنامه حزب جمهوری اسلامی کوشش کرد از آب گل آلود بیشتری ماهی را بگیرد این روزنامه با بهره‌گیری از سیاست اقلیت منسوب از سازمان که با یلاکارهایی با امضای پیشگام در حوالی محل درگیری‌ها حضور داشت کوشش کرد حقایق را تحریف کند و به اعتبار سیاسی رو به تازید سازمان ما لطمه وارد آورد. از این رو تبلیغات مسموم و سفاکانه‌ای علیه سازمان ما به راه انداخت و همچنان آب به آسیاب لیبرال‌ها ریخت

امپریالیسم آمریکا وارد آورد، دولت هیچگونه موضع متوجه درمربختن صف دوستان و دشمنان انقلاب است و به توهم توده‌های مردم نسبت به لیبرال‌ها دامن می‌زند و زمینه مساعدی برای پیشبرد سیاست‌های آن فراهم می‌آورد. از سوی دیگر انحصارطلبی سیاسی جمهوری اسلامی و بی‌اعتنایی دولت نسبت به تأمین آزادی‌های سیاسی نیروهای ترقیخواه و ضد امپریالیست و نقض برخی حقوق دمکراتیک توده‌های مردم از جانب آن نه تنها زمینه مساعدی برای گسترش چنین درگیری‌هایی است، بلکه با درهم اندیشی که در تشخیص دوستان و دشمنان انقلاب در جمهوری اسلامی ایران وجود دارد دولت و مقامات مسئول جمهوری در گسترش این درگیری‌ها تاکنون نقشی مخرب و موقر برعهده داشته‌اند. کافی است متذکر شویم که علیرغم ضرباتی که اقدامات این دستجات و افراد مشکوک به مردمی در مبارزه علیه

سیروهای صدامیریالیست است این درگیری‌ها در عین حال متوجه درمربختن صف دوستان و دشمنان انقلاب است و به توهم توده‌های مردم نسبت به لیبرال‌ها دامن می‌زند و زمینه مساعدی برای پیشبرد سیاست‌های آن فراهم می‌آورد. از سوی دیگر انحصارطلبی سیاسی جمهوری اسلامی و بی‌اعتنایی دولت نسبت به تأمین آزادی‌های سیاسی نیروهای ترقیخواه و ضد امپریالیست و نقض برخی حقوق دمکراتیک توده‌های مردم از جانب آن نه تنها زمینه مساعدی برای گسترش چنین درگیری‌هایی است، بلکه با درهم اندیشی که در تشخیص دوستان و دشمنان انقلاب در جمهوری اسلامی ایران وجود دارد دولت و مقامات مسئول جمهوری در گسترش این درگیری‌ها تاکنون نقشی مخرب و موقر برعهده داشته‌اند. کافی است متذکر شویم که علیرغم ضرباتی که اقدامات این دستجات و افراد مشکوک به مردمی در مبارزه علیه

● اواخر هفته گذشته بار دیگر شاهد درگیری‌های تاسف‌بار و خشونت‌آمیزی در تهران بودیم. کانون تشنج درگیری‌هایی بود که در حوالی یکی از ساختمان‌های منتسب به مجاهدین خلق ایران در خیابان مبارزان جریان داشت. مهاجمین همچون هفته‌های گذشته قصد داشتند به‌زور محل مذکور را در اشغال خود درآورند. در این درگیری‌ها حمید رضا رضایی، یکی از هواداران مجاهدین به شهادت رسید و دهها تن مجروح شدند. درگیری‌های هفته‌های اخیر در شرایطی صورت می‌گیرد که امپریالیسم آمریکا به تجاوزات و تهدیدات خود بیش از هر زمانی افزوده است و تلاش مذبوحانه لیبرال‌ها، برای اعتبار کردن نیروهای صدامیریالیست جمهوری اسلامی و ساقط کردن دولت منتسب به آنان دامنه گسترده‌ای یافته است و آشکارا طالب آنند که با تشنج ساختن فضای سیاسی کشور به بی‌ثباتی سیاسی جامعه دامن زنند و از آن در جهت تقویت منافع ضد مردمی خود بهره‌برداری نمایند. ما آنچنان‌که در قبل نیز گفته‌ایم با تشنج و درگیری، به‌ویژه در شرایط کنونی مخالفیم و معتقدیم یکی از نتایج درگیری‌های مجاهدین خلق تشدید پراکندگی در صفوف مردم و به تعویق انداختن اتحاد عمل همه

### بیرا امیران نظام را محاکمه نمی‌کنند

کامل، به استمارگری و چپاول مردم بپردازند و هر روز به بهای فقر و تنگدستی بیشتر مردم و گرانی سرسام‌آور مایحتاج مردم فریبه‌تر شوند. با این محاکمه می‌توان نشان داد که چگونه بسیاری از ناپسامانی‌های کنونی محصول دشمنی لیبرال‌ها و دولت بازرگان با انقلاب مردم است. اکنون لیبرال‌ها با استفاده از فقر و تنگدستی توده‌های مردم کوشش می‌کنند همه مشکلات و ناپسامانی‌ها را منوجه "خط امام" سازند و برای سیاست‌های خود کسب اعتبار کنند. آنها می‌کوشند باردیگر اعتماد

و ناپیگیری جمهوری اسلامی در مبارزه با لیبرال‌ها علت اصلی تاخیر یک‌ساله محاکمه علنی امیران نظام است. تعلل و دودلی در محاکمه علنی امیران نظام، به‌ویژه در شرایط کنونی که سرنوشت انقلاب بستگی به مبارزه‌ای قاطع و همه‌جانبه با لیبرال‌ها و دیگر نیروهای مورد حمایت امپریالیسم دارد، آشکارا فراموش کردن مصالح انقلاب است زیرا با محاکمه علنی امیران نظام می‌توان نشان داد که چگونه لیبرال‌ها برای تحکیم روابط غارتگرانه امپریالیسم آمریکا با ما تلاش می‌کنند، چگونه خواهان آنند که سرمایه‌داران و تجار محترک با "آزادی

جمهوری اسلامی نفوذ دارند می‌کوشند مانع محاکمه امیران نظام شوند زیرا آنها به‌خوبی می‌دانند که اگر این جاسوس آمریکایی و عضو موثر نهضت آزادی، بهتر بگوئیم نهضت مهندس بازرگان و شرکاء بطور علنی محاکمه شود اهداف ضدانقلابی و نقشه‌های شوم لیبرال‌ها فاش شده و به‌قول معروف "دم خروس" بسیاری از این آقایان که ادعا می‌کنند طرفدار آزادی و انقلاب و مردم‌اند آشکار خواهد شد. اما علیرغم چنین تلاش‌هایی با قاطعیت بسیار می‌توان گفت که تنها فشار لیبرال‌ها نیست که مانع محاکمه امیران نظام است. تعلل، دودلی

نزدیک به یک سال از افشای رابطه عباس امیران نظام سخنگو و سفیر دولت لیبرال مهندس بازرگان با جاسوسان آمریکایی می‌گذرد به‌دنبال برملا شدن این رابطه توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام امیران نظام دستگیر گردید ولی علیرغم انتظار مردم پس از گذشت یک‌سال هنوز از محاکمه او خبری نیست. دادگاه‌های انقلاب که در محاکمه و اعدام انقلابی‌ها مانند نریعی‌سا و دهها نمونه از این قبیل یک لحظه را از دست نمی‌دهند از محاکمه امیران نظام به بهانه‌های گوناگون طفره می‌روند. اکنون برای مردم بیش از پیش این سؤال مطرح است که چه دست‌هایی مانع محاکمه امیران نظام است؟ چرا این تردید نیست که لیبرال‌ها که هنوز در رژیم

مردم را نسبت به دولتی نظیر دولت لیبرال بازرگان جلب نمایند و چنین دولتی را حلال مشکلات مردم قلمداد کند. محاکمه علنی امیران نظام می‌تواند به این عوامفریبی‌ها ضربه قاطعی وارد آورد و در زدودن توهم توده‌ها و ارتقاء آگاهی طبقاتی آنان تاثیر موثری برجای گذارد. لیبرال‌ها به‌سردماری بازرگان و شرکاء و دارو دسته جبهه ملی، در عین کوشش برای جلوگیری از محاکمه امیران نظام در تبلیغات ضدانقلابی خود در میان مردم چنین استدلال می‌کنند که دولت جمهوری اسلامی هیچ "دلیلی" برای محاکمه امیران نظام ندارد. آنها مزورانه می‌گویند اگر امیران نظام محاکمه شود "بی‌گناهی" او اثبات می‌شود به‌همین دلیل دادگاه‌های

## نامه‌ای از یک زحمتکش بازار:

## «سرمایه داران بزرگ، ضد انقلابند»

## ■ روزنامه محترم کار،

لا بد می‌دانید که روغن کمیاب و گران است. اما من می‌دانم که روغن در انبارها احتکار شده است. در بازار از هر کس که بپرسید حرفم را تأیید می‌کند. کاسب‌های بازار محتکین را با اسم و رسم می‌شناسند و شناسی‌های انبارشان را می‌دانند ولی تا امروز برای جلوگیری از این عمل خانگی‌ها اقدام انجام شده با اینکه دولت اعلام کرد محتکین را از رادیو و تلویزیون معرفی می‌کند و مجازاتشان هم ۵۰ صربه شلاق و ۳ ماه زندان و ۵۰ هزار تومان جریمه نقدی خواهد بود، با اینکه بعضی وقتها پاسدارهای انقلابی آنها را شناسایی می‌کنند، اما ما نشدیدیم تاجر بزرگی معرفی و مجازات شود!

بعنوان مثال صاحب بازارگانی آذربایجان در نزدیکی میدان محمدیه که ۲۰ هزار کارتن کره هلندی احتکار کرده بود، پس از کشف آن افشاء نشد، چرا؟ من که در این کار هستم، می‌دانم هر کارتن ۲۵ کیلوئی حداکثر ۴۲۰ تومان تمام می‌شود ولی این حاجی به اصطلاح مسلمان آن را ۶۵۰ تومان به دکاندار می‌فروخت، یعنی بیشتر از ۵۰ درصد روی جنس می‌کشید در حالیکه نرخ رسمی عمده‌فروشی ۵۶۵ تومان است که البته این نرخ هم گران است زیرا ۳۳ درصد روی جنس کشیدن است. اما با این سرمایه‌دار بی‌انصاف که با این رقم قانونی! نزدیک ۳ میلیون تومان در یک معامله عایدش می‌شود، باز هم می‌گوید کم است!

من می‌پرسم چرا اموال این دزد وطن فروش ضبط نمی‌شود یا حداقل کره‌های احتکاری به سود مردم صادره نمی‌شود؟ مگر او دزدی نکرده؟ پاسدارها کره مشکوفه را با قیمت رسمی می‌فروشد و پول آن را با همان سود هنگفت بیش از ۳۳ درصد به حاجی‌آقا می‌دهند. او هم پولها را روی همدیگر انبار می‌کند و می‌گوید جنس وارد نمی‌کنیم آنها می‌خواهند با این کلک

۵ همین بلوای بازار و جریان قطب‌زاده می‌دانید کار گی بود گکار همین سرمایه‌داران مفتخور بود.

حس در بازار کمتر سود تا دولت مجبور شود دست آنها را بیشتر بازبگذارد. این باحر بطور اتفاقی در نله افتاده در حالیکه هر روز هزاران کارس کره فروخته می‌شود و یک تاجر هم به نله می‌افتد.

در تمام بازارگانی ها نوشته‌اند که نداریم، در حالیکه هر روز هزاران کارتن بدون فاکتور از سردخانه‌ها به معازه‌ها منتقل می‌شود پول را نقدا از قبال می‌گیرد و قرار می‌گذارند اگر کبته‌های ما همیدند، بگویند ۵۶۵ تومان خریدیم. معاره‌دار هم مجبور است دروغ بگوید چون که در غیر این صورت نمی‌تواند از جانی جنس بخرد. تازه عده‌ای که شاید ترسد، به کره دوچکش هلندی یک کیلو ماست می‌زنند، علامت‌انگشت هم روی آن می‌گذارند و یا اسم کره محلی کیلوئی ۶۰ تومان می‌فروشند در حالیکه قیمت اصلی آن کیلوئی ۲۶۸ ریال است.

این یک گوشه از دزدی‌های این تحسار سرمایه‌دار در طول جنگ است خودشان هم قبول دارند که جنگ منفعتشان را سرسام‌آور بالا برده. چند روز قبل در حجره‌ای یکی از این تاجر می‌گفت: "فکر نکن بازار همیشه اینطور شیرین می‌ماند اگر یک وقت جنگ تمام شود دونه‌ها کارمان کساد می‌شود" می‌گفت: "قول می‌دهم تاجری که الان ماهانه چهار تا پنج میلیون تومان دخل می‌کند منافعی از یک میلیون تومان هم پائین تر نیاید"

من به شما قول می‌دهم این تاجر گردن کلفت همه‌شان ضدانقلابند. آنها روزشماری می‌کنند که امام و جمهوری اسلامی سقوط کند. همین بلوای بازار و جریان قطب‌زاده را می‌دانید کار گی بود؟ کار همین سرمایه‌داران مفتخور بود. خودشان تعریف می‌کردند که آن بلوای

## چه کسانی حمله به سفارت شوروی را

## تدارک دیده‌اند؟

این دستجات که می‌بینند انقلاب ایران می‌رود کسه دوستان و متحدان واقعی خود را در سراسر جهان بیاید، به این اعمال وحشیانه دست می‌زنند. این دستجات وقتی می‌بینند ایران با کشورهای جبهه پایداری عملا در یک جبهه قرار گرفته است و روابط خود را روزبه‌روز گسترش می‌دهند، به‌خشم می‌آیند و دشمنی خود را با انقلاب آشکارتر می‌سازند. این دستجات را همان کسانی رهبری می‌کنند که امروز بیش از هر زمان دیگر همه نیروهای ضد

امپریالیست و همه سازمان‌های مترقی و انقلابی را مورد بدترین ناخوانم‌دانه‌ترین تهمت‌ها و دروغ‌ها قرار داده‌اند.

این دستجات را سه جهانی‌های آمریکائی حزب رنجبران و همدستان لیبرال آنها رهبری و هدایت کرده‌اند و هدف اصلی آنها هم اجرای رهنمودهای اربابشان برژینسکی است.

و اما چرا جمهوری اسلامی از پیشگیری از تهاجم غافل ماند؟

مردم به‌خاطر دارند که سازمان ما تاکنون بارها نسبت به عواقب خطرناک اعمال وحشیانه این دستجات و فعالیت مخرب عناصری که به دفاتر سازمان‌های سیاسی مترقی و ضدامپریالیست یورش برده‌اند، به دولت جمهوری اسلامی هشدار داده است

اگر جمهوری اسلامی ایران تا امروز مشی دفاع از همه نیروهای انقلابی ایران را پیشه ساخته بود، امروز این عناصر ضدانقلابی جرات نمی‌کردند مدافعان جهانی انقلاب ایران را مورد حمله خود قرار دهند. غفلت جمهوری اسلامی را مشخصا باید در همین رابطه ارزیابی کرد.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت) با ابراز عمیق‌ترین انزجار نسبت به عمل دشمنان مردم و اقداماتی را که متوجه دور ساختن ایران به انقلاب ایران و نیروهای انقلاب از دوستان جهانی انقلاب ایران را رهبری می‌کنند. این دستجات که از تعمیق و گسترش دستاوردهای

روز شنبه ۶ دی‌ماه جمعیتی حدود یک‌هزار نفر که اکثر آن ضدانقلابیون و مزدوران فزای افغانستان، سه جهانی‌های ایرانی و طرفداران لیبرال‌ها بودند، طی یک نقشه از پیش طراحی شده به سفارت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی هجوم برده و در جلوی چشمان ماموران انتظامی که برای مدتی بی‌تفاوت لین اقدام ضدانقلابی را تماشا می‌کردند به‌داخل سفارت رخنه کرده و به تخریب ساختمان‌ها و دزد و پنجره‌های سفارت پرداختند.

خبر این اقدام از جانب همان محافلی که سازمانگر و طراح آن بود، بی‌درنگ به سراسر جهان زیر پوشش امپریالیسم مخابره شد و رادیوها و رسانه‌های گروهی امپریالیست‌ها و مرتجعان سراسر جهان فرصت یافتند اخبار و گزارشات اغراق‌آمیزی را به‌خورد مردم جهان دهند رادیوهای واشنگتن، اسرائیل، بی‌بی‌سی و غیره شمار مهاجمان را هزاران و ده‌ها هزار خواندند و تلاش کردند از این اقدام که عوامل امپریالیسم، سه‌جهانی‌ها و دیگر دست‌های مشکوک طراح آن بودند، برای دور کردن ایران از دوستان جهانی انقلاب بهره‌برداری کنند.

محافل ارتجاعی جهان، دوستان و جاسوسان آنها در ایران که به‌ویژه از گرایش مثبت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی سخت برآشفته‌اند، پس از این حادثه هنوز می‌کوشند، اینطور وانمود کنند که مردم ما همانگونه که با امپریالیسم آمریکا و دیگر دشمنان انقلاب ایران دشمن‌اند، با اردوگاه سوسیالیسم و دیگر دوستان انقلاب نیز دشمنی می‌کنند. این حمله را چه کسانی رهبری کردند؟ و چرا دولت جمهوری اسلامی ایران از مقابله با مهاجمین غافل ماند؟

کسانی به سفارت اتحاد شوروی حمله کرده‌اند که حمله به انقلاب ایران و نیروهای انقلاب ایران را رهبری می‌کنند. این دستجات که از تعمیق و گسترش دستاوردهای انقلاب به وحشت افتاده‌اند،

برایشان ۷ میلیون تومان تمام شده. آنها در بلوای فم هم پول زیادی خرج کردند مگر همین تحار بزرگ بودند که تا صاحب ملی کردن تحار خارجی پیش آمد آسهمه قشقرفی راه انداختند. من شاهد بودم که آنها به رمن و رمان فحش می‌دادند. این مفتخورها اصلا به هیچ چیز اعتقاد ندارند جز پول و سرمایه.

در تحارتخانه‌های درخشان خیام بودم از مقابل آنجا شهیدان جنگ را می‌بردند بهشت زهرا. تاجر بی‌سرف آن تحارتخانه جنازه‌هایی را که می‌بردند، نشان می‌داد و فحاشی می‌کرد و...

زردیک بود گریه‌ام بگیرد مگر آن جوان‌ها چه کرده بودند. دلم می‌خواست با دستهایم حقه‌اش کنم این تحار بزرگ را همه می‌شناسند. گاهی پیشش می‌آید که کارگران و باربرها و کسبه خرده‌پا چشم‌توی چشم آنها می‌دوزند و می‌گویند: دزد بیت‌المال.

من می‌گویم برای این تحار بزرگ نصیحت و تهدید بی‌فایده است. تنها یک راه وجود دارد آنهم ملی کردن تجارت خارجی. این تاجرهای بزرگ همه‌شان دزد و مفتخورند. ردخور هم ندارد. مثلا یک نفر هست که در جاده یادآور سردخانه‌ای دارد به اسم "سهند". او در دوره طاغوت ۳۰۰ هزار حلب پنیر دانمارکی فاسد شده خرید به قیمت هر حلب ۱۰ تومان. بهانه می‌آورد که به مرغداری می‌فروشم. اما ۴۰ میلیون تومان به وزیر بازارگانی وقت رشوه داد و بعد در بازار هر حلب را ۲۲۰ تومان فروخت یعنی با یک قلم جنس ۶۰ میلیون تومان زدنی کرد. کدامشان اینطور نیستند؟

اگر من بودم کمترین کارم صادره اموال همه این دزد های سرمایه‌دار بود. خلاصه درد و دل زیاد است یعنی گفتنی از دزدی این سرمایه‌دارهای زالوصفت زیاده اما بیش از این سرتان را درد نمی‌آورم.

موفق باشید

## امریکا به کمک رژیم ضیاءالحق در بلوچستان تجاوز دیگری را تدارک می بیند

آقا شاهی وزیر خارجه پاکستان طی هفته گذشته در یکن با مقامات چینی به گفتگو نشست. خبرگزاریها و مقامات رسمی دو کشور از مضامین این مذاکره سخن چندانی نگفته اند.

مذاکرات آقا شاهی در یکن بخشی از مذاکرات طولانی است که میان مقامات آمریکا چین، پاکستان، عربستان و سایر دول مرتجع جریان دارد. در مدتی قریب به یک ماه، چهار هیئت بلند پایه چینی به پاکستان وارد شدند در همین مدت هیئت های متعددی نیز از آمریکا به پاکستان مسافرت نمودند.

ژنرال ضیاءالحق دیکتاتور پاکستان نیز در چند ماه اخیر چندین بار به کشورهای امپریالیستی و کشورهای تحت سلطه منطقه سفر کرده و گذشته از این محافل مطلع می گویند که هیچگاه تا به امروز سفارت آمریکا در کراچی اینهمه پر جنب و جوش بوده است. آمد و شد های که در پاکستان انجام می شود، چنان بی سابقه است که توجه تمام محافل بین المللی را به خود جلب نمود. دیگر کمتر کسی تردید دارد که در پاکستان بهریدری آمریکا توطئه های در شرف تکوین است. شواهد نشان می دهد که این توطئه مشخصا انقلاب ایران را نشانه گرفته است.

امپریالیسم آمریکا با هماهنگ ساختن دول مرتجع منطقه و با استقرار ناوگان دریایی خود در سواحل ایرانی دریای عمان برای تجاوزات شروانه تری آماده می شود. آنها بلوچستان را مکان متناسبی برای آشوبگری می پندارند. حضور فعال "سردار"ها و "مولا"ها امپریالیسم را دلگرم می کند. این مرتجعین همان چیزی را می خواهند که امپریالیسم می خواهد. تثبیت و تعمیق انقلاب، "سردار"ها و "مولا"های بلوچستان را که با استثمار دهقانان بلوچ موجودیت یافته اند، تهدید می کند. آنها دشمن انقلاب هستند و کاملا در خدمت منافع امپریالیسم آمریکا قرار دارند. امپریالیسم با اتکاء به آنها و با همراهی سرمایه داران و فئودال های پاکستان و مرتجعین

افغانستان، می کوشند در بلوچستان اغتشاش به پا کنند. این اغتشاش می تواند به دستاویز امپریالیسم برای دخالت مستقیم بدل شود. بدینگونه است که می بینیم آمریکا در حالی که در مذاکرات پاکستان تجاوز مستقیم را تدارک می بیند، در تماس مستقیم با خوانین بلوچستان، آشوب و بلوا را زمینه چینی سعی می کند. امپریالیسم سعی دارد فئودال های بلوچ را سازمان دهد، آنها را به ضدانقلابیون مستقر در اروپا، پاکستان و عراق مرتبط کند و با مرتجعین منطقه هماهنگ سازد. ستاد عملیاتی این طرح، سفارت آمریکا در کراچی است که این روزها به کعبه آمال "سردارها" بدل شده است. سفارت آمریکا مستقیما "سردار"ها را هدایت می کند. چندی قبل یک دیپلمات آمریکایی، مذاکراتی طولانی با ضد انقلابیون بلوچستان ایران داشت. طرف های مذاکره "میرمولاداد سردار زهی"، "خان زهی" و "عابدزاده" بودند. عابدزاده ساواکی سرشناسی است که در سابق سردبیر روزنامه "ندای زاهدان" بود. هملکویترهای آمریکایی تاکنون چندین بار در بلوچستان فرود آمدند و سرنشینان آن با سردارها ملاقات کرده اند. علاوه بر آن هواپیماهای آمریکایی که از ناوهای هواپیما بر، مستقر در دریای عمان برمی خیزند، تاکنون چندین بار در آسمان بلوچستان به پرواز درآمده اند "احسان" جاسوس آمریکا و سرکرده کودتای "نوزه" مدتها در بلوچستان حضور داشت. او که یکبار دستگیر شده بود، به وسیله عوامل امپریالیسم از بازداشتگاه زندان مری فرار داده شد.

ضدانقلابیون سرشناس

ایرانی تحت حمایت رژیم ضیاءالحق در شهرهای پاکستان در انتظار تشدید عملیات نشسته اند. شهرهای کراچی و "گلشن اقبال" به لانه امن آنها تبدیل شده است. دکتر "ملک زهی" رابط آنها با "سردار"های بلوچستان می باشد. "ملک زهی" در عین حال رابط سردارها و ضدانقلابیون مستقر در عراق و اروپاست. او مرتبا میان اروپا، آمریکا عراق و پاکستان در پرواز است. ملک زهی عضو ساواک منحل و رئیس همداری سابق زاهدان می باشد. او داماد "پیرزاده جیلانی" سرمایه دار بزرگ پاکستانی است. "جیلانی" بسیار فعال ضدانقلابیون ایران و افغانستان است. او بخشی از هزینه سردارها را تامین می کند و تفنگ چینی های خود را در اختیارشان نهاده است. همراهی جمهوری اسلامی ایران در شناخت دوست از دشمن به "جیلانی" این اجازه را داد که دسته های از مزدوران خود را تحت عنوان "مجاهدین افغان" به ایران گسیل دارد. آنها در تهران و کرج مستقر گردیدند. این "مجاهدین" به وسیله "دکتر ملک زهی" از میان اوایش افغانی دست چین شده اند و مورد اعتماد کامل ملکرهی، این عضو ساواک هستند. آنها تاکنون در تهران به تحریکات و اقدامات متعددی دست زده اند. اگر حمله به سفارت شوروی و افغانستان در تهران پیگیری شود، مسلما به آسانی رد "مجاهدین" جیلانی و ملک زهی پیدا خواهد شد.

سردار "بیزنجو" سرکرده خوانین بلوچستان پاکستان نیز تماس های خود را با سردارهای ایرانی افزایش داده است. اکنون هزاران تفنگچی "بیزنجو" از فئودال های بلوچستان ایران

سلح می شوند، دولت نیز به تسلیح آنان همت گماشته است.

در حالی که "مولا"های مرتجع بلوچستان در رابطه با خوانین و از طریق دولت پاکستان در رابطه با امپریالیسم هستند و از آن طریق کمک های مالی هنگفتی می گیرند، از دولت ایران نیز تحت پوشش تبلیغ و ترویج مذهب، پول دریافت می کنند. مولا های مرتجع بدین ترتیب با دست باز علیه انقلاب تبلیغ می کنند و زیر حمایت عملی مقامات مسئول به اجرای نقشه های امپریالیسم آمریکا و متحدان آن مشغولند.

مزدوران فئودال های افغانستان به همسراه سردارهای بلوچستان علیه جمهوری اسلامی می جنگند. در همان زمان دولت ایران به همان فئودال ها برای دشمنی با دولت افغانستان کمک می کند. دولت ایران تا به امروز نتوانست بیاموزد که نمی توان در بلوچستان با امپریالیسم و فئودال های افغان و بلوچ جنگید. و در عین حال در افغانستان، عملا در کنار آنها قرار گرفت.

ضرباتی که تاکنون سیاست های جمهوری اسلامی ایران در بلوچستان بر پیکر انقلاب وارد آورده است، بسیار عظیم است. دولت جمهوری اسلامی موظف است مسئولین منطقه و طراحان سیاست های زبان بار را تحت بارزسی و بی گرد قرار دهد و فورا اقدامات عاجلی در جهت تصحیح سیاست های زبانبار گذشته و حال به عمل آورد. با اجرای کامل طرح اصلاحات ارضی پیوند زحمتکشان بلوچ را با انقلاب مستحکم سازد. از اقدامات ارتجاعی حمایت از "سردارها" و "مولوی"ها دست بردارد و سیاست حمایت از فئودال های فراری افغانستان را کنار گذارد.

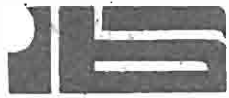
دولت برای مقابله با تجاوزات امپریالیسم آمریکا باید سرکوب فئودال ها و مزدوران امپریالیسم در منطقه را مجدانه در پیش گیرد و راه اتحاد عمل با نیروهای ترقیخواه و انقلابی را بیش از هر زمانی با کام های بی تزلزل بهیما بد.

پشتیبانی سردارهای بلوچ تحت ره نمود آمریکا با دیگر دولت های مرتجع نیز در رابطه مستقیم قرار گرفتند. اخیرا "امین میر لاشاری" و "امان الله خان باران" از سوی خوانین بلوچ به عراق و سلطان نشین عمان فرستاده شدند. متقابلا "جمالوچ" مزدور سرشناس و کهنه کار بلوچستان از عراق به پاکستان وارد شد. او یلافاصله مذاکره با خوانین بلوچستان ایران و پاکستان را آغاز کرد. "امان الله خان مبارکی" و "ملک" با کمک مالی بی دریغ آمریکا، به استخدام اوایش افغانی و پاکستانی پرداختند. این اوایشان که به نام "مجاهدین افغانی" نامیده می شوند، علیه دولت ایران به کار گرفته می شوند. اخیرا چند تن از این "مجاهدین" در حین آتش زدن مسجد آل رسول برانشهر توسط نیروهای انتظامی ایران دستگیر شدند آنها از حمله وظیفه دارند اختلافات مذهبی را شکل دهند و به آن دامن زنند. در بی تمامی این اقدامات و تحریکات، ژنرال ضیاءالحق نیروهای پاکستانی را به مرزهای ایران اعزام کرده است و این گام بلندی در اجرای توطئه آمریکا به شمار می آید.

دولت جمهوری اسلامی در بلوچستان تاکنون، سیاست هایی را به پیش برده اند که آشکارا تجاوزات امپریالیسم آمریکا را تسهیل می کند.

طی ماه های اخیر، مسئولین استان زیر پوشش "بسج عشایری" به بسج خوانین پرداختند. تماس های مکرری با "محمد خان لاشاری"، "عیسی خان مبارکی"، "شیرانی" و سایر خوانین وابسته گرفته شد. در حالی که این خوانین از سوی امپریالیسم





## اخبار کردستان

### از میان اعلامیه ها و نشریات هواداران سازمان

هر هفته انبوهی از اعلامیه ها ، نشریات ، تراکت های هواداران سازمان به دست ما می رسد . از آنجائی که انعکاس کامل این اعلامیه ها مقدور نیست ، ما بر آن شدیم که از این پس با چاپ عنوان و خلاصه ای از مضمون این اعلامیه ها در این ستون ضمن انعکاس گوشه ای از فعالیت تبلیغی هواداران سازمان این تلاش پیگیر را ارج نهیم .  
تحریریه "گزار"

★ هواداران سازمان در مشکین شهر در ۱۱ آذر اعلامیه ای منتشر کردند که در قسمتی از آن چنین آمده است :

" با تشکیل تعاونی های توزیع و یا از طریق ایجاد شوراهای محلی و روستائی برای به موقع رساندن مواد سوختی و ازرانی عمومی جهت مصرف اهالی شهر و روستا فعالانه بکوشیم ."

هواداران مشکین شهر در تراکت هایی که در شهر پخش کردند ، چنین رهنمود داده اند :  
در مصرف کمتر بکشیم و از ذخیره کردن ازران عمومی خودداری کنیم ."

★ "تجار و سرمایه داران با احتکار اجناس مورد نیاز مردم همانند سنون پنجم امپریالیسم عمل می کنند ."  
هواداران سازمان در میاندوآب با انتشار تراکتی که شعار بالا در آن نوشته شده ، به وظیفه مردمی خود برای مبارزه با محتکرین و تجار بزرگ عمل کردند .

★ از جنگ کردستان عبرت بگیریم " عنوان اعلامیه هواداران سازمان در ارومیه است . در این اعلامیه توطئه مشترک عوامل بختیار - پالیزبان و فئودال ها و زمین داران بزرگ در منطقه افشاء شده و نسبت به خلع سلاح زحمتکشان صومالی برادوست هشدار داده شده است . هواداران خواستار اتحاد عمل همه نیروهای ضد امپریالیست منطقه علیه تجاوز مزدوران عراقی و عوامل ضدانقلاب شده اند .

★ هواداران سازمان در خراسان ضمن انتشار اعلامیه ای هرگونه تفرقه و جدائی بین صفوف دانش آموزان را محکوم کرده و اعلام داشته اند " مدارس را باید به سنگر مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا و افشای دوستان و حامیان آن تبدیل کنیم ."

★ زحمتکشان پیشرو شیراز شماره هفتم نشریه "محلّه ما" ( نیمه دوم آذرماه ) را منتشر کردند . سرمقاله این نشریه به توطئه خوانین فارس و ضرورت مبارزه جدی و قطعی با آنها اختصاص داده شده است . در صفحات دیگر نشریه "محلّه ما" گزارش هایی از شوراهای محلی ، نمایشگاه ضد امپریالیستی و افشای محتکرین ارائه شده است .

بقیه در صفحه ۲۲

مردم کردستان دولت هیچ برنامه مشخصی ندارد و با تنگ نظری ، تمام تلاش های صادقانه نیروهای طرفدار صلح در کردستان را برای حل عادلانه مسئله همچنان بی جواب گذاشته است که بدترین تاثیر را روی آذهان عمومی مردم کردستان برجای نهاده است .

اکنون امپریالیسم آمریکا و متحدین آن همراه با تمامی مرتجعین منطقه تلاش وسیعی را جهت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی دنبال می کنند . تمام شواهد حکایت از آن دارد که این بار این توطئه گری ها شکل بسیار جدی تری به خود خواهد گرفت . دولت جمهوری اسلامی ایران هرگاه واقعا می خواهد از دستاوردهای انقلاب در مقابل تلاش های براندازی امپریالیسم آمریکا دفاع کند لازمه آن برخورد واقع بینانه و جدی با مشکلات موجود و یکی از مهم ترین آن ها بحران موجود در کردستان است .

حمایت می کنند . اکنون مدتی است که آنها تمام راه های منتهی به شهر را بسته اند و از عبور و مرور مردم و ارسال خواروبار شدیداً جلوگیری می کنند و اخیراً با استقرار سلاح های ضد هوایی و خمپاره انداز ۱۲۰ و توپخانه و از فرود هلی کوپتر به پادگان سردشت مخالفت به عمل می آورند . در هفته های گذشته افرادی که در اسارت دارودسته قاسملو به سر می برند در زندان روستای "دولتو" دست به اعتصاب غذا زده بودند . زندانیان به رفتار غیرانسانی که با آنها می شود اعتراض داشتند . دارودسته قاسملو به خاطر سرکوب اعتصاب ، هشت نفر از فعالین این حرکت را در جنگل "گوره بدر" اعدام کردند . آنها همچنین در روستای "آلاوان" اعلام کرده اند که هرکس علیه ما تبلیغ کند بار اول به هفت ماه زندان و در صورت تکرار به ۱۵ سال زندان تا اعدام محکوم خواهد شد .

### سندج

شهر سندج و مناطق اطراف آن همچنان دستخوش ناآرامی است . در هفته های گذشته هیئتی که به منظور بررسی امور کردستان از سندج عازم دیواندره بود ، توسط افراد قاسملو به گروگان گرفته شدند . در همین فاصله شهر دیواندره چندین بار از طرف افراد قاسملو و کومهله به وسیله کالیبر ۵۰ و آر. پی. جی . هفت مورد هجوم قرار گرفت . در محله سیورآباد سندج در چند مورد تاکنون انفجار صورت گرفته است و حملات پراکنده به محل استقرار پاسداران در شهر سندج ادامه دارد . پنج نفر از نمایندگان روستای شویشه که برای گرفتن گوین خواروبار به سندج آمده بودند ، در بازگشت توسط افراد کومهله دستگیر شدند . در درگیری های روستای "ماچکه" دیواندره ، پنج نفر کشته و تعدادی زخمی شده اند .

● همانگونه که از قبل نیز هشدار داده بودیم ، با آغاز فصل زمستان بحران کردستان ایحاد بازهم وسیع تر خواهد یافت . ضدانقلابیون و گروه های منحرف از بی توجهی مسئولان جمهوری اسلامی به حقوق عادلانه خلق کرد نهایت استفاده را نموده و تهاجم گسترده ای را علیه نیروهای دولتی در منطقه تدارک می بینند که درگیری های اطراف میاندوآب و مرودشت بیانگر گوشه ای از فاجعه است که در صورت عدم برخورد جدی با مسئله کردستان در روزهای آینده در ایحاد هر چه وسیع تر در گوشه و کنار کردستان تکرار خواهد شد .

اقداماتی که تاکنون از جانب رژیم جمهوری اسلامی ایران در مورد کردستان صورت گرفته نه تنها بیانگر حل عادلانه مسئله نیست ، بلکه بر عمق بحران افزوده است محاصره اقتصادی کردستان همچنان ادامه دارد و در مقابل مشکلات زندگی

### بوکان

● مردم شهر مصیبت زده بوکان ماهیست که بیشترین فشار ممکن را تحمل می نمایند . فشار ناشی از محاصره اقتصادی ، بیکاری ، فقر ، عدم بهداشت و درمان و دوستی خاله خرسه گروه های ورشکسته ای که مردم محروم شهر را وثیقه اهدافی قرار داده اند که با منافع واقعی مردم هیچ پیوندی ندارد .

در روزهای گذشته منطقه بوکان شاهد درگیری های سخت و خونین میان گروه های مسلح و نیروهای دولتی بود . با آغاز فصل زمستان دارو دسته قاسملو بر شدت حملات خود علیه مواضع نیروهای دولتی افزوده اند . در تاریخ ۲۷ آذر آنها در نزدیکی روستای خیرآباد میاندوآب به یک ستون از افراد پاسدار و ارتش حمله کرده که در نتیجه بیش از یکصد نفر از نیروهای پاسدار و ارتشی به شهادت رسیدند و تعداد زیادی مجروح شدند . در این جریان دسته ای از افراد "اقلیت" نیز شرکت داشتند .

در مخالفت با سیاست های باند قاسملو ، یکی از مسئولین بوکان به نام محمود رشیدی همراه با یکصد نفر از پیشمرگه ها سلاح های خود را زمین گذاشته اند . آنها گفته اند که دیگر حاضر به همکاری با دارودسته قاسملو نیستند .

### سردشت

● اخبار رسیده از سردشت حکایت از این دارد که دارودسته قاسملو همچنان برنامه تصرف شهر را تعقیب می کنند . آنها اخیراً نیروهای زیادی را به این منطقه گسیل داشته اند . که در میان آنها تعدادی از درجه داران و افسران ضدانقلابی طرفدار بختیار که از عراق بازگشته اند ، نیز دیده می شوند . آنها در منطقه علناً از بختیار

بکوشیم تا با استقرار صلح عادلانه در کردستان وحدت مردم میهنمان را

علیه امپریالیسم آمریکا تحکیم بخشیم

# شهدای سنگرهای خوزستان، گل‌های سرخ انقلاب

## ★ رفیق شهید، ابراهیم شکرچی فنگر مبارز

● رفیق ابراهیم شکرچی در سال ۱۳۳۲ در شهر آبادان و در خانواده‌ای کارگری به دنیا آمد. او از همان کودکی همانند تمامی زحمتکشان با طعم تلخ رنج و ستم و استثمار بخوبی آشنا بود و به همین جهت پس از اتمام تحصیلات ابتدائی و با وجود سن کم مجبور شد به کار بپردازد. رفیق تا سال ۵۴ به حرفه‌های گوناگون پرداخت و پس از آن به عنوان کارگر ساده به استخدام شرکت نفت درآمد. او بخوبی می‌دانست که در جامعه سرمایه‌داری، سرمایه او و میلیونها کارگر زحمتکش دیگر تنها بازوی پرتوان و نیروی کار آنان است که آنها به شدت استثمار می‌شود و باز به‌درستی آگاه بود که بازوی پرتوان آنان در پیوند با

اندیشه تابناک مارکسیسم - لنینیسم و علم رهائی - کارگران و زحمتکشان خواهد توانست زنجیرهای ستم امپریالیسم و استثمار سرمایه را گسسته و به صلح، آزادی و سوسیالیسم راه یابد. رفیق ابراهیم در جریان انقلاب با رفقای سازمان ارتباط برقرار کرد و سپس مبارزه‌ای سازمان‌یافته را دنبال نمود و در جریان همین مبارزات بود که بارها تهدید به اخراج از کار شد. اما اعتقاد رفیق عمیق‌تر از آن بود که این امر بتواند خللی در اراده او پدید آورد. رفیق در جریان سنگر خوزستان با وجودی که در شرکت نفت آبادان کار می‌کرد، فعالانه به کمک سبزدگان شافت و بعد از

## ★ فدائی خلق رفیق شهید،

### کوروش پاک‌بین

● رفیق کوروش پاک‌بین در سال ۱۳۳۹ در تهران پا به عرصه زندگی نهاد. او تحصیلات ابتدائی و متوسطه خود را در اهواز به پایان رسانید و در جریان انقلاب و قیام شکوهمند توده‌ها فعالانه و با تمام توان خود به یاری خلق شتافت. او در سال ۵۸ وارد دانشگاه اهواز شد و با قلبی سرشار از عشق به خلق و ایمان به آرمان بیروتاریا و برای تحقق شعار "بعد از شاه نوبت امریکاست" در جمع دانشجویان پیشگام به صفوف مبارزان سبک دانشگاه پیوست. بعد از تشدید توطئه‌های امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و تجاوز مزدوران عراقی به میهنمان، و در پی رهنمود سازمان، رفیق مصمم شد تا در کنار کارگران، زحمتکشان و انقلابیون به مقابله با مزدوران عراقی بپردازد و از همین‌رو

## ★ فدائی خلق رفیق شهید، فریدون مرتضی‌زاده

● رفیق فریدون مرتضی‌زاده در سال ۱۳۲۷ در محله کارگرنشین بهمنشیر آبادان در خانواده‌ای زحمتکش به دنیا آمد. او تحصیلات ابتدائی خود را در زادگاهش به پایان رسانید و در سن ۱۳ سالگی به خاطر آنکه دستمزد ناچیز پدرش کفاف زندگی خانواده را نمی‌داد، در آموزشگاه حرفه‌ای صنعت نفت ثبت‌نام کرده و پس از ۳ سال به پالایشگاه آبادان منتقل و مشغول به کار شد. دوران پرتلاطم زندگی رفیق و رابطه تنگاتنگ او با کارگران و زحمتکشان صنعت نفت از او پولادی آبدیده ساخته بود. او از همان بدو ورود به پالایشگاه و به دلیل خصلت‌های برجسته انسانی‌اش حوانست ارتباط نزدیکی با دیگر کارگران برقرار نماید و در جریان انقلاب به یاری دیگر

همرزمان خود در تبدیل صنعت نفت به "ستاد زحمتکشان" نقش ارزنده ایفا نماید. پس از انقلاب رفیق فریدون وارد "کمیته مسلح کارگری صنعت نفت" شد و با شوری بی‌پایان در تلاش بود تا تمام نیرو و توانش را در راه مبارزه با امپریالیسم به‌کار گیرد. پس از تجاوز مزدوران عراقی و مبارزان پالایشگاه آبادان، رفیق فریدون نقش فعالی در مهار آتش مخازن سوخت و حمل مجروحین به بیمارستان داشت. او از آنجائی که تجربیات گرانبهای در قیام بهمن ماه ۵۷ آموخته بود، برای مقابله با متجاوزین رژیم ضد مردمی عراق به ساختن نارنجک دستی، سه راهی بوش و کوکتل پرداخت. ولی سرانجام در روز ۹ مهرماه یکی از نارنجک‌هایی که

## ★ فدائی خلق رفیق شهید،

### دکتر پرویز کریمیان

● رفیق در سال ۱۳۳۵ در یک خانواده زحمتکش در مبارکه از اصفهان به دنیا آمد. بعد از اتمام تحصیلات متوسطه‌ای خدمت سربازی به کار در دوب آهن اصفهان مشغول گردید. رفیق در سال ۵۲ در رشته روانشناسی دانشگاه اصفهان و سال بعد در رشته پزشکی دانشگاه اهواز قبول شد و از آنجا که پدرش وابسته شاه، در بیمارستان راننده بود، تابستان‌ها را

# پیروزباد آرمان انقلابی رفقای شهید★

بقیماز صفحه ۱۸

## شهادت سنگر...

نامه يك فدایی از سنگرهای خونین آبادان به

مادر فدایی شهید حبیب الله فرحبخش

نبرد عادلانه‌ای که اکنون در شهرها و نقاط مرزی در جریان است، بی شک نقش تعیین کننده‌ای در آتیه رشد انقلاب برجای می‌گذارد. ما اکنون بر این امر آگاهیم که بار سنگین مسئولیت آنچه که فردای سیاسی میهن را می‌سازد، بیش از هرکس به عهده کمونیست‌های واقعی است و به این خاطر است که استوار و خلیل‌نایب‌تر بر عهد و متناهی خویش با خلق فهردمان میهنان اکنون نیز همچون همیشه، فدائی‌وار می‌جنگیم و تا دشمن متجاوز در ذره‌ای از خاک میهن حضور دارد، از پای نخواهیم نشست. شکی نیست که بگانه ضامن پیروزی خلق بر امپریالیسم، وحدت و همبستگی کلیه نیروهای انقلابی و ضد امپریالیسم در مبارزه علیه دشمن مشترک است.

مادرگرامی! بدان که اینک ما فدائیان خلق دوشادوش سایر نیروهای انقلابی، پاسدار دستاوردهای مبارزات شهیدان گلگون کفن و فدائی خلق و میهن خویشیم. تا آخرین قطره خون خویش می‌جنگیم و راه سرخ رفیق حبیب‌ها را از میان آتش و خون و گلوله عبور داده و به پیش خواهیم برد. هرچه مستحکم‌تر باد وحدت کلیه نیروهای که در راه ایرانی آزاد و دموکراتیک پیکار می‌کنند جاودان باد خاطره شهیدان بخون‌خفته خلق مرگ بر امپریالیسم جهانی بسرگردگی امپریالیسم آمریکا

با درودهای گرم و صمیمانه (از یک فدایی درسنگرهای خونین آبادان ۱۶ آذر ۵۹)



پرسنل انقلابی شهید ستوان یکم یارمحمد احمدی

توضیح: در "کار" شماره ۸۷ اشتباه ستوانیار احمدی نام برده شد که بدین وسیله تصحیح می‌گردد.

متجاوزین یورش برده و پیکر پاکشان در راه حفظ آزادی و استقلال میهن انقلابی، به خون آغشته گردیده است. چه بسیار کارگران و زحمتکشانی که در عرصه‌های گوناگون پیکار، دلاورانانه از دستاوردهای خونین مبارزات خویش دفاع نموده و شهید گشته‌اند و اکنون هر کوچه و خیابان این شهر یادآور حماسه‌ایست که بی شک در فردای پرفروغ و شکوفای میهن، در سایه پرچم برافراشته استقلال، آزادی، صلح و سوسیالیسم جاودان خواهد ماند.

اکنون ۱۶ آذرماه است و آسمان داغدار شهر هنوز بر اثر دودی که از آتش‌سوزی پالایشگاه برمی‌خیزد، تیره و تار است.

اینجا سنگر مقدس مقاومت خلق در برابر متجاوزین جنایتکار است. حالا پس از ساعت‌ها نبرد سخت و طاقت‌فرسا با فروکش کردن میزان درگیری، فرصت استراحت یافته‌ایم. برای آنکه وقت سپه‌ده نگردد و قبل از آنکه شهید شوم، از آخرین کلام‌های نیرو بخش سازمان با اطلاع شوم، کار ۸۴ را از جیب پیراهن بیرون می‌کشم و با حرص و ولعی پایان‌ناپذیر آن را می‌خوانم. آنقدر می‌خوانم تا به یادنامه فرزند دلاور خلق رفیق فدائی حبیب‌الله فرحبخش می‌رسم. با خواندن یادنامه او قلبم سخت به تپش می‌افتد و تمام وجودم را غروری به عظمت دلاوری‌های وصف‌ناپذیر رزمندگان خلق تکان می‌دهد. با دیدن نام او، یاد پگاه روشن آن روزی در ذهنم زنده می‌شود که او را در حالیکه گلاخ خود بر سر و تنگی بر شانه دارد، در آغوش می‌کشم و او در حالیکه از من دور می‌شود، بسا لبخندی امید بخش می‌گوید: "به امید دیدار، به امید پیروزی" و اینک اینجا سنگر مقدس مقاومت، یگانه مکان شایسته‌ایست که من می‌توانم با نام بزرگ او دیدار کنم. اما مادر! بگذار اکنون حقیقتی بس سترگ را با تو در میان بگذارم.

میهن و انقلاب ما اینک از هر سو در معرض تجاوز آشکار امپریالیسم جهانی بسرگردگی امپریالیسم آمریکا قرار دارد.

مادرگرامی که ترا ندیده‌ام و دستان پرمهر و دلاورپرورت را نغشده‌ام. من سرباز کوچکی از گردان کارگران و زحمتکش فولادین اراده این میهنم. من فدائی دیگری از تبار فدائیان جان برکف خلقم. من فرزند دیگری از فرزندان توام. درودهای گرم و صمیمانه را از سنگرهای خونین مقاومت در آبادان به‌ذیر!

اکنون ۱۶ آذرماه است و بیش از دوماه و سیم از جنگ تحمیلی و تجاوزکارانه رژیم ضد مردمی عراق بر توده‌های زحمتکش میهنان می‌گذرد. میدانی مادر، طی این دوماه، پیکر پاره‌پاره پالایشگاه، این ستاد رزم‌آوران دلیر طبقه کارگر ایران، دمی از گزند گلوله‌های توپ و خمپاره دشمن جنایتکار نیاسوده و خانه‌های فقیرترین و تهی - دست‌ترین مردم این شهر قهرمان پرور، همواره طعمه بلهوسانه‌ترین انگیزه‌های ضد انسانی واقع شده است. چه بسیار رزمندگان گلگون کفنی که عاشقانه به صف‌یوسف

گفتگو با مسئولین آموزش و پرورش در جلوی اداره آموزش و پرورش اجتماع می‌کنند. در این هنگام و این بار بسیار وحشیانه‌تر، اوباشان "حزب فقط حزب الله" گویان با کلت و چماق به آنها حمله می‌شوند که در نتیجه رفیق پیشگام مژگان اسدی دانش آموز دبیرستان طلعت دولتشاهی شهید و عده‌ای از دانش‌آموزان مجروح می‌گردند. تداوم این اقدامات مخرب در آموزش و پرورش و یورش‌های پیاپی به دانش‌آموزان و نیز سکوت مقامات جمهوری اسلامی اکنون خشم مردم خرم‌آباد را برانگیخته است. در چنین شرایطی خرم‌آباد همچنان آبدستن فجایی خونین خواهد بود. فجایی که تنها می‌تواند به سود امپریالیسم و لیبرال‌ها تمام شود. ما ضمن آنکه شدیداً این حرکات جنایتکارانه وحشیانه را محکوم می‌کنیم، مصرا خواهان پیگیری، محاکمه و مجازات عاملین جنایتی که به شهادت رفیق مژگان اسدی انجامید و نیز آزادی دانش‌آموزان دستگیر شده هستیم.

بقیماز صفحه ۱۸

## فدائی شهید دکتر، پرویز کریمیان

مجاور منزل رفیق به علت بمباران هوایی فرو ریخت و خود رفیق از ناحیه سینه جراحی برداشت. بعد از بهبودی در تاریخ ۲۵ مهر به اهواز برگشته و برای کمک به مجروحین جنگ در بیمارستان گلستان به مبارزه پیگیر خود در راه رهایی میهن ادامه داد اما در تاریخ ۲۴ آذرماه در خیابان اهواز مورد اصابت ترکش خمپاره دشمن قرار گرفت و هنگامی که او را به بیمارستان منتقل می‌کردند، درحالیکه دیگر خونی در بدنش باقی نمانده بود، شهید گردید و بدینسان با قلبی آکنده از ایمان به رهایی کارگران و زحمتکشان و در راه دفاع از میهن و استقلال قهرمانانه شهید شد.

یاد او گرامی و راه او جاودان باد

انقلاب کمک می‌کرد. رفیق پرویز در هنگام وقوع زلزله ایذه همراه دیگر دانشجویان به یاری آسیب‌دیدگان زلزله شتافت و پس از انقلاب شکوهمند خلق به صفوف دانشجویان پیشگام دانشگاه اهوزا پیوست و از بنیان‌تاسیس درمانگاه حبیب‌آباد (که در یکی از پرجمعیت‌ترین و فقیرترین محله‌های اهواز توسط شهید دکتر نیمیس‌تاسیس شده بود) در قسمت داروخانه همکاری می‌کرد. او در جریان سیل خوزستان نیز همراه اکیپ‌های پزشکی سازمان دانشجویی پیشگام به روستاهای اهواز رفته در کمک به روستائیان سیل‌زده آن نواحی تمام توان خویش را به کار انداخت.

با آغاز تهاجم نظامی رژیم مرتجع عراق به خاک میهنان هنوز چند روز از جنگ گذشته بود که خانه

## عاملین جنایت خرم‌آباد باید دستگیر و محاکمه شوند

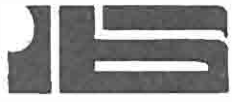
ادامه حرکات غیر دمکراتیک، اخراج بی‌رویه صدها معلم متعهد و انقلابی گم‌کردن عناصر بی‌صلاحیت و حتی اوباش در آموزش و پرورش و بالاخره اخراج بیش از صد تن از دانش‌آموزان دبیرستان‌های خرم‌آباد فاجعه آفرید. بعد از اخراج مستمر و بی‌رویه معلمین و انحلال بخش‌هایی از آموزش و پرورش لرستان در هفته گذشته بیش از صد تن از دانش‌آموزان دبیرستان‌های خرم‌آباد اخراج و بسیاری مورد اخطار قرار گرفتند. این حرکت با واکنش اعتراضی دانش‌آموزان و اولیاء آنها همراه شد.

در تاریخ ۲۶ آبان ماه ۵۹ در پی گسترش اعتراضات که کاملاً مسالمت‌آمیز بود، اوباشان مسلح به سلاح‌های گرم و چماق به دانش‌آموزان دختر دبیرستان طلعت دولتشاهی بهشکلی غیرانسانی و شرم‌آور حمله‌ور

شده که در نتیجه آن عده‌ای از دانش‌آموزان مجروح گشتند. در این روز در سطح شهر حمله و تهدید دانش‌آموزان دبیرستان‌ها بطور پراکنده ادامه داشت و در پی یورش به منازل دانش‌آموزان عده‌ای منجمله نوشین رفعتی ترانه ملک محمدی و فاطمه نصیر مقدم دستگیر می‌شوند. در روز جمعه آقای مشکینی مدیر کل آموزش و پرورش به گونه‌ای زنده و با طرح این دستاویز مسخره که از خانه دانش‌آموزان مشروبات الکلی! و اعلامیه! به دست آمده است، به تحریک مردم و زمینه‌سازی برای گسترش جو اغتشاش می‌پردازد.

روز شنبه در پی ممانعت از ورود دانش‌آموزان اخراجی به دبیرستان‌ها دسته‌های اوباش مسلح به دانش‌آموزان حمله‌ور شده و آنها را به شدت مورد ضرب و شتم قرار می‌دهند. در پی این حرکات دانش‌آموزان به همراه اولیاء خود به قصد





## چرا آمریکاشرایط ایران را برای آزادی گروگانها رد کرد ؟

اعلام شرایط آزادی گروگانها از جانب جمهوری اسلامی و رد این شرایط عادلانه از جانب امپریالیسم آمریکا تنها با شناخت اوضاع و احوال کنونی انقلاب ایران و هدفهای امپریالیسم آمریکا قابل درک است.

پدیرش ۴ شرط ایران از جانب دولت آمریکا همانگونه که ما در شماره ۸۳ "کار" تاکید کردیم به منزله شکست سیاسی امپریالیسم در سطح جهان، اعتراف امپریالیسم به دخالتهای جنایتکارانه خود در میهن ما و افسای بیش از پیش چهره کریه امپریالیسم در سطح جهان و ایران بود. پدیرش این شرایط، اعتماد پادشاهان و شیوخ مرتجع خاورمیانه را که ثروتهای مردم این منطقه را به غارت می‌برند و در بانکها و شرکت‌های آمریکایی ذخیره می‌سازند، سست به توانایی امپریالیسم در حفظ ثروت‌های بی‌حساب آنها کاهش می‌داد و آنان را به این فکر می‌انداخت که آیا ممکن نیست همانگونه که ثروت‌های غارت شده ایران به مردم ایران بازپس داده شد، آمریکا روزی مجبور شود

ثروت‌های دیگر دزدان بین‌المللی را نیز به صاحبان اصلی‌شان بازگرداند؟ طبیعا چنین کاهش اعتمادی، دزدان ثروتمند بین‌المللی را به این فکر می‌انداخت که برای ذخیره‌سازی ثروت‌های خود مکان‌های مناسب‌تری جستجو کنند که این خود سخت به زبان بانکها و شرکت‌های آمریکایی بود. علاوه بر این استرداد میلیاردها دلار ثروت مردم ایران مستقما به زبان بانکها و شرکت‌هایی بود که هم‌اکنون این ثروت‌ها را در اختیار دارند.

گذشته از همه اینها پدیرش شرایط مجلس از جانب امپریالیسم آمریکا موضع سیاسی نیروهای ضد امپریالیست جمهوری اسلامی را تقویت می‌کرد و در واقع نشانه حقانیت این نیروها بود در حالی که موضع لیبرال‌ها و سازشکاران و همه دوستان آمریکا را که پیوسته از گروگان‌گیری و تسخیر سفارت نالیده بودند تضعیف می‌نمود که قطعا چنین تحولی نیز موضع انقلاب را تقویت می‌کرد و سخت به زیان منافع

امپریالیسم آمریکا در ایران و منطقه بود.

ما به دلایل چینی واقفیت‌های روتس و برخی دلایل دیگر بود که صریحا گفتیم اعلام ۴ شرط آزادی گروگان‌ها را ناثید می‌کنیم و گفتیم که اگر امپریالیسم آمریکا این شرایط را بپذیرد این موفقیتی بزرگ برای انقلاب و شکستی بزرگ برای امپریالیسم است و از همین رو هم بود که معتقد بودیم امپریالیسم به آسانی این شرایط را نخواهد پذیرفت.

ما ضمن اعلام مواضع خود گفتیم که قطعا خیلی از نیروهایی که درک روشنی از ماهیت امر ندارند، به‌زودی اعلام شرایط آزادی گروگان‌ها را به منزله سازش جمهوری اسلامی تلقی خواهند کرد و دیدیم که آن پیش‌بینی ما و همه آنهايي که درک درستی از قضایا ندارند با صدای بلند، سازش جمهوری اسلامی را با امپریالیسم آمریکا اعلام داشتند.

سیر حوادث در ماه‌ها و هفته‌های پس از اعلام ۴ شرط آزادی گروگانها بخوبی نشان داد که نه امپریالیسم آمریکا و

نه لیبرال‌های ایران هیچکدام خواستار حل مسالمت‌آمیز مسئله گروگانها نیستند و اعلام شرایط از جانب مجلس در واقع بسیارحا و درست‌نوده است ابیک مردم ایران و جهان می‌توانند دریابند که چگونه امپریالیسم آمریکا به سروشت گروگانها نمی‌اندیشد و حاضر نیست شرایطی را که قبول آن به معنی قبول خواسته‌های عادلانه مردم ایران است، بپذیرد.

امپریالیسم آمریکا اینک مدبوحانه‌دربی آن است که با دخالت‌های تجاوزکارانه مستقیم و غیرمستقیم در امور ایران لیبرالها را بقدرت‌رساند

و انقلاب را به شکست کشاند و جاسوسان خود را بدون بازپس دادن میلیاردها دلار ثروت مردم ایران و بدون اعتراف به جنایات خویش از دوستان خود پس بگیرد. امپریالیسم آمریکا در این خیال خام است و از همین روی شرایط عادلانه ایران را رد کرده است. نخست‌وزیر و رئیس مجلس پس از رد شرایط ایران و تهدید امپریالیسم آمریکا بر ۴ شرط پیشنهادی قطعا امپریالیسم آمریکا

مسئله گروگان‌ها را در رورهای آینده به دستاویزی برای ادامه تحاورات جنایتکارانه خود علیه ایران بدل خواهد ساخت. اما واقفیت‌این است که اگر این دستاویز هم بود امپریالیسم به حکم ماهیت تحاورتکارانه خود دستاویزهای دیگری می‌ساخت. از همین رو است که سمپاشی‌های لیبرال‌ها که می‌خواهند علت تجاوزات امپریالیسم را علیه ایران با حادته تسخیر سفارت و گروگان‌گیری سست نلانش‌های

عوام‌فریبانه‌ای می‌دانیم که باید قاطعانه از جانب مردم آگاه و نیروهای مترقی افشا گردد. امپریالیسم قطعا دشمن همه انقلاب‌های جهان و همه حکومت‌های ملی و ضد امپریالیست خواهد بود و این در سرشت امپریالیسم است. ما همراه و همصدا با همه نیروهای ترقیخواه از بافشاری دولت جمهوری اسلامی بر ۴ شرط عادلانه ایران حمایت می‌کنیم و خواستار اتحاد همه نیروهای ترقیخواه و همه مردم آگاه و مبارز ایران در برابر تهدیدات و تجاوزات امپریالیسم آمریکا هستیم.

## تشکیل شورای هماهنگی اردوگاه آوارگان جنگ حیرت ضروری است

\* باید به مسائل روانی و عاطفی جنگ‌زدگان توجه ویژه مبذول گردد.

اردوگاه آوارگان جیرفت با ۵ هزار چادر و گنجایش ۶۰ هزار نفر، هزاران خانواده جنگ‌زده جنوب کشور را در خود جای داده‌است. این اردوگاه که هنوز کامل نشده با مسائل و مشکلاتی روبرو است و اگر دولت هرچه سریع‌تر این مسائل را حل کند، می‌تواند نمونه موفقیتی برای اسکان آوارگان جنگ در سایر مناطق باشد.

مهم‌ترین مسئله‌ای که باید مورد توجه قرار گیرد، "سازماندهی این اردوگاه" با یاری گرفتن و شرکت دادن جنگ‌زدگان است. موضوع دیگر تأمین مایحتاج و وسایل مورد نیاز مردم از طریق یک سازمان مشخص و جلوگیری از پراکندگی و تشتت در کار کمک‌رسانی است. توجه داشتن به مسائل روانی و عاطفی جنگ‌زدگان و تبلیغ آموزش آنها و توضیح علل جنگ و افسای نقشه‌های امپریالیسم آمریکا و رژیم مزدور عراق، از مسائل دیگری است که باید مورد توجه قرار داد. اجرای بموقع

و دقیق این وظایف علاوه‌بر اینکه مشکلات هزاران خانواده جنگ‌زده مستقر در اردوگاه جیرفت را رفع خواهد کرد، توطئه‌های عوامل مزدور امپریالیسم را که می‌کوشند از نارضایتی‌ها و گرفتاری‌های جنگ‌زدگان به‌نفع خود بهره‌برداری کنند، بی‌اثر خواهد ساخت.

در حال حاضر اردوگاه جیرفت به وسیله یک سرهنگ بازنشسته ارتش اداره می‌شود تقریبا همه امور اردوگاه زیر نظر وی می‌باشد. در حالیکه هزاران ساکن اردوگاه می‌توانند با تشکیل یک شورای هماهنگی بطور موثری به حل و فصل مسائل اردوگاه بپردازند. روابط اداری حاکم بر

دولتی و نمایندگان جنگ - زدگان می‌تواند زمینه‌های همکاری و تفاهم بیشتری را به وجود آورد. موضوع دیگر که باید مورد توجه قرار گیرد، متمرکز کردن فعالیت‌ها و رساندن خدمات و مایحتاج عمومی از یک کانال مشخص است. ایجاد شوراهای هماهنگی، متشکل از نهادهای انقلابی، پاسخگوی این مشکل خواهد بود. در حال حاضر مواد غذایی ضروری مانند نان، روغن، قند و شکر و حبوبات و برنج به صورت جیره‌بندی (هفتگی) در اختیار ساکنین قرار می‌گیرد ولی با افزایش روز به روز جمعیت و پر شدن ظرفیت اردوگاه (۶۰ هزار نفر) تهیه و توزیع این مواد

مشکل‌تر خواهد شد و احتیاج به سازماندهی جدید خواهد داشت. ضمنا کمبودهایی که تاکنون وجود داشته مانند مواد پروتئینی، میوه و سبزیجات باید از طریق تشکیل شورا و حضور نمایندگان مراجع مسئول برطرف شود. اردوگاه جیرفت از نظر

مسائل بهداشتی و درمانی و نیز مدرسه برای دانش‌آموزان مشکل چندانی ندارد. آب اردوگاه لوله‌کشی است و یک آبدار و داروخانه نسبتا مناسب و نیز مجموعه مدارس که با کمک آموزگاران بومی به کار افتاده، پاسخگوی نیاز ساکنین است اما باید توجه داشت که افزایش جمعیت، ضرورت رسیدگی به امور بهداشتی و آموزشی را بیشتر خواهد کرد و از هم‌اکنون باید در جهت گسترش و سازماندهی این امور توجه داشت. در این زمینه می‌توان از وجود داوطلبان متخصص (از داخل اردوگاه و بیجا شهرهای دیگر) استفاده کرد

بقیه از صفحه ۱۱

چرا می‌گوئیم در شرایط

اعتصاب و شعار افزایش تولید در واقع دو نموه از تجلی سیاست کلی طبقه کارگر ایران در قبال مسئله تولید است در دو موقعیت مشخص ( و متفاوت ) . در برخورد مشخص با این شرایط و اشکال مبارزاتی اصولا باید به دو نکته اساسی توجه داشت :

۱- هیچ یک از اشکال مبارزاتی فوق‌الذکر (اعتصاب و یا افزایش تولید) در شرایط مشخص خود شکل مطلق مبارزه نبوده بلکه اشکالی هستند اتخاذ شوند و در عین حال اشکال متفاوتی از مبارزه را نیز می‌توان همزمان با آنها و در کنارشان به‌کار بست. مشروط بر آنکه این اشکال دیگر در چارچوب همان سیاست کلی طبقه اتخاذ شوند و در مجموع موید منافع کلی و استراتژیک واحدی باشند .

مثلا: در روزهای پیش از قیام ، علیرغم اینکه تاکتیک اعتصاب شکل عمومی و کلی مبارزه پرولتاریا بود ولی این یک شکل مطلق مبارزه نبود و چه بسا فعالیت‌های اقتصادی در عرصه‌های مختلف ( از قبیل صنایع دارویی ، غذایی و ... ) به‌واسطه نیازهای روزمره و ضرور مردم ( و نه حکومت ) می‌بایست به تولیدشان ادامه می‌دادند و همانند بقیه متوقف نمی‌شدند و به‌جای آن اعتراضات و واکنش‌های انقلابی کارگران آن رشته‌ها نه در توقف بلکه به اشکال دیگری ابراز می‌شد . و یا پس از انقلاب هر چند تاکتیک افزایش تولید یک شکل عمومی و کلی مبارزه است ولی این بدان معنا نیست که در این اشکال کارخانه و یا رهت تولیدی ، کارگران برای تحقق خواست‌های انقلابی‌شان مطلقا دست به اعتصاب نزنند . این خواست انقلابی می‌تواند اقتصادی و یا سیاسی باشد . فی‌المثل اگر کارگران کارخانه‌ای برای تصفیه مدیران و عوامل مزدور سرمایه‌داران حتی دست به اعتصاب بزنند این خواناندن موقت تولید می‌تواند به نتیجه سیاسی بزرگتری ( یعنی پاکسازی عناصر ضد انقلابی و تحکیم بیشتر وحدت صفوف کارگران ) منجر شود .

در سال ۱۹۲۶ در شرایطی که حکومت ملی و رادیکال "وهال" در چین بر سر کار بود همین مسئله ، یعنی وظایف انقلابی پرولتاریا شیوه برخورد اصولی کمونیست‌ها در قبال این حاکمیت موضوع بحث بود . استالین در برخورد با تزه‌های ارائه شده توسط برخی از کمونیست‌های چین چنین گفت :

"می‌دانم که در بین کمونیست‌های چین ، رفتاری هستند که اعتصابات کارگران را برای بهبود شرایط کار و وضعیت حقوقی‌شان تأیید نمی‌کنند و سعی دارند کارگران را از اقدام به اعتصاب منع کنند ... اشتباه بزرگی خواهد بود اگر کمونیست‌های چین در بهره‌گیری از اوضاع مساعد کنونی در امر کمک به کارگران برای بهبود شرایط کار و زندگی و وضعیت حقوقی‌شان حتی از طریق اعتصابات ، کوتاهی نمایند . انقلاب چین به‌جز این قبیل امور در خدمت چه اهدافی است ؟ ... باید به‌خواست‌های اقتصادی و حقوقی طبقه کارگر چین برای رسیدن به شرایط بهبود یافته کار و زندگی اهمیت در خور داده شود ."

( استالین - انقلاب چین )

تأمین منافع طبقاتی کارگران لازمه تحکیم دستاوردهای انقلاب بوده و متضمن گسترش هرچه بیشتر دامنه آن است

۲- توسل به تاکتیک اعتصاب در چارچوب یک حکومت ملی ( ولی غیر پرولتری ) هر چند علی‌القاعده نادرست است ، ولی این مسئله که پرولتاریا حتی در چارچوب یک حکومت ملی و صدامیریالیست هم می‌تواند در شرایط خاصی این تاکتیک را به‌عنوان سیاست کلی و عمومی به‌کار گیرد یا نه ، مسئله‌ای است که توازن قوا بدان پاسخ نهائی را خواهد داد . مثلا پرولتاریا ، علیرغم اینکه با حاکمیت ملی در چارچوب سیاست اتحاد - مبارزه برخورد می‌کند ، ولی چنانچه در شرایطی قرار گیرد که بتواند قدرت را به‌دست گیرد این مسئله که ضرورت تصرف قدرت سیاسی ، او را ناگزیر از اتخاذ تاکتیک اعتصاب عمومی در برابر یک حکومت ملی بنماید منتفی نیست ولی در شرایط کنونی که مضمون مبارزات طبقه کارگر در تحکیم و گسترش انقلاب ایران و حمایت از جمهوری اسلامی در مقابل امپریالیسم و دیگر نیروهای ضدانقلابی تجلی می‌یابد ، هر شکل از اشکال مبارزه ، اعم از اعتصابات ، تحصن گروگان‌گیری و ... که ناقض این مضمون باشد ، و هدف را زیر پا نهد نمی‌تواند مورد قبول پرولتاریای انقلابی باشد . اتخاذ این یا آن تاکتیک پرولتری در تحلیل نهائی منوط به تأثیری است که در ارتقاء سطح مبارزاتی پرولتاریا می‌گذارد . لنین در این رابطه می‌گوید :

"تمام مطلب در آن است که بتوان یک تاکتیک را به منظور ترفیع و نه تنزل سطح عمومی آگاهی پرولتری و نیز برای تقویت سرشت انقلابی و توان مبارزاتی و احراز پیروزی به‌کار گرفت ."

بقیه از صفحه ۱۷

از میان اعلامیه‌ها و

\* هواداران سازمان در منطقه نایب‌الخطاب به زحمتکشان می‌نویسند :  
" در شرایطی که گرانی و کمبود مواد غذایی زندگی زحمتکشان را به خطر انداخته است ، قاچاقچیان و فئودال‌های منطقه با خارج کردن مواد خوراکی و مایحتاج عمومی بر مشکلات روزمره مردم دامن می‌زنند ."

\* کارگران پیشرو شیراز با انتشار اعلامیه‌ای در تاریخ ۲۶ آذرماه ضمن حمایت از شوراهای کارگری اعلام داشته‌اند :  
" وظیفه انقلابی کارگران است با شوراهای راستین خود که تبلور قدرت آنهاست ، از بسته شدن کارخانه‌ها جلوگیری نمایند ."

\* هواداران سازمان در قوچان با انتشار دو تراکت جداگانه سیاست‌های تفرقه‌افکنانه ضد انقلاب را محکوم کرده و یاد فدائی شهید "ولا دوست" را گرامی داشته‌اند .

\* هواداران سازمان در اراک ، کرد غرب ، لرستان و خوزستان در اعلامیه‌هایی که منتشر کرده‌اند بر ضرورت حفظ اتحاد میان همه نیروهای ضدامپریالیست در مبارزه با امپریالیسم و با متجاوزین عراقی تأکید کرده‌اند .

مناسبت سالروز نبرد مسلحانه خلق فلسطین

انقلاب فلسطینی

بقیه از صفحه ۲۴

اکنون شانزده سال است که مبارزات مردم فلسطین به مرحله نوینی گام نهاده و در ابعاد جدیدی قلب دشمنان امپریالیستی صهیونیستی را برای کسب استقلال ، آزادی و برقراری یک دولت انقلابی فلسطینی در سرزمین‌های اشغال شده ، نشانه رفته است . در تمام این مدت اتحاد شوم امپریالیسم ، صهیونیسم و ارتجاع عربی با توسل به انواع توطئه‌ها و دسائس نهبان و آشکار بر آن بوده و می‌باشد که صدای حق‌طلبانه جنبش مقاومت فلسطین را خفه ساخته و بر تداوم و اوجگیری مبارزه ضربه وارد نماید . ضد انقلاب با انکاء بـر زرادخانه نظامی خود بی‌وقفه به سرکوب مبارزان منطقه و فلسطین دست زده و در عین حال کوشش داشته با فشار ، ارعاب ، به راه انداختن جنگ‌های محدود و توسعه نفوذ اقتصادی - سیاسی و نظامی خود در منطقه نیروهای سازشکار عربی را به تسلیم وادارد و به پای مذاکره و امضای قرار داد با اسرائیل بکشد . تا از این طریق برای ضربه زدن به انقلاب فلسطین ، نیروهای رادیکال و انقلابی را منزوی سازد . قرار داد "کمپ دیوید" یکی ، و نه آخرین ، نمونه از این توطئه‌گری‌ها است .

اما پیکار خلق فلسطین را علیرغم این تلاش‌های مذبوحانه خاموشی نیست . نهالی که در اول ژانویه ۱۹۶۵ در فلسطین کاشته شد با خون هزاران هزار رزمنده شهیدی که آرمانشان رهائی از ظلم و ستم بوده است ، آبیاری گشته و امروز به چنان درخت تناوری بدل گشته که قطع شاخ و برگ‌هایی چند از آن را توانائی خشکاندنش نمی‌باشد .

سازمان ما به مناسبت این روز تاریخی درودهای بیکران خود را نثار خلق قهرمان فلسطین و رزمندگان انقلابی‌اش که جان بر کف رویاروی امپریالیسم ، صهیونیسم و نیروهای ارتجاعی منطقه می‌رزمند ، نثار می‌نماید . در شماره آینده "کار" به این مناسبت مروری بر سیاست‌های امپریالیستی - صهیونیستی - ارتجاعی و پیکار عادلانه جنبش مقاومت برای درهم شکستن این توطئه‌ها و رسیدن به پیروزی نهائی خواهیم افکند .

**پاسداران باید به سلاح سنگین مسلح شوند!**  
سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت)

## در پشت جبهه های جنگ آوارگان را ...

از حماسه تا آوارگی

سرما تا مغز استخوان نفوذ می کرد. هرکس به شکلی خودش را گرم می کرد. عده های مشغول کشیدن سیگار بودند و عده های در حال ورزش کردن و حرکات بدنی جهت گرم کردن خود بودند. چند مرد عرب پابره نژاد یک پتوی پاره پاره ای کز کرده و بعضی وقت ها جهت یک زن به سیگار سرشان را زیر پتو می بردند. زن عربی چند بچه قد و نیم قد را زیر چادر خودش پناه داده بود و ساکت و اندوهگین به نقطه نامعلومی نگاه می کرد و گاهی از اوقات به خاطر حرکت بچه ها متوجه آنها می شد و چشم از نقطه نامعلوم برمی داشت و بچه ها را بیشتر به خودش می چسباند. در جلوی لنج تعداد زیادی مرد و زن عرب روی اسباب و اثاثیه خودشان نشسته بودند و مشغول خوردن نان های خشکی بودند که با خود همراه آورده بودند. همگی پابره نژاد بودند و وسایل آنها بیشتر از یک زیلوی کهنه زوار در رفته، چراغ نفتی، لحاف پاره، مقداری ظرف پلاستیکی و فلزی، یک میز شکسته، یک چمدان چوبی با نقش و نگار گلی و رنگ و رو رفته و یک چرخ خیاطی در کنار اطاق ناخدا که در وسط لنج ساخته شده است. مردی حدود ۴۰-۴۵ ساله با رنگ و روی پریده و اندوهگین ایستاده بود که به

صحبت های اطرافیان خودش بی توجه بود و به سوالات هیچ کس جواب نمی داد و بعدها از یک مرد عرب شنیدم که شب قبل لنج او توسط عراقی ها به توپ بسته شده و غرق شده است و در حقیقت حاصل تمام زحمات چندین ساله او به زیر آب دریا رفته بود. یاد اولین روزی افتادم که وارد بسمارستان شرکت نفت شده بودم و با یک دختر امدادگر روبرو شدم که می گفت "بعد از اینکسه گواهینامه و شاسنامه پدر را از اطاق برداشتم که برای پدرم به ماه شهر بفرستم، یکی از دوستانم مرا صدا کرده و من با دوستم خارج شدم و هنوز ده دقیقه از خروج من نگذشته بود که صدای انفجاری برخاست. من و دوستم خودمان را روی خاک انداختیم و در جلوی چشم خودمان خراب شدن خانه را همراه با تمام اثاثیه دیدیم و وقتی دوستم با تعجب به من نگاه کرد من به او گفتم حاصل ۳۰ سال عمر پدرم به همین راحتی از بین رفت. من نمی دانم پدرم با چه نیرویی و با چه قیمتی دوباره سازی کند؟"

من در آن روز مسئله را چندان جدی نگرفتم ولی بعد از سیر این چند روز و برخورد با یک مرد عرب کم کم به عمق فاجعه ای که اتفاق افتاده و می افتاد پی بردم. مرد عربی که نامش حامد بود و فروشنده مواد

غذایی بود به من نزدیک شد و سر صحبت را با من باز کرد. او می گفت: همگی آواره جنگ هستیم. و از ده قصبه کنار اروند رود کوچ کرده ایم. شب و روز صدای راکت و خمپاره شنیده میشد. تعداد زیادی زخمی شدند. همه مردم ده کوچ کرده اند. بعضی ها جا پیدا کرده اند و بعضی ها آواره این شهر و آن شهر شده اند. همه از ناموس و بچه های خود می ترسند. شنیده بود که در خونین شهر به زنها تجاوز کرده اند. می گفت چند تا دختر فدایی مسلح توسط عراقی ها دستگیر شده اند و از آینده آنها هراسان بود. بیشتر پرسیدم. اطلاع نداشت. این مسئله را شنیده بود. از اسم و فامیل آنها نداشتند. اینک اهل خونین شهر بودند یا نه اطلاعی نداشت.

حامد گفت آن زن که بچه های خودش را زیر چادر گرفته، هیچ کس را ندارد. قبلا به ماه شهر رفته ولی چون جایی گیر نیابده به ده خودش برگشته ولی چون ده قابل سکونت نبود، باز می خواهد به ماه شهر برگردد و این دفعه تصمیم گرفته که برود جلوی اطاق جنگ آنقدر صبر کند تا برای او جایی را مشخص بکنند.

یاد ۲۲ روز قبل که در کمپ ۱۸ بودیم و می خواستیم از آنجا به آبادان برویم، افتادم. در محوطه ای که سابقا کارکنان پتروشیمی

ایران و ژاپن زندگی می کردند و بعد از انقلاب به ژاپن برگشته بودند تعداد زیادی پیرمرد، پیرزن، بچه زن و مرد جوان در منطقه ای در حال لولیدن بودند. تقریباً به جز چند بچه و پیرزن که مشغول فروختن سیگار و تخمک بودند، همگی بیگار بودند، بدون هدف راه می رفتند و احیاناً بعضی فحشی به گوش می رسید. بیشتر بچه ها پابره نژاد بودند اطراف مردم را تعداد زیادی مگس گرفته که به قول دوستان کمپ مگس ها را به وجود آورده بود. در صحبت با چند نفر شنیده بودم که دولت خواسته است آنها را به جیرفت و شهرهای دیگر بفرستد ولی به خاطر رفتار بدی که در شیراز و بهبهان با مردم شده بود و اینکه شنیده بودند بنا به گفته یک روحانی در شیراز آب به زیر پای مردم آواره خوزستانی ریخته اند از رفتن به مناطق دیگر خودداری می کنند و به حرف عوامل دولتی توجه نمی کنند و دولت هم کمک های ناچیز خودش را به آنها قطع کرده بود. یک نوجوان ۱۳ ساله که شاگرد مکانیک بود می گفت برادرم در جبهه هست. من و خواهر و مادر و پدر پیرم به این کمپ آمده ایم از طرف دولت یک روحانی آمده و گفته است که باید جوان ها به آبادان برگردند، من نمی دانم از زنها و بچه ها چه کسی باید

مواظبت بکند. اگر دولت می توانست واقعا زن و بچه پیرمرد را مواظبت بکند خیلی از جوان ها به آبادان برمی گشتند تازه اعلا کرده اند که خلقی ها باید از آبادان خارج بشوند. آخر ا کدام ساز دولت باید بر قصب یکبار می گویند بروید بیرون یکدفعه می گویند برگردید آبادان.

یک مرد مسن می گفت "اینجا باز دکتر سیروس دریایی هست. اگر ما را به جای دیگری بفرستند که دکتر و دوا گیر نمی آید اینجا بعد از ۲ ساعت راه پیمائی افلا به یک نانوائی می رسیم ولی جاهای دیگر وضع خراب است. هفته قبل عده ای از مردم را با اتوبوس به جیرفت بردند ولی چون امکانات اولیه زندگی فراهم نبود، با زور با همان اتوبوس ها به کمپ برگشتند و به ما گفتند اینجا تکان نخوریم.

با صدای رفیق یزشک نه می گفت ۲ ساعت دیگر با خورموسی راه هست به خود آمدم. من و رفیق یزشک آخرین کسانی بودیم که از اکیپ امداد همراهان به تهران برمی گشتیم و چون هلی کوپتر نبود لذا با لنج از آبادان به طرف ماه شهر رفتیم. راهیان اندیشه آوارگان را هم نمی کند. زمستان، بارندگی از راه می رسد و آوارگان جسد را تهدید می کند.

بقیه از صفحه ۱۴

## چرا امیرانتظام را ...

انقلاب که یکسال این فرد "بی گناه" را در زندان نگاهداشته اند، از محاکمه او وحشت دارند.

تعطل، دودلی و ناپیگیری دادگاه های انقلاب در محاکمه علنی امیرانتظام باعث آن شده است که لیبرال ها دستگیری سخنگوی جاسوس دولت بازرگان را که در خدمت لیبرال ها است به حربه ای برای اثبات سیاست های خود و حقانیت

تراشی برای خود مبدل سازند.

با توجه به همه این واقعات هر روز تعطل در محاکمه علنی امیر انتظام، زبان های پازم بیشتری را متوجه انقلاب می کند.

سازمان ما هم صدا با مردم آگاه ایران همچنان مصرانه خواهان محاکمه علنی امیر انتظام است و کوتاهی در این زمینه را محکوم می نماید.

## ملی کردن تجارت خارجی گامی است در جهت تأمین منافع زحمتکشان.

● با ملی کردن تجارت خارجی علاوه بر جلوگیری از احتکار مایحتاج عمومی و جباوول زحمتکشان توسط عده های سرمایه دار مفتخور، اصلی ترین راه خروج ارز نیز بسته می شود.

## ملی کردن تجارت خارجی گام مهمی است در جهت

کونا کردن دست تجار بزرگ، دلالان، واسطه ها، محسوران و ... از اقتصاد کشور.

# می مانیم و در خون پیکار می کنیم

در دفاع از انقلاب، در دفاع از استقلال ملی و در راه آرمان پراندهار طبقه کارگر، فدائیان خلق در سنگرهای سرخ طاوت و در عرصه‌های پیکار تاریخساز خلق بزرگ ما، هر روز جان‌های عزیز را در راه انقلاب شکر می‌کنند...  
چون پاک ریشا، دشتها و دره‌های همین را تلکون می‌نارند و بنابر می‌دهند  
لا اله الا الله، سرخی را که ایران مستقل، آباد و دگرگون فرماید پیروی زحمتکش  
بر آن بنا می‌نهند.

## فدائیان خلق، رفقای شهید سنگرهای پیکار با تجاوزگران

- ✱ پرویز کریمیان ✱ وحید نک سر ✱ محمود آبخو
- ✱ شهید کوشی ✱ عبدالحسین شاه‌میر ✱ علی حاتم‌زاده
- ✱ کاظم عسدی ✱ حبیب‌الله لورجینی ✱ عبدالله مرادی
- ✱ البرز یوسفی ✱ محمدتاسم فلاح بیگی ✱ لطیف علیزاده
- ✱ جواد گنجی ✱ سهیلا عثمان‌زاده ✱ پرویز فیری‌ها
- ✱ اکبر فتور ✱ محمود اشرف‌آبادی ✱ بهرام ورامنی
- ✱ امیر اسائی ✱ محمد مهدی نیک‌اندام ✱ شهریار باقرزاده
- ✱ رحیم میطی ✱ اکبر بدلی ✱ محمدرضا آدریان
- ✱ علی مصاف ✱ محمدحسین صدرآبادی ✱ علام عباس بصره
- ✱ خسرو کریمی ✱ فریدون مرتضی‌زاده ✱ ابرج حسین نیا
- ✱ مریم ربیسی ✱ محمداسماه‌نژاد رودبند ✱ عنایت اله رئیسی
- ✱ مرتضی دارابی ✱ رحمت‌اله (امیر) اسفندیارپور ✱ زهره مو سوویون
- ✱ کورش باک‌بین ✱ ابراهیم شکرچی ✱ حسین شرفی

## پیروز یاد آرمان انقلابی رفقای شهید

# مبارزه تا پیروزی نهائی

نمنا سبت سالروز نبرد مسلحانه خلق فلسطین

انقلاب فلسطین:



☆ اکنون شانزده سال است که مبارزات مردم فلسطین به مرحله نوبنی گام نهاده و در ایجاد جدیدی قلب دشمنان امپریالیستی - صهیونیستی را برای گسب استقلال نشانه رفته است

با فرا رسیدن ۱۱ دی ماه (اول ژانویه) خلق برادر فلسطین، سالروز آغاز نبرد مسلحانه خود علیه اشغالگران صهیونیست و امپریالیست‌ها را گرامی می‌دارد.

بقیه در صفحه ۲۲

## آقای رئیس‌جمهور!

### چرا برنامه اقتصادی خود را به مردم ارائه نمی‌دهید؟

در صفحه ۱۲

## چرا آمریکا شرایط ایران را برای آزادی گروگانها رد کرد؟

در صفحه ۲۱

### چه کسانی حمله به سفارت شوروی را تدارک دیده‌اند؟

در صفحه ۱۵

## عاملین جنایت خرم‌آباد

باید دستگیر و محاکمه شوند در صفحه ۱۹

## در بزرگداشت

### قهرمانی‌های خلق شرکت کنید

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران - (اکثریت) برای بزرگداشت قهرمانی‌های خلق و یادآوری پیروزی مردم به‌ویژه بزرگداشت قیام شکوهمند بهمین، از تمامی مردم قهرمان ایران می‌خواهد که اسناد، یادداشت‌ها، عکس، اسلاید، نقاشی، فیلم، نوار و کتب مصوری که در ارتباط با مبارزات مردم ایران در اختیار دارند، جهت سازمان ارسال دارند.  
روی پاکت بنویسید: "ویژه بزرگداشت قهرمانی‌های خلق"

کمیسیون تبلیغات

از یادداشت‌های فدائیان خلق:

# در پشت جبهه‌های جنگ آوارگان را دریابیم

در صفحه ۴

# پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر